



BOTANOMOLOGY IN QUR'AN

شناسی

از دیدگاه قرآن کریم



تالیف و تدوین: دکتر محمد پیوستگی

گروه تحقیق ۱

مهری امیرالهی، پوراندو محمد شیخ حسینی، اسدالله عظیمی،
با همکاری و انکار شناسی، اسدالله اسدولکریمی، گروه ۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

گیاه‌شناسی از دیدگاه قرآن کریم

نویسنده:

محمد بیستونی

ناشر چاپی:

بیان جوان

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۸	گیاه‌شناسی از دیدگاه قرآن کریم
۸	مشخصات کتاب
۸	فهرست مطالب
۱۰	(الْأَهْدَاءِ)
۱۱	متن تأییدیه فقیه اهل بیت حضرت آیه الله حاج سیدمرتضی خاتمی در خصوص
۱۲	مقدمه
۱۲	گیاهان در قرآن کریم
۱۴	جایگاه درخت در قرآن
۱۵	واژه شجر و معانی آن
۱۵	موارد استفاده از درخت در قرآن
۱۵	موارد استفاده از درخت در قرآن
۱۵	۱ - درخت و تسبیح خداوند
۱۶	۲ - درخت و سجده در برابر خداوند
۱۶	۳ - درخت نشانه قدرت خداوند
۱۷	۴ - استفاده از درخت برای تمثیل در قرآن
۱۸	۵ - نقش درخت در زندگی انبیای الهی علیهم صلوات الله
۲۰	۶ - درختان بهشتی
۲۰	۷ - درختان دوزخی
۲۱	۸ - درختان دنیوی
۲۲	۹ - نقش درخت در زندگی انسان‌ها و حیوانات
۲۳	بررسی مشخصات و خواص گیاهان در قرآن
۴۱	درخت ممنوع آدم

- ۴۲ درخت آتشناک موسی
- ۴۲ درختان آتش زا
- ۴۳ درخت پاک و درخت ناپاک
- ۴۹ یک حدیث درباره منّ
- ۵۵ یک حدیث درباره نخل
- ۵۸ شگفتی‌های آفرینش
- ۵۸ تنوع گیاهان
- ۵۹ گیاهان به ما درس توحید می‌دهند
- ۵۹ اهمیت گیاهان
- ۶۰ هر گیاهی که از زمین روید
- ۶۰ کوچک‌ترین واحد زنده
- ۶۰ شکافنده دانه و هسته
- ۶۱ سلول‌ها و بافت‌های هر گیاه معین است
- ۶۱ نخستین اندام گیاه
- ۶۲ هر نوع گیاهی وزن و حساب خاصی دارد
- ۶۲ ساقه یا دومین اندام گیاه
- ۶۳ ساختمان گل
- ۶۳ شکفتن گل‌ها
- ۶۳ زوجیت گیاهان از دیدگاه قرآن کریم
- ۶۴ قانون وراثت در گیاهان
- ۶۵ ذخیره و پسانداز گیاهی
- ۶۶ محتویات سبزی‌ها و میوه‌ها و حبوبات
- ۶۷ کارخانه ساخت ویتامین
- ۶۷ اهمیت سبزی‌ها از نگاه معصومین علیهم‌السلام

- ۶۸ درسی از مکتب امام صادق علیه‌السلام در فوائد گیاهان
- ۶۹ ساختمان اسرارآمیز میوه‌ها
- ۶۹ فهم حیران شود از حقه یاقوت انار
- ۷۰ ساختمان دقیق و پیچیده انواع میوه‌ها
- ۷۱ استفاده معنوی و مادی از گیاهان
- ۷۲ آیا گیاه هم می‌تواند بیان احساس کند؟ (۱)
- ۷۲ آیا گیاه درد را احساس می‌کند
- ۷۴ گیاه گریه می‌کند
- ۷۵ آیا گیاهان دارای سیستم اعصاب هستند؟
- ۷۶ بعضی از گیاهان در دمای خاصی می‌میرند
- ۷۶ اثر جریان برق بر بیشتر شدن محصولات گیاهان
- ۷۶ هدف عالی قرآن از بیان اسرار گیاهان (۱)
- ۷۸ «کتابنامه»
- ۷۸ درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

گیاه‌شناسی از دیدگاه قرآن کریم

مشخصات کتاب

سرشناسه: بیستونی محمد، - ۱۳۳۷
 عنوان و نام پدیدآور: گیاه‌شناسی از دیدگاه قرآن کریم / Botany in Qur'an / تالیف محمد بیستونی گروه تحقیق مهری
 ابراهیم پور، ندا شیخ حسنی علی شیخ حسنی با همکاری و کارشناسی اسدالله اسدی گرمارودی
 مشخصات نشر: تهران بیان جوان ۱۳۸۳.
 مشخصات ظاهری: ۲۷۶ ص ۱۴X۱۰سم
 فروست: (... سری کتاب‌های روش انس با قرآن
 شابک: ۱۰۰۰۰ ریال
 وضعیت فهرست نویسی: فهرست‌نویسی قبلی
 یادداشت: کتابنامه ص ۲۷۶؛ همچنین به صورت زیرنویس
 موضوع: قرآن — گیاهان
 شناسه افزوده: ابراهیم پور، مهری
 شناسه افزوده: شیخ حسنی ندا
 شناسه افزوده: شیخ حسنی علی
 شناسه افزوده: اسدی گرمارودی اسدالله . - ۱۳۴۰
 رده بندی کنگره: BP۱۰۴ / گک ۹ب ۱۳۸۳
 رده بندی دیویی: ۲۹۷/۱۵۹
 شماره کتابشناسی ملی: م ۸۳-۲۱۹۳

فهرست مطالب

- موضوع صفحه
 مقدمه ۶۰۰۰
 گیاهان در قرآن کریم ۸۰۰۰
 جایگاه درخت در قرآن ۱۷۰۰۰
 واژه شجر و معانی آن ۱۷۰۰۰
 موارد استفاده از درخت در قرآن ۱۹۰۰۰
 ۱- درخت و تسییح خداوند ۲۰۰۰۰
 ۲- درخت و سجده در برابر خداوند ۲۳۰۰۰
 ۳- درخت نشانه قدرت خداوند ۲۴۰۰۰
 (۲۶۸)
 ۴- استفاده از درخت برای تمثیل در قرآن ۲۷۰۰۰

فهرست مطالب

موضوع صفحه

- ۵- نقش درخت در زندگی انبیای الهی علیهم صلوات الله ۳۱۰۰۰
- ۶- درختان بهشتی ۳۷۰۰۰
- ۷- درختان دوزخی ۴۰۰۰۰
- ۸- درختان دنیوی ۴۲۰۰۰
- ۹- نقش درخت در زندگی انسان‌ها و حیوانات ۴۷۰۰۰
- بررسی مشخصات و خواص گیاهان در قرآن ۵۰۰۰۰
- درخت ممنوع آدم ۱۲۵۰۰۰
- درخت آتشناک موسی ۱۲۶۰۰۰
- درختان آتش‌زا ۱۲۹۰۰۰
- (۲۶۹)

فهرست مطالب

موضوع صفحه

- درخت پاک و درخت ناپاک ۱۳۰۰۰۰
- یک حدیث درباره منّ ۱۵۵۰۰۰
- یک حدیث درباره نخل ۱۸۰۰۰۰
- شگفتی‌های آفرینش ۱۹۰۰۰۰
- تنوع گیاهان ۱۹۱۰۰۰۰
- گیاهان به ما درس توحید می‌دهند ۱۹۳۰۰۰۰
- اهمیت گیاهان ۱۹۴۰۰۰۰
- هر گیاهی که از زمین روید ۱۹۶۰۰۰۰
- کوچک‌ترین واحد زنده ۱۹۷۰۰۰۰
- (۲۷۰)

فهرست مطالب

موضوع صفحه

- شکافنده دانه و هسته ۱۹۹۰۰۰۰
- سلول‌ها و بافت‌های هر گیاه معین است ۲۰۱۰۰۰۰
- نخستین اندام گیاه ۲۰۲۰۰۰۰
- هر نوع گیاهی وزن و حساب خاصی دارد ۲۰۴۰۰۰۰
- ساقه یا دومین اندام گیاه ۲۰۶۰۰۰۰
- ساختمان گل ۲۰۹۰۰۰۰
- شکفتن گل‌ها ۲۰۹۰۰۰۰

زوجیت گیاهان از دیدگاه قرآن کریم ۲۱۰۰۰۰

قانون وراثت در گیاهان ۲۱۴۰۰۰

(۲۷۱)

فهرست مطالب

موضوع صفحه

ذخیره و پس‌انداز گیاهی ۲۱۷۰۰۰

محتویات سبزی‌ها و میوه‌ها و حبوبات ۲۱۹۰۰۰

کارخانه ساخت ویتامین ۲۲۵۰۰۰

اهمیت سبزی‌ها از نگاه معصومین علیهم‌السلام ۲۲۶۰۰۰

درسی از مکتب امام صادق علیه‌السلام در فوائد گیاهان ۲۲۷۰۰۰

ساختمان اسرار آمیز میوه‌ها ۲۳۱۰۰۰

فهم حیران شود از حقه یاقوت انار ۲۳۵۰۰۰

ساختمان دقیق و پیچیده انواع میوه‌ها ۲۳۹۰۰۰

استفاده معنوی و مادی از گیاهان ۲۴۰۰۰۰

(۲۷۲)

فهرست مطالب

موضوع صفحه

آیا گیاه هم می‌تواند بیان احساس کند ۲۴۴؟۰۰۰

آیا گیاه درد را احساس می‌کند ۲۴۷۰۰۰

گیاه گریه می‌کند ۲۵۴۰۰۰

آیا گیاهان دارای سیستم اعصاب هستند ۲۵۸؟۰۰۰

بعضی از گیاهان در دمای خاصی می‌میرند ۲۶۰۰۰۰

آیا می‌دانید گرده گیاهان قابل اشتعالند ۲۶۰؟۰۰۰

اثر جریان برق بر بیشتر شدن محصولات گیاهان ۲۶۱۰۰۰

هدف عالی قرآن از بیان اسرار گیاهان ۲۶۲۰۰۰

(۲۷۳)

(الْإِهْدَاءِ)

إِلَى سَيِّدِنَا وَ نَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ

رَسُولِ اللَّهِ وَ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَ إِلَى مَوْلَانَا

وَ مَوْلَى الْمُؤَحِّدِينَ عَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ إِلَى بَضْعِهِ

الْمُضْطَفَى وَ بِهِجَةِ قَلْبِهِ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ وَ إِلَى سَيِّدَتِي

شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، السَّبْطَيْنِ، الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ وَ إِلَى الْأَيْمَةِ الشَّعْبَةِ

الْمَعْصُومِينَ الْمُكْرَمِينَ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ سَيِّمًا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي الْأَرْضِينَ وَ وَاِرِثَ عُلُومِ
 الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ ، الْمَعْدَّ لِقَطْعِ دَابِرِ الظَّلْمَةِ وَالْمُدْخِرِ لِأَحْيَاءِ الْفَرَائِضِ وَمَعَالِمِ الدِّينِ ،
 الْحُجْبَةِ بْنِ الْحَسَنِ صَاحِبِ الْعَصْرِ وَالزَّمَانِ عَجَلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ فَيَا مُعِزَّ
 الْأَوْلِيَاءِ وَيَا مُدِلَّ الْأَعْدَاءِ أَيُّهَا السَّبَبُ الْمُتَّصِلُ بَيْنَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ قَدْ مَسَّنَا
 وَ أَهْلَنَا الضَّرَّ فِي غَيْبَتِكَ وَ فِرَاقِكَ وَ جِنَا بِيضَاعَهُ
 مُرْجَاهُ مِنْ وِلَايَتِكَ وَ مَحَبَّتِكَ فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ مِنْ مَنِّكَ وَ
 فَضْلِكَ وَ تَصَدَّقْ عَلَيْنَا بِنَظَرِهِ رَحْمَةً مِنْكَ
 إِنَّا نَرِيكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ

(۳)

متن تأییدیه فقیه اهل بیت حضرت آیه الله حاج سیدمرتضی خاتمی در خصوص

«روش انس با قرآن» و تألیفات تفسیری جناب آقای دکتر محمد بیستونی

بسم الله الرحمن الرحيم

قرآن منشور هدایت، راهنمای جاوید، مبشر نور و برکت و «نسخه شفافبخش» برای همه انسان‌ها می‌باشد. این نور روشنگر و ابر باران‌خیز و «نسیم معنوی و جانبخش حیات» باید به عمق جان و روح نفوذ نموده و با روش‌های صحیح و کارشناسی شده در متن زندگی و فعالیت‌های فردی و اجتماعی همه انسان‌ها خصوصاً «اهل قبله» قرار گیرد.

در همین راستا، فرزند معنوی و عزیزم جناب آقای «دکتر محمد بیستونی» که از عنفوان جوانی در خدمت «قرآن و مساجد» بوده است. در یک تلاش طاقت‌فرسا و منظم که بنده از ۱۰ سال پیش، مسـتقیماً در جریان آن قرار گرفتم «طرح جدید و دقیقی» را تحت عنوان «روش انس با قرآن» از طریق «کارگاه آموزشی مفسرین جوان» ابداع نموده است و کلیه منابع تحقیقاتی آن را نیز شخصاً تألیف کرده و همه آن‌ها را قبل از چاپ و نشر برای «تصحیح لفظی و محتوایی و اعرابی» به رؤیت اینجانب رسانده است. بنده نیز با کمال دقت و حوصله تمامی آن‌ها را از اول تا آخر مطالعه و تصحیح نمودم.

تألیفات قرآنی جناب آقای دکتر محمد بیستونی که عموماً در حوزه «تفسیر موضوعی و زنجیره‌ای قرآن کریم»

(۴)

می‌باشد، بسیار ساده و برای عموم مردم و متدینین خصوصاً «نوجوانان و جوانان عزیز» کاملاً قابل استفاده بوده و می‌تواند تحوّل عظیمی را در «مؤانست نسل جوان با محتوای قرآن کریم» خصوصاً در حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی و دولتی کشور به همراه داشته باشد.

از ویژگی‌های بارز تألیفات تفسیری ایشان، توجه به «تفسیر موضوعی و زنجیره‌ای (تفسیر قرآن با قرآن)» می‌باشد که در نوع خود بی‌نظیر است.

امیدوارم جوانان عزیز مسلمان در سراسر جهان وجود وی را غنیمت شمرده و از تألیفات قرآنی ایشان که بحمدالله اخیراً به زبانهای عربی، انگلیسی، فرانسه و آلمانی نیز در دست چاپ و انتشار می‌باشد، حداکثر استفاده را بنمایند.

آرزوی منم خداوند تبارک و تعالی به این برادر باذوق و علاقمند به قرآن و مسائل جوانان توفیق ادامه مخلصانه چنین «تلاش‌های مفید و مؤثر قرآنی» را بیش از پیش عنایت فرماید.

بتاریخ ۲۷/۱۳۸۲ ه. ش

۲۷ رجب‌المرجب ۱۴۲۴ ه.ق

مبعث رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله

سید مرتضی خاتمی

(۵)

مقدمه

همه گیاهان روی زمین و داخل دریاها «نشانه بارزی از عظمت» خداوند مَنان می‌باشند. گیاهانی که قرآن مجید از آنها نام برده است هم از نظر «خواص و کاربرد» و هم از جهت اشاره به «رویدادها» و وقایعی که همراه با نام این گیاهان آمده نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. و چون نام این گیاهان در کلام الهی راه یافته حفظ این نام‌ها به طور ابدی تضمین شده است و شناخت آنها برای درک بسیاری از آیات قرآن لازم است.

انگیزه تألیف این کتاب توجه دادن جوانان عزیز به مخلوقاتِ عظیم خداوندی بعنوان نشانه‌های بارز بر وجود حکیمی مدبّر و نیز حفاظت از محیط زیست و در رأس آنها پاسداری از «حریم الهی گیاهان» می‌باشد، زیرا اسلام عزیز در همه شئون اجتماعی و اخلاقی تحولات زیربنایی ایجاد کرد که یکی از زیباترین آنها «تکریم طبیعت زیبا و آرامش‌بخش» می‌باشد.

(۶)

کتابی که ما و شما هم‌اکنون در محضر آن هستیم اطلاعات جدید و جالبی را با توجه به دانسته‌های علمی، گیاه‌شناسی، شیمی و خواص دارویی در مورد همه گیاهان و فرآورده‌های گیاهی که نام آنها در قرآن مجید ذکر شده ارائه خواهد داد. به امید روزی که «شکر نعمت‌ها» و مواهب الهی را که «استفاده صحیح» از آنهاست بهتر بجای آوریم.

دکتر محمد بیستونی

رئیس هیئت مدیره مؤسسه قرآنی تفسیر جوان

بهار ۸۳ - تهران

(۷)

گیاهان در قرآن کریم

به طور کلی در آیات بسیاری از قرآن کریم به گیاه و رستن، گوناگونی، تزیین زمین، نشانه بودن گیاهان، فصلی بودن آنها و مواردی از این قبیل اشاره شده است. چنانکه خداوند متعال می‌فرماید: «أَمَّنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَأَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْبَتْنَا بِهِ حَدَائِقَ ذَاتَ بَهْجَةٍ مَا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُنْبِتُوا شَجَرَهَا أَلَيْسَ مَعَ اللَّهِ بَيْلٌ هُمْ قَوْمٌ يَعِدُونَ». (نه بلکه "سؤال این است" چه کسی آسمان‌ها و زمین را آفریده و برایتان از آسمان آبی فرو فرستاده است، آنگاه بدان باغ‌های باطراوت "و تازگی" رویانید. شما را نمی‌رسید که درختانش را برویانید. آیا معبودی غیر از خداوند هست؟ حق این است که آنان گروهی کجرو هستند).

(۶۰ / نمل). (نیز ۲۴ / یونس؛ ۳ و ۳۵ / رعد؛ ۱۹ / حجر؛ ۵۳ / طه؛ ۵ / حج؛

(۸)

۷ / شعراء؛ ۶۰ / نمل؛ ۷، ۸، ۱۰ / ق).

نکته قابل توجه در رابطه با گیاهان در قرآن کریم ذکر همواره قرین آن با آب، به عنوان مایه زندگی و مایه رستن گیاهان است. مهمترین گیاهانی که در قرآن کریم به آنها اشاره یا تصریح شده است عبارتند از:

عَنْبٍ . در قرآن کریم یازده بار از عنب به مفرد و یا اعناب به جمع یاد شده است . در فارسی به عنب ، انگور گویند ، البته به انگور تر و تازه . در زبان عرب «عناب» گویند و چون خشک گردد ، زیب نامیده می‌شود . مفرد این لفظ به صورت «عَنْبَةٍ» و جمع آن اعناب است . چنانکه خداوند متعال می‌فرماید : «أَوْ تَكُونُ لَكَ جَنَّةٌ مِنْ نَخِيلٍ وَعَنْبٍ فَتَقْجِرَ الْأَنْهَارُ خِلَالَهَا تُفْجِرُهَا» (یا آنکه باغی از خرما و انگور داشته باشی ، آنگاه در میان آن جویباران را به خوبی روان کنی) . (۹۱ / اسراء) .

(۹)

عَنْبٍ (انگور) چنانکه در قرآن کریم آمده است ، یکی از میوه‌های بهشتی می‌باشد و خداوند متعال می‌فرماید: «إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازًا حَدَائِقَ وَأَعْنَابًا» (بی‌گمان پرهیزکاران کامیابی دارند. باغ‌ها و درختان انگور) (۳۱ و ۳۲ / نبأ) . قرآن کریم : ۹۱ / اسراء ؛ ۲۸ / عبس ؛ ۲۶۶ / بقره ؛ ۱۹ / مؤمنون ؛ ۳۴ / یس ؛ ۹۹ / انعام ؛ ۴ / رعد ؛ ۳۲ / کهف ؛ ۱۱ و ۶۷ / نحل .

بَصَلٍ . تنها یک بار در قرآن کریم آمده است . در فارسی به آن پیاز گویند . چنانکه خداوند متعال می‌فرماید : «وَأَذُقْتُمْ يَا مُوسَى لَنْ نَصْبِرَ عَلَى طَعَامٍ وَاحِدٍ فَادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُخْرِجْ لَنَا مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ مِنْ بَقْلِهَا وَقَتَائِهَا وَفُومِهَا وَعَدَسِيَّهَا وَبَصِيلِهَا...» (و هنگامی که گفتید: ای موسی، هرگز بر یک خوراک صبر (بسند) نکنیم، پس برایمان از پروردگارت بخواه تا از آنچه زمین می‌رویانند، از سبزی و خیار

(۱۰)

و سیر و عدس و پیازش برایمان برآورد ...» (۶۱ / بقره) .

بَقْلٍ . در لغت به معنای مطلق سبزی است و به باغی که در آن سبزی بسیار رسته باشد ، در زبان عرب «مُبَقَّلَةٌ» گویند ، گاهی لفظ «بَقْلٍ» ، به معنای مطلق رستن هم می‌آید . این واژه نیز تنها یک بار در قرآن کریم به کار رفته است .

حَبِّبٍ . به معنای دانه چندین با در قرآن کریم به کار رفته است ، چنانکه می‌فرماید : «إِنَّ اللَّهَ فَالِقُ الْحَبِّ وَالنَّوَى يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَمُخْرِجُ الْمَيِّتِ مِنَ الْحَيِّ ذَلِكَمُ اللَّهُ فَانِي تُوَفَّكُونَ» . (خداوند شکافنده دانه و هسته است. زنده را از مرده بیرون می‌آورد و بیرون‌آورنده مرده از زنده است . این است خداوند ، پس "از حق" به کجا برگردانده می‌شوید؟) . (۹۵ / انعام) . قرآن کریم : ۲۶۱ / بقره ؛ ۵۹ و ۹۹ / انعام ؛ ۴۷ / انبیاء ؛ ۱۶ / لقمان ؛ ۳۳ / یس ؛ ۹ / ق ؛ ۱۲ / الرحمن ؛ ۱۵ / نبأ .

(۱۱)

حَضِرٍ . در لغت به معنای سبزه و سبزینه است و به این معنی تنها یک بار در قرآن کریم به کار رفته است . چنانکه می‌فرماید : «وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ نَبَاتَ كُلِّ شَيْءٍ فَأَخْرَجْنَا مِنْهُ حَضِرًا...» . (و اوست کسی که از آسمان فرو فرستاد . آنگاه بدان [از] هر گونه رویدنی ، [از زمین] بیرون آوردیم . سپس از آن سبزه برآوردیم...) (۹۹ / انعام) .

رُيَّانٍ . در فارسی به آن انار گویند و این میوه سه بار در قرآن کریم به کار رفته و در قرآن کریم از میوه‌های بهشتی شمرده شده است . چنانکه می‌فرماید : «وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَ جَنَّاتٍ مَعْرُوشَاتٍ وَغَيْرَ مَعْرُوشَاتٍ وَالنَّخْلَ وَالزَّرْعَ مُخْتَلِفًا أَكُلُهُ وَالزَّيْتُونَ وَالرُّمَانَ مُتَشَابِهًا وَغَيْرَ مُتَشَابِهٍ...» . (و اوست کسی که [حاصل] باغ‌هایی استوار بر پایه و غیراستوار بر پایه و درختان خرما و زراعت را که میوه‌های

(۱۲)

هریک گوناگونند و زیتون و انار را، همگون و ناهمگون پدید آورد...) (۱۴۱ / انعام) . قرآن کریم : ۹۹ / انعام ؛ ۶۸ / الرحمن .

رِيحَانٍ . به گیاه دارای رایحه (بوی خوش) در لغت ریحان گویند ، بیشتر در معنای گیاهی به کار می‌رود که در فارسی به آن «شاهسپرم» یا «سپرغم» گویند و علفی از تیره نعناعیان است که معطر است . برخی از مفسران مراد از ریحان را مطلق رزق دانسته‌اند . در زبان عرب به دانه‌های خوردنی نیز ریحان گویند . واژه ریحان دو بار در قرآن کریم آمده است . چنانکه می‌فرماید : «وَالْأَرْضُ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ . فِيهَا فَاكِهَةٌ وَالنَّخْلُ ذَاتُ الْأَكْمَامِ . وَالْحَبُّ ذُو الْعَصْفِ وَالرَّيْحَانُ» . (و زمین را برای جهانیان گسترده . در آن میوه وجود دارد . و خرما بُنَانِ پوشش دار . [و در آن] دانه برگ‌دار و ریحان است) . (۱۰ - ۱۲ / الرحمن) . نیز قرآن کریم ؛ ۸۹ / واقعه .

(۱۳)

زیتون . از جمله نباتاتی است که پنج بار در قرآن کریم از آن یاد شده است . زیتون بر درختی اطلاق می‌شود که حاصل میوه‌اش «زیت» یا روغن زیتون است که کاربرد درمانی دارد و بیشتر در مناطق گرمسیر یافت می‌شود . میوه آن را نیز زیتون گویند . زیتون از جمله کلماتی است که جمع و افراد تابع قواعد مربوط به واژگانی از قبیل بقر و بقره ، شجر و شجره می‌باشد ، در نتیجه واحد زیتون زیتونه است . و زیت به عصاره آن گفته می‌شود . هم «زیت» و هم «زیتون» در قرآن کریم آمده است . چنانکه می‌فرماید : «یکاد زیتها یضیء» . (۳۵ / نور) .

همچنین می‌فرماید : «يُنْبِتُ لَكُمْ بِهِ الزَّرْعَ وَالزَّيْتُونَ وَالنَّخِيلَ وَالْأَعْنَابَ وَمِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» . (با آن برایتان کشت و زیتون و [درختان] خرما و انگور و از همه نوع میوه‌ها می‌رویاند . به راستی در این [امر] برای گروهی که اندیشه می‌کنند مایه عبرت است) . (۱۱ / نحل) .

(۱۴)

زیتون از جمله میوه‌هایی است که خداوند متعال به آن سوگند یاد کرده است . (۱ / تین) . قرآن کریم : ۹۹ و ۱۴۱ / انعام ؛ ۲۹ / عبس ؛ ۳۵ / نور .

عدس . عدس نیز تنها یک بار در قرآن کریم یاد شده است . ۶۱ / بقره .
قثاء . ۶۱ / بقره .

قَضْب . از قضب یک بار در قرآن کریم یاد شده است . در لغت به معنای گیاهان تازه رسته و سبز است . و به زمین‌هایی که چنین گیاهانی را می‌رویاند «مقاصب» گویند . چنانکه قضیب برای بیان رشته درختان و قَضْب برای بیان سبزیجات به کار برده می‌شود . در قرآن کریم آمده است : «فَأَنْبَتْنَاهَا حَبًّا وَعَبْأً وَقَضْبًا» . (آنگاه در آن دانه رویاندیم . و انگور و سبزیجات) . (۲۷ - ۲۸ / عبس) .

نَخْل . نخل در لغت به درخت خرما (خرمابن) اطلاق می‌گردد و همین لفظ در جمع و مفرد به کار برده می‌شود . و نخیل نیز جمع آن است . نخل و نخیل بیست بار در قرآن

(۱۵)

کریم به کار برده شده است . چنانکه می‌فرماید : «تَنْزِعُ النَّاسَ كَأَنَّهُمْ أَعْجَازُ نَخْلٍ مُنْقَعِرٍ» . (که مردم را [از جای] برمی‌کند ، گویی که آنان تنه‌های خرمابن از بیخ برکنده‌اند) . (۲۰ / قمر) .

نخل و رمان از میوه‌های بهشتی هستند ، چنانکه می‌فرماید : «فِيهِمَا فَاكِهَةٌ وَنَخْلٌ وَرُمَّانٌ» (و در آن دو [باغ] میوه و درختان خرما و انار هست) . (۶۸ / الرحمن) . نیز قرآن کریم : ۹۹ و ۱۴۱ / انعام ؛ ۲۶۶ / بقره ؛ ۱۱ و ۶۷ / نحل ؛ ۳۲ / کهف ؛ ۷۱ / طه ؛ ۱۴۸ / شعراء ؛ ۹۱ / اسراء ؛ ۱۰ / ق ؛ ۱۱ / الرحمن ؛ ۲۰ / قمر ؛ ۶۸ / الرحمن ؛ ۷ / حاقه ؛ ۲۹ / عبس ؛ ۲۳ و ۲۵ / مريم ؛ ۱۹ / مؤمنون ؛ ۳۴ / یس . (۱)

۱- دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی ، به کوشش بهاء‌الدین خرمشاهی .

(۱۶)

جایگاه درخت در قرآن

«درخت» ، آیت بی‌بدیل خداشناسی و نشانه بی‌ظنیر قدرت پروردگار است . سوره‌ای است سرشار از آیات توحید و یکتاپرستی که در کتاب طبیعت به صورت‌های مختلف و اشکال متفاوت دیده می‌شود . همان‌گونه که هریک از سوره‌های قرآن کریم ، فارغ از

کوتاهی و بلندی و تعداد آیات، نشانه‌ای بر علم و حکمت بی‌انتهای خداوند هستند، هریک از درختان نیز - جدای از عوارضی نظیر طول قامت، نوع محصولات و شکل و شمایل ظاهری - به تنهایی آیتی بر قدرت و توانایی و علم آن ذات مقدس و لایتناهی می‌باشند.

واژه شجر و معانی آن

در قرآن کریم، در اغلب موارد، از درخت با واژه «شجر» یاد شده است و شجر را (۱۷)

علمای لغت‌شناسی این گونه معنا کرده‌اند: «هرچه از روئیدنی‌ها که تنه دارد» (۱) و آنچه را از زمین می‌روید ولی تنه ندارد، «نجم، عشب و حشیش» (۲) می‌نامند. باید دانست که در قرآن، لفظ «شجر» به معنای «مشجره و تنازع» نیز به کار رفته است، همچنان که در آیه ۶۵ سوره مبارکه نساء می‌خوانیم: «فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ...» ولی چنین نیست، به پروردگارت سوگند که ایمان نیاورده‌اند مگر آن که تو را در آنچه میانشان اختلاف است داور کنند، که البته در این مورد هم از نظر ریشه لغوی با شجر به معنای درخت قریب‌المعنی بوده و مناسبت دارد؛ چرا که «منازعه را از آن جهت تشاجر (مشجره)

۱- سید علی اکبر قرشی، قاموس قرآن، جلد ۴، صفحه ۷.

۲- سید علی اکبر قرشی، قاموس قرآن، جلد ۴، صفحه ۷.

(۱۸)

گویند که سخن دو خصم یا خصوم مثل برگه و شاخه درخت، درهم می‌آمیزد». (۱) افزون بر این که کلمه «شجر» - یا اشکال گوناگون آن - مجموعاً ۲۷ مرتبه در آیات قرآن بکار رفته، کلمات و عبارات دیگری نیز درباره درخت مورد استفاده قرار گرفته‌اند که هریک بیان‌کننده یکی از صفات و ویژگی‌های آن می‌باشند و ما در این نوشتار جسته و گریخته بدانها اشاراتی خواهیم کرد.

موارد استفاده از درخت در قرآن

موارد استفاده از درخت در قرآن

با دقت در آن دسته از آیاتی که از «درخت» یاد کرده است، درمی‌یابیم که از آن تحت یکی از عناوین نه‌گانه زیر سخن به میان آمده:

۱- سید علی اکبر قرشی، قاموس قرآن، جلد ۴، صفحه ۷.

(۱۹)

۱- درخت و تسبیح خداوند، ۲- درخت و سجده در برابر خداوند، ۳- درخت نشانه‌ای بر قدرت خداوند، ۴- استفاده از درخت برای تمثیل، ۵- نقش درخت در زندگی انبیاء، ۶- درختان بهشتی، ۷- درختان دوزخی، ۸- درختان دنیوی و ۹- نقش درخت در زندگی انسان‌ها و حیوانات.

توضیح درباره هریک از موارد نام برده، به قرار زیر است:

۱- درخت و تسبیح خداوند

براساس آموزه‌های قرآن کریم، هرچه در عالم آفرینش، لباس هستی پوشیده و از «عدم» به «وجود» آمده - اعم از جمادات،

نباتات و حیوانات - جملگی با زبان حال و زبان قال به تسبیح و ستایش ذات اقدس الهی مشغولند .

(۲۰)

هرکس به زبانی صفت حمد تو گوید بلبل به غزلخوانی و قمری به ترانه .

ولی ما آدمیان به دلیل محصور بودن در حصار مادیات و سرگرم شدن به تأمین حوائج مادی خویش - که متأسفانه گاه با گناه و نافرمانی خداوند نیز همراه می‌شود - از درک این ذکر پیوسته مخلوقات خداوند ناتوانیم ، همچنان که خود فرموده : « وَ أَنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَ لَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ : و هیچ چیز نیست مگر اینکه با تسبیح به ستایش او مشغول است و لکن شما تسبیح آنها را درک نمی‌کنید. » (۱)

با عنایت به این آیه و ده‌ها آیه نظیر آن ، که همگی از تسبیح علی‌الدوام اجزای

۱- ۴۴ / اسراء

(۲۱)

هستی حکایت می‌کنند ، درمی‌یابیم که «درخت» نیز به عنوان جزئی از عالم هستی ، هماهنگ با سایر مخلوقات خداوند ، صبح و شام به تسبیح ، تحمید و تهلیل آفریننده توانای خویش مشغول است .

نکته‌ای که اشاره به آن را در این جا ضروری می‌دانیم این که ، در میان مفسران اسلامی درباره چگونگی تسبیح موجودات و از جمله «درخت» از دیرباز مباحث فراوانی مطرح بوده است . عده‌ای به تسبیح با زبان حال و برخی به تسبیح با زبان قال، اعتقاد دارند و در این میان مرحوم علامه طباطبایی (ره) معتقدند: «... حَقُّ اِيْنِ اسْتِ كِه تَسْبِيْحِ تَمَامِي مَوْجُوْدَاتِ، تَسْبِيْحِ حَقِيْقِي وَ قَالِي اسْت. چيزی كه هست، قالی بودن [تسبیح

(۲۲)

[لازم نیست حتماً بالفاظ شنیدنی و قراردادی باشد. (۱)]

۲- درخت و سجده در برابر خداوند

در آیه ۱۸ از سوره مبارکه حج می‌خوانیم :

« أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَسْجُدُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ وَالْجِبَالُ وَالشَّجَرُ وَالْدَّوَابُّ وَكَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ وَ...

... : آیا نمی‌بینی که سجده می‌کنند برای خداوند هرکس در آسمان‌ها و زمین است و خورشید

۱- علامه محمدحسین طباطبایی ، المیزان ، جلد ۱۳ ذیل آیه ۴۴ / اسراء .

(۲۳)

و ماه و ستارگان و کوه‌ها و درختان و جنبندگان و عده بی‌شماری از مردم و ... » .

در این آیه شریفه و همچنین آیه ۶ از سوره مبارکه «الرحمن» ، سخن از سجده موجودات در برابر ذات اقدس پروردگار به میان آمده و در کنار آنها از «درخت» نیز به عنوان یکی از این ساجدان یادشده است و «سجده در لغت به معنای تذل ، خضوع و اظهار فروتنی است» (۱).

۳- درخت نشانه قدرت خداوند

برگ درختان سبز در نظر هوشیار هر ورقش دفتری است معرفت کردگار

۱- سیدعلی اکبر قرشی ، قاموس قرآن ، جلد ۳ ، صفحه ۲۲۵.

(۲۴)

نکته‌ای اساسی که در کار خلقت و آفرینش درختان، همواره مورد غفلت قرار می‌گیرد و تنها عده‌ای اندک که دانایان حقیقی و به قول قرآن کریم «اولوالالباب» بدان وقوف پیدا می‌کنند، همانا «آفرینش حیات در دل بذر و نهالی است که به مرور ایام از آن درختی تنومند می‌سازد». همه ما هرگاه به درخت می‌نگریم، پیش از هر چیز حول جمال ظاهری و برگ و میوه و شکوفه آن می‌شویم و کمتر کسی از این حجاب ظاهری عبور کرده و به عمق و معنا و حقیقت مطلب پی می‌برد. شگفت‌انگیزتر از «برگ درختان سبز»، «در نظر هوشیار» همانا آن نیرویی است که باعث سبزی و حیات آن می‌شود و به همین دلیل در آیه ۶۰ از سوره مبارکه نمل، پس از اشاره به آفرینش آسمان‌ها و زمین و نزول باران از آسمان به رویش بستان‌ها اشاره شده، سپس به این نکته مهم پرداخته می‌شود که ای انسان‌ها به کیفیت ایجاد حیات در درختان بنگرید که اگر آن نیروی حیات دهنده و آن دم عیسوی زندگی بخش، از

(۲۵)

جانب خداوند نبود، هرگز قادر نبودید که آنها را رویانیده و از محصول‌شان برخوردار شوید.

أَمَّنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَأَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْبَتْنَا بِهِ حَدَائِقَ ذَاتَ بَهْجَةٍ مَا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُنْبِتُوا شَجَرَهَا أَلَيْسَ بِاللَّهِ بَلْ هُمْ قَوْمٌ يَعْدِلُونَ.

آری، در امر رویش درختان و رشد و نمو آنها کار ما آدمیان «تنها بذرافشانی و آبیاری است، اما کسی که حیات را در دل این بذر آفریده و به نور آفتاب و قطرات حیات بخش باران و ذرات خاک فرمان می‌دهد تا این دانه را برویانید، تنها خداست» (۱). و بدین ترتیب این نتیجه حاصل می‌شود که تنها برگ و ساقه، شاخه و

۱- ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، جلد ۱۵، صفحه ۵۱۴.

(۲۶)

ریشه، میوه و شکوفه و قد و قامت و شکل و شمایل درخت نیست که به انسان درس توحید و خداشناسی می‌دهد، بلکه انسان اندیشمند در ورای این ظواهر، قدرتی عظیم‌تر و نیرویی فوق‌العاده‌تر را مشاهده می‌کند؛ همان نیروی حیاتی که از سوی خداوند در بذر و نهال درخت دمیده شده و قرار می‌گیرد و آن را تبدیل به مخلوقی زیبا و شگفت‌انگیز می‌نماید.

۴- استفاده از درخت برای تمثیل در قرآن

خداوند عزیز در آیات متعددی از قرآن کریم، برای تفهیم بعضی از حقایق معنوی و ماورای طبیعی به مخاطبان خود، از تمثیل بهره جسته و برای این امر از گروهی از آفریده‌های قدرت خویش استفاده کرده که از جمله آنها می‌توان به «درخت» اشاره

(۲۷)

نمود. به عنوان مثال در آیه ۲۴ سوره مبارکه ابراهیم آمده است: «أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ...».

در این آیه شریفه، خداوند عزیز کلمه طیبه را به درختی تنومند و پربرگ و بار تشبیه فرموده که دارای ریشه‌ای محکم و استوار می‌باشد و شاخه‌های انبوه و فراوانش پهنه آسمان را فرا گرفته که چون فصل باردهی آن فرامی‌رسد، میوه‌های بسیارش توجه هر بیننده‌ای را به خود جلب کرده و به شگفتی می‌آورد.

در این که مقصود از کلمه طیبه چیست؟ در میان مفسران اختلاف نظرهای فراوانی وجود دارد. ولی علامه طباطبایی معتقد است:

«مراد از کلمه طیبه، عبارت

(۲۸)

است از عقاید حقی که ریشه‌اش در اعماق قلب و نهاد بشر جای دارد...» (۱).
 طبق آیه ۲۶ سوره ابراهیم: «وَمَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ اجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ»، سخن از «کلمه خبیثه» در میان است و شباهت آن با «شجره خبیثه». در این آیه نیز اختلاف نظر بین مفسران بسیار است. بنا به ارجاع قبلی، مرحوم علامه طباطبایی می‌گویند: «کلمه خبیثه در مقابل کلمه طیبه است... و مقصود از کلمه خبیثه، شرک به خداست، که به درختی خبیث تشبیه شده، از جای کنده شده باشد و در نتیجه، اصل ثابت و قرار و آرام و معینی نداشته و چون خبیث
 ۱- المیزان، جلد ۱۲، صفحه ۷۲.

(۲۹)

است، جز شرّ و ضرر اثر دیگری ببار نیآورد.» (۱)
 آیه ۶۰ سوره اسراء نیز چنین آورده است: «وَإِذْ قُلْنَا لَكَ إِنَّ رَبَّكَ أَحَاطَ بِالنَّاسِ وَمَا جَعَلْنَا الرُّؤْيَا الَّتِي آرَيْنَاكَ إِلَّا فِتْنَةً لِلنَّاسِ وَالشَّجَرَةَ الْمَلْعُونَةَ فِي الْقُرْآنِ وَنُحُوقُهُمْ فَمَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا طُغْيَانًا كَبِيرًا. خداوند، گروهی از آدمیان را به واسطه اعمال ناپسند و نیز خلق و خوی شیطانی به درختی تشبیه فرموده که مورد لعنت و نفرین خداوند قرار دارند. گویی آنها تماما از یک ریشه و اصل بوده و همگی شاخ و برگ‌های آن درخت می‌باشند». علامه طباطبایی پس از بررسی اوضاع و احوال صدر اسلام و گروه‌های سه‌گانه یهود، مشرکین و منافقین، با بیان صفات و ویژگی‌های هر یک از آنها، نتیجه‌گیری می‌کنند که مراد از «شجره ملعونه» در آیه مورد بحث، همانا منافقین هستند که: «...در ظاهر مسلمان بودند و تظاهر به اسلام می‌کردند و در میان مسلمانان، یا از راه
 ۱- المیزان، جلد ۱۲، صفحه ۷۴.

(۳۰)

فامیلی و یا از راه پیروزی عقیده و مسلک، بقا و دوام یافته و در اعصار بعدی هم فتنه مسلمانان شدند.» (۱)

۵- نقش درخت در زندگی انبیای الهی علیهم صلوات الله

قرآن کریم در کنار بیان و تشریح احکام و قوانین عبادی و اخلاقی، داستان‌های فراوانی را از زندگی و سرگذشت «انبیاء سلف» نقل می‌فرماید: که در خلال این داستان‌های می‌توان نقشی را که برخی از موجودات و مخلوقات الهی - غیر از انسان - و از جمله «درخت» در زندگی آنها ایفا نموده‌اند، مشاهده کرد.
 ۱- المیزان، جلد ۱۳، صفحه ۱۹۱.

(۳۱)

قرآن کریم، در تشریح حوادث زندگی پنج نفر از پیامبران الهی به نقش درخت اشاره کرده است:
 الف - آدم علیه‌السلام: درخت در ماجرای زندگی و خروج حضرت آدم علیه‌السلام از بهشت، نقش بسزایی داشته و در قرآن کریم به کرات مورد تذکر قرار گرفته است. از جمله در آیه ۳۵ سوره بقره، آیات ۱۹ تا ۲۲ سوره اعراف و آیه ۱۲۰ سوره طه.
 در این آیات می‌خوانیم که خداوند عزیز پس از آفرینش آدم علیه‌السلام و حوا علیه‌السلام، آن دو را از نزدیک شدن به «شجره ممنوعه» نهی فرمود، ولی آنها در اثر وسوسه شیطان نه تنها این امر الهی را نادیده گرفتند بلکه از میوه آن درخت نیز خوردند که به همین خاطر مستوجب مجازات الهی - که همانا اخراج از بهشت بود - گردیدند و در نتیجه به زمین، هبوط کردند.

(۳۲)

ب - یونس علیه‌السلام: «یونس فرزند متا، یکی از انبیای الهی است که خداوند او را برای هدایت و ارشاد مردم سرزمین نینوا برانگیخت و نام او چهار بار در قرآن کریم مذکور است». (۱) بنا به نقل قرآن کریم و روایات اسلامی، هنگامی که مردم نینوا از پذیرش دعوت او خودداری کردند، آنها را ترک کرد و در ساحل دریا بر کشتی نشست. در دریا، کشتی دچار طوفان شد، یونس را به دریا افکندند تا از خشم خدای دریا در امان مانند حیوانی عظیم‌الجثه به فرمان خداوند او را بلعید و پس از چند روز که در شکم آن حیوان دریایی بود، مجدداً به امر خداوند به ساحل افکنده شد. ولی چون در مدت اقامت در شکم حیوان دریایی، نحیف و رنجور شده بود، خداوند

۱- دکتر محمد خزائی، اعلام قرآن، صفحه ۲۸۷.

(۳۳)

«درختی» از کدو را بر سر راه او رویانید تا در سایه آن آرامش یابد، از میوه‌اش بخورد و نیروی خود را باز یابد:

«فَبَدَأْنَا بِآلْعُرَاءِ وَهُوَ سَقِيمٌ وَأَثْبْنَا عَلَيْهِ شَجْرَةً مِنْ يَقْطِينٍ» (۱۴۵ و ۱۴۶ / صافات).

ج - حضرت موسی علیه‌السلام: درباره نقش درخت در زندگی حضرت موسی علیه‌السلام نیز در قرآن کریم آیات چندی موجود است. مهم‌ترین فرازهای آن مربوط به زمانی است که موسی علیه‌السلام در پی یافتن پناهگاهی برای خود و خانواده‌اش، به کوه طور می‌رفت. در آنجا خداوند از وراء درختی با او مکالمه فرموده، او را به رسالت مبعوث می‌فرماید. از جمله در آیه ۳۰ سوره قصص آمده است:

«فَلَمَّا أَتَاهَا نُودِيَ مِنْ شَاطِئِ الْوَادِ الْأَيْمَنِ فِي الْبُقْعَةِ

(۳۴)

الْمُبَارَكَةِ مِنَ الشَّجَرَةِ أَنْ يَا مُوسَى إِنِّي أَنَا اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ».

غیر از این بخش، رد پای درخت را در فراز دیگری نیز می‌توان مشاهده کرد. ساحران فرعون، با مشاهده اعجاز موسی علیه‌السلام - در تبدیل کردن عصا به مار و اژدها - به حقانیت دعوت او پی برده و همگی به او ایمان می‌آورند. فرعون که هرگز انتظار این واقعه هولناک را نداشت خشمگینانه آنان را مورد تهدید قرار می‌دهد که شما را از شاخه‌های نخل - در حالی دست و پایتان را بریده‌ایم - آویزان خواهم کرد:

«فَلَا قَطْعَ عَنْ أَيْدِيكُمْ وَأَنتُمْ مُنْخَلِفُونَ وَلَا صَلْبَ لَكُمْ فِي جُذُوعِ النَّخْلِ وَ...» (۷۱ / طه).

د - حضرت عیسی علیه‌السلام: زمانی که مریم علیها‌السلام به هنگام ولادت حضرت عیسی علیه‌السلام، از قوم خود کناره می‌گیرد، در صحرا در کنار درخت خرمایی فرود

(۳۵)

می‌آید و خداوند به او ندا می‌دهد که: «وَهَزَى إِلَيْكَ بِجُذَعِ النَّخْلَةِ تَسَاقُطُ عَلَيْكَ رُطْبًا حَبِيًّا. فَكُلِي وَاشْرَبِي وَرَقِي عَيْنًا فَمَا تَرِينَ مِنَ الْبَشَرِ أَحَدًا فَقُولِي إِنِّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمَنِ صَوْمًا فَلَنْ أُكَلِّمَ الْيَوْمَ إِنْسِيًّا.» (۲۵ و ۲۶ / مریم).

ه - پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله: از مجموع زندگی پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله آنجا که درخت در آن نقش داشته و در قرآن کریم بدان اشاره شده، تنها ماجرای بیعت رضوان است که در سال هفتم هجری اتفاق افتاد و مسلمانان در مسیر حرکت به سوی مکه، برای انجام مراسم حج در مکانی به نام «حدیبیه» با آن حضرت مجدداً بیعت نمودند و بر ایمان به خدا و پیامبرش و نیز یاری و امداد آن حضرت صلی‌الله‌علیه‌وآله و دین مبین اسلام تأکید کردند که آیه ۱۸ از سوره مبارکه فتح پیرامون این ماجرا نازل شد:

لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي

(۳۶)

قُلُوبِهِمْ فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ وَأَنَابَهُمْ فَتَحَّا قُرْبًا

۶- درختان بهشتی

از نگرش اسلامی، حیات آدمی منحصر در جهان مادی نیست، بلکه این عالم به منزله منزلگاه موقتی است که اقامت انسان در آن پایان می‌یابد و در قرارگاه ابدی خود، آنان که در حیات دنیوی خویش اهل صلاح و سداد بوده‌اند، در جایگاهی فرود می‌آیند که از آن به «جنت» یا «بهشت» تعبیر می‌شود، که باغی است بسیار جمیل با منظره‌های چشم‌نواز. همان‌گونه که یکی از ویژگی‌های باغ در این عالم وجود درخت در آن است، بهشت نیز که خود باغی سراسر حسن و جمال است. در آیاتی از قرآن کریم به ویژگی‌هایی از آنها اشاره شده که ذیلاً آنها را برمی‌شمریم:

(۳۷)

الف - سوره دهر، آیه ۱۴؛ «وَدَائِيَّةٌ عَلَيْهِمْ ظِلَالُهَا وَذُلَّتْ قُطُوفُهَا تَذْلِيلًا» درختان بهشتی دارای سایه‌های فراوان هستند - که در نتیجه انبوهی درختان است - و شاخه‌هاشان نیز آن‌چنان پایین و در دسترس می‌باشند که میوه‌های آنها به سهولت قابل چیدن و استفاده است.

ب - سوره الرحمن، آیات ۴۶ تا ۴۸: «وَلِمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتٍ. فِيهَا الْأَعْيُنُ تُكْدِبَانِ. ذَوَاتَا أَفْنَانٍ. وَبِرَّاءِ كَسَى كَسَى مَقَامِ» پروردگارش بترسد دو باغ بهشت است پس کدامین نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟ آن دو باغ بهشتی دارای انواع نعمت‌ها و درختان پطرأوت است». از این آیه شریفه - با توجه به معنای «افنان» که به معنی شاخه‌های تازه و پربزرگ می‌باشد - درمی‌یابیم که از دیگر ویژگی‌های درختان بهشتی، طراوت و تازگی همیشگی آنها می‌باشد.

(۳۸)

ج - در برخی از آیات قرآن کریم به نوع درختان بهشتی و این که چه میوه و محصولی دارند نیز اشاره شده است. مثلاً در آیه ۶۸ سوره الرحمن به درختان انار و خرما، در آیه ۲۳ سوره مبارکه نبا به درختان انگور، در آیه ۲۸ سوره واقعه به درخت سدر و در آیه ۲۹ واقعه به درخت موز بهشتی اشاره شده است. معروف‌ترین درخت بهشتی همانا «درخت طوبی» است و در قرآن کریم تنها یک بار و آن هم در آیه ۲۶ سوره مبارکه رعد، لفظ «طوبی» به کار برده شده که البته مراد این آیه نیز درخت طوبی نمی‌باشد، ولی در روایات اسلامی آمده: «طوبی درختی است در بهشت، تنه آن در منزل رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله بوده و در منزل هر مؤمن شاخه‌ای از آن هست». (۱)

۱- قاموس قرآن، جلد ۴، صفحه ۲۶۱.

(۳۹)

۷- درختان دوزخی

جهنم و دوزخی سرای ابدی کسانی است که عمری را در غفلت و گناه و طغیان سپری کرده‌اند و در آنجا علاوه بر هرچیز دیگر، حتی درختان نیز وسیله شکنجه و آزار دوزخیانند، در حالی که علی‌القاعده درخت باید وسیله‌ای برای امن و آسایش باشد.

در قرآن کریم - به هنگام بحث از اوصاف و ویژگی‌های جهنم - از وجود درختی به نام «زقوم» نام برده شده است. در آیات ۶۲ تا ۶۷ سوره صافات می‌خوانیم: «أَذَلَّكَ خَيْرٌ نَزَلْنَا أَمْ شَجَرَةُ الزُّقُومِ. إِنَّا جَعَلْنَاهَا فِتْنَةً لِلظَّالِمِينَ. إِنَّهَا شَجَرَةٌ تَخْرُجُ فِي أَصْلِ الْجَحِيمِ. طَلْعُهَا كَأَنَّهُ رِئُوسُ الشَّيَاطِينِ...».

در آیات ۴۳ تا ۴۶ سوره مبارکه الدخان نیز این درخت این گونه توصیف گردیده: «إِنَّ شَجَرَةَ الزَّقُّومِ طَعَامٌ الْأَثِيمِ . كَالْمُهْلِ يَغْلِي فِي الْبُطُونِ كَغَلِي الْحَمِيمِ» .
(۴۰)

از این آیات برمی‌آید که درخت زقوم، درختی است که خداوند آن را با دست قدرت خویش از بن دوزخ می‌رویاند و دارای میوه‌ای است که خوراک گناهکاران در جهنم می‌باشد.

حضرت امام باقر علیه‌السلام در توصیف آن می‌فرماید: «زقوم درختی است که از قعر جهنم بیرون می‌آید و ثمره او مانند «رؤس شیاطین» می‌باشد. از زشتی صورت و کراهت عفونت و چرک، آن را به سر شیطان تشبیه کرده‌اند و شاخه‌های آن درخت اشراب شده و پرورش یافته از آتش جهنم است، میوه آن آتش و برگ‌هایش نیز از آتش خلق شده است. به هنگام تناول، آن را تلخ‌تر از صبر و بدبوتر از میتر متعضنه و سخت‌تر از آهن می‌یابند، آنگاه آنچه را که در دنیا اکل نموده‌اند از طعام‌های
(۴۱)

لذیذ متذکر می‌شوند». (۱)

۸- درختان دنیوی

در قرآن کریم، آیات بسیاری وجود دارد که در آنها به درختانی که در طبیعت و محل زیست این جهانی آدمیان وجود دارند، اشاره شده و به نوع این درختان نیز تصریح گردیده که عبارتند از:

الف - درختان خرما: در قرآن کریم در ۲۰ آیه به نام این درخت تصریح شده و این تعداد در مورد هیچکدام از درختان دیگر سابقه ندارد و خود بیانگر اهمیت این

۱- محمد مقیمی، قرآن بر فراز آسمان‌ها، صفحه ۲۳۳.

(۴۲)

درخت در حیات آدمی و علی‌الخصوص عرب دوره نزول قرآن می‌باشد و اما آیتاتی که در آنها از این درخت یاد شده عبارتند از: آیه ۲۶۶ سوره بقره، آیات ۹۹ و ۱۴۱ سوره انعام، آیات ۱۱ و ۶۷ سوره نحل، آیات ۲۳ و ۲۵ سوره مریم، آیه ۹۱ سوره اسراء، آیه ۳۲ سوره کهف، آیه ۷۱ سوره طه، آیه ۴ سوره رعد، آیه ۱۹ سوره مؤمنون، آیه ۱۴۸ سوره شعراء، آیه ۳۴ سوره یاسین، آیه ۱۰ سوره ق، آیه ۲۰ سوره قمر، آیات ۱۱ و ۶۸ سوره الرحمن، آیه ۷ سوره الحاقه و آیه ۲۹ سوره عبس.

ب - درخت انگور: پس از درخت خرما، درختی که از آن در قرآن کریم بیشتر یاد شده، درخت انگور است، به طوری که مرتبه نام این درخت با کلمات «عنب» و «اعناب» آمده است. از جمله در: آیه ۲۶۶ سوره بقره، آیه ۹۹ سوره انعام، آیه ۴ سوره رعد، آیات ۱۱ و ۶۷ سوره نحل، آیه ۹۱ سوره اسراء، آیه ۳۲ سوره کهف،

(۴۳)

آیه ۱۹ سوره مؤمنون، آیه ۳۴ سوره یاسین، آیه ۳۲ سوره نبأ و آیه ۲۸ سوره عبس.

ج - درخت زیتون: درختی پربرکت، با محصولی بسیار ارزشمند و در اهمیت آن همین بس که در قرآن کریم چندین بار از آن یاد شده و حتی سوره‌ای به این نام نامگذاری نموده‌اند.

کلمه زیتون که هم به درخت و هم به میوه آن اطلاق می‌گردد، مجموعاً ۶ بار در قرآن کریم مورد اشاره قرار گرفته است: آیات ۹۹ و ۱۴۱ سوره انعام، آیه اول سوره تین، آیه ۱۱ سوره نحل و آیه ۲۹ سوره مبارکه عبس. همچنین در آیه ۲۰ از سوره مبارکه مؤمنون بدون تصریح به نام زیتون، از این درخت یاد شده است.

د - درخت انار: رمان که به معنی انار است و به درخت این میوه هم گفته می‌شود در قرآن کریم، در آیات ۹۹ و ۱۴۱ سوره مبارکه انعام برای انار دنیوی و یک بار

(۴۴)

هم در آیه ۶۸ سوره الرحمن برای انار بهشتی آمده است.

ه - درخت سدر: سدر، همان درخت کنار است که «درختی است تناور و خاردار، بلندی‌اش تا ۴۰ متر می‌رسد؛ می‌گویند تا دو هزار سال عمر می‌کند، میوه آن به شکل سنجد و بعد از رسیدن، سرخ یا زردرنگ و شیرین می‌شود...» (۱)

کلمه سدر، ۴ بار در قرآن کریم و در آیات ۱۶ سوره سبأ، ۲۸ سوره واقعه، ۱۴ و ۱۶ سوره نجم آمده است؛ البته تنها در مورد اول اشاره به درخت سدر دنیوی می‌باشد. در مورد دوم درخت سدر، بهشتی و در دو مورد آخر اشاره به درختی است که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله در شب معراج آن را مشاهده فرمود.

۱- قاموس قرآن، جلد ۳، صفحه ۲۴۶.

(۴۵)

و - معروشات: معروشات، جمع کلمه «معروشه» می‌باشد. و «شجره معروشه» آن درختی را گویند که شاخه‌هایش به وسیله داربست بالا رفته و مانند درخت انگور یکی بر بالای دیگری قرار گرفته باشد. (۱)

کلمه «معروشات» تنها دو بار و هر دو بار نیز در آیه ۱۴۱ سوره انعام آمده است. نخست درباره درختان داربستی و بار دیگر درباره درختان غیرداربستی (غیرمعروشات) استعمال شده و البته در آیه ۶۸ سوره نحل نیز همین واژه در قالب فعل مضارع «يعرشون» مورد اشاره قرار گرفته است.

۱- المیزان، جلد ۷، صفحه ۴۹۹.

(۴۶)

۹- نقش درخت در زندگی انسان‌ها و حیوانات

در این بخش از این نوشتار با اشاره به آیه‌ای از قرآن کریم، به بیان تأثیر و نقش درخت در زندگی آدمیان از زاویه تأمین یکی از ضروریات حیات آدمی (یعنی آتش) و نیز تأثیر در زندگی یکی از حیوانات (یعنی زنبور عسل) می‌پردازیم:

الف - آیه ۸۰ سوره یاسین: «الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ مِنَ الشَّجَرِ الْأَخْضَرِ نَارًا فَإِذَا أَنْتُمْ مِنْهُ تُوقِدُونَ». اوست کسی که قرار داد برای شما از درخت سبز آتشی را، پس آنگاه شما از آن درخت برمی‌افروزید آتش را».

این آیه شریفه یکی از نشانه‌های قدرت خداوند را آفرینش آتشی می‌داند که از درخت سبز تولید می‌شود. زیرا بسی شگفت‌آور است که چگونه درختی سبز - که مایه خنک و روحبخش آن، آدمی را از آسیب گرما و اشعه سوزان خورشید در امان

(۴۷)

نگه می‌دارد - در فرآیندی دیگر، تبدیل به آتشی افروخته می‌گردد که می‌تواند همه‌چیز را در کام مرگ و نیستی فرو برد. این نیست مگر به واسطه اعجاز و قدرت نهایی پروردگار توانا.

ب - سوره نحل آیه ۶۸: «وَأَوْحَىٰ رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ أَنْ اتَّخِذِي مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا وَمِنَ الشَّجَرِ وَمِمَّا يَعْرِشُونَ». و وحی فرستاد پروردگارت به سوی زنبور عسل، که فرا بگیر از کوه‌ها خانه‌ها و از درخت و از آنچه بنا می‌کنند».

این آیه شریفه اشاره‌ای دارد به نقش و تأثیر درخت در زندگی زنبور عسل، چرا که این حشره بسیار مفید با امر غریزی و تکوینی از جانب خداوند مأمور شده است که جاهای پردرخت و شاخ‌های بلند و سرسبز درختان را به عنوان مسکن انتخاب کند تا بتواند

به سهولت به مواد اولیه لازم برای تولید عسل دست پیدا کند .

(۴۸)

ج - سوره نحل آیه ۱۰: « هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لَكُمْ مِنْهُ شَرَابٌ وَمِنْهُ شَجَرٌ فِيهِ تُسِيمُونَ . اوست کسی که از آسمان ، آبی گوارا نازل می کند که می آشامید و از آن درختانی می رویند که حیوانات خود را در آن به چرا می روید» .

در این آیه به یکی دیگر از کارکردهای درخت که همانا تأمین غذای حیوانات الهی و برخی حیوانات غیر اهلی می باشد ، اشاره شده است .

(۴۹)

بررسی مشخصات و خواص گیاهان در قرآن

اب (گیاه)

نام قرآنی: ابا

نام فارسی: گیاه

اشاره قرآنی: عبس / ۳۱- ۳۲

وَ فَاكِهَةً وَّ اَبَا مَتَاعًا لَكُمْ وَّ لِانْعَامِكُمْ

در قرآن فقط در یک مورد به اب (گیاه، علف) اشاره شده است. بنابر نقل «لغة القرآن» (۹۴) شناسایی گیاه واقعی که در قرآن به آن اشاره شده مشکل است. اما می توان تصور کرد که چندین نوع بذر وجود دارد که هم منشأ غلات غذایی برای مصارف انسانی و هم علیقی برای حیوانات است. احتمال می رود که

(۵۰)

سودمندی گیاهی واحد برای انسان و حیوان اساس آیه فوق بوده است.

انسان با اطلاع غریزی از امواج لطیف گیاهان و اثر حیات بخش آن از بودن با طبیعت بزرگ ترین لذت و شادی را احساس می کند . در تولد ، ازدواج و مرگ همان قدر گل حضور دارد که در روی میز غذا و یا در جشن ها . بعنوان ابزار عشق و دوستی گل هدیه می کنیم و همین طور برای تبریک مسکن جدید و یا تشکر از مهمان نوازی .

خانه های ما با زینت گل زیبا می شود ، شهرهای ما با پارک و سرزمینهایمان با پارک های طبیعی و جنگل . اولین کاری که یک خانم خانه دار برای زیباتر شدن محیط خانه انجام می دهد قرار دادن یک گیاه یا چند شاخه گل و گلستان در اطاق است . بیشتر مردم و ادیان بهشت را به صورت مجموعه ای از گیاهان و حوریان می دانند .

(۵۱)

ریشه های کرم مانند گیاه که داروین آنها را به سلول های مغزی تشبیه کرده به وسیله جوانه های سفیدرنگ موئین بطور مرتب و مداوم به عمق خاک نقب می زنند و با فشار خود را پیش می برند و در هر حرکت ترکیب خاک را می چشند . هر حفره خالی کوچکی که یک ذره ناچیز مواد نشاسته ای بتواند در آن ذخیره شوند جهت نیروی ثقل را به پیشروان گیاه نشان می دهد .

وقتی خاک خشک و بی آب باشد ریشه ها از آنجا به طرف محل مرطوب دور می زنند و یا به طرف محل عبور لوله آب تغییر جهت می دهند . ریشه گیاه کوچک و زیبای یونجه گاهی تا چهل فوت (حدود دوازده متر) به دنبال رطوبت حرکت می کند و دارای چنان توانی است که بتون را می شکنند و راه خود را باز می کند .

گیاهی که برای رشد احتیاج به قییم دارد ابتدا به طرف یک تکیه گاه می خزد و

(۵۲)

چنانچه مناسب نباشد جهت خود را به سمت دیگر تغییر می‌دهد. آیا گیاه تکیه‌گاه را می‌بیند یا به صورتی که برای ما شناخته نیست آن را احساس می‌کند. چنانچه گیاه در میان چند مانع باشد و نتواند تکیه‌گاه ممکن را ببیند بدون خطا به طرف تکیه‌گاهی که در نزدیکی موجود است ولی دیده نمی‌شود حرکت می‌کند و از حرکت به طرف مکانی که تکیه‌گاه یا قیمی در آن موجود نیست خودداری می‌کند.

رائول فرانس (۱) می‌گوید گیاه توان و قصد و اراده دارد. می‌تواند بطرف چیزی که دلخواه اوست و یا به خلاف آن حرکت کند و در این حرکت رمزی و سری است، رمزی نظیر آنچه در حرکت همه موجودات هست.

۱- از دانشمندان گیاه‌شناس فرانسوی.

(۵۳)

ساکنان علفزار یا آنچه یونانیان آن را بوتان نامیده‌اند، به نظر می‌رسد بر خلاف ظاهر بی‌حرکتشان قادر هستند که مشاهده و درک کنند و نسبت به آنچه در اطرافشان می‌گذرد عکس‌العمل نشان بدهند. درک و عکس‌العملشان در این زمینه در حقیقت بسیار پیشرفته‌تر از انسان است.

نوعی گیاه حشره‌خوار، مگسی را که به آن نزدیک می‌شود بدون هیچ‌گونه لغزش و خطا گرفتار می‌کند و برای دسترسی به آن بدون خطای جهت‌یابی به آن نزدیک می‌شود. بعضی گیاهان پارازیتی قادرند حتی ضعیف‌ترین بوی شکار را تشخیص بدهند و برای رسیدن به آن بر هر مانعی فایق می‌شوند.

به نظر می‌رسد گیاه می‌داند کدام نوع مورچه شیره گیاهی اش را می‌دزدد چون به محض نزدیک شدن این نوع مورچه خود را جمع می‌کند و می‌بندد و وقتی باز

(۵۴)

می‌شود که روی ساقه آن شبم کافی باشد و برای عبور مورچه ایجاد اشکال کند. درخت اقاچیا که گیاه پیشرفته‌تری است مورچگانی را که برای دفع موجودات علفزار مفید می‌داند با دادن شیره گیاهی مناسب از سایر حشرات حفاظت می‌کند. آیا این برحسب تصادف است که گیاه برای تطبیق خود با زندگی حشراتی که گل‌ها را با گرده بارور می‌کنند، با علاقه به اشکال گونه‌گون رشد می‌کند، حشرات را با رنگ و عطر مخصوص تطمیع و تشویق به نزدیکی و گرده‌پاشی می‌کند و سپس آن‌ها را با شیره دلخواهشان تغذیه و پاداش می‌دهد و برایشان این اطمینان را ایجاد می‌کند که پس از عمل تلقیح گرده‌ای از در مخصوص گیاهی راه خروج از محل برایشان فراهم است.

آیا این فقط یک تصادف و یا عمل غیرارادی است که نوعی گیاه ارکیده

(۵۵)

گلبرگ‌هایش به شکل تن جنس ماده نوعی مگس است که جنس نر آن با همین تصور با آن جفت می‌شود و در نتیجه امر تلقیح گیاه را انجام می‌دهد. آیا این فقط یک تصادف ساده است که گل‌هایی که در شب باز می‌شوند عموماً سفید هستند تا حشرات و پروانه‌های شبانه را به خود جذب کنند و در روشنایی شفق عطر قوی‌تری به فضا پخش می‌کنند و یا گل زنبق در جائی که فقط مگس موجود باشد برای جذب آن بوی گوشت‌گندیده ایجاد می‌کند و یا گیاهانی که در معرض باد هستند و امر تلقیح گرده‌ای آنها به وسیله باد صورت می‌گیرد انرژی خود را به شکل سازی و یا عطریاکنی جاذب هدر نمی‌دهند.

گیاهان برای حفاظت از خود تیغ تولید می‌کنند و مزه تلخ ایجاد می‌کنند و یا ترشحات چسبنده به وجود می‌آورند و حشرات مزاحم را گرفتار کرده و می‌کشند.

(۵۶)

گیاه حساس لوس در خود یک مکانیزم دفاعی دارد که به محض نزدیک شدن سوسک یا مورچه یا کرم یا حشره دیگری به ساقه و حرکت به سمت برگ‌های خوشمزه آن با لمس یک زائده حساس به وسیله مهاجم به ساقه خم می‌شود و برگ جمع می‌شود به طوری که مهاجم یا از روی اعضاء خم‌شونده و جمع‌شونده به پایین پرتاب می‌شود و یا از ترس مجبور به فرار می‌شود.

بعضی گیاهان که در منطقه باتلاقی رشد می‌کنند و موفق به یافتن ازت هوا نمی‌شوند ازت لازم را به خوردن حشرات مخصوصی به دست می‌آورند. بیش از پانصد گونه گیاه گوشت‌خوار وجود دارد که خوراک آنها را گوشت حشرات تا گوشت گاو تشکیل می‌دهد. این گیاهان با وسایل و روش‌های ماهرانه مانند شاخک‌های حساس یا موی‌های چسبنده و یا تله‌های قیفی شکل قربانی خود را به دام می‌اندازند.

(۵۷)

شاخک‌های گیاهان گوشت‌خوار نه فقط در حکم دهان گیاه است بلکه شکم گیاه را تشکیل می‌دهد که پس از به دام انداختن شکار با کمک پایه‌های حامل شاخک‌ها گوشت و خون شکار را هضم می‌کند و فقط اسکلت آن را باقی گذاشته و رها می‌کند.

گیاه حشره‌خوار ساندو در مقابل تماس میله فولادی یا دانه شن و سایر اجسام شبیه آنها هیچ عکس‌العملی نشان نمی‌دهد اما در مقابل احساس مواد غذایی که می‌تواند از گوشت آن استفاده کند با سرعت و حساسیت عکس‌العمل نشان می‌دهد. داروین کشف کرد که این گیاه حتی نسبت به تکه نخ‌آماده شده به وزن چند صد هزارم گرم که بر روی برگ آن گذاشته شود حساسیت نشان می‌دهد. یک پیچک حساس که پس از ریشه‌های فرعی گیاه بالاترین حساسیت را دارد با تماس یک نخ ابریشم به وزن ۱۰۰۰۰۰۰:۲۵ گرم شروع به پیچیدن به دور آن می‌کند.

(۵۸)

ابتکار و خلاقیت گیاه برای ایجاد انواع اسکلت و سازه خیلی وسیع‌تر و پیشرفته‌تر از انسان است. سازه‌های ساخت انسان نمی‌تواند در شرایط مساوی با مقاومت تنه لوله‌ای شکل و بلند درخت که در مقابل طوفان‌های سهمگین پایدار است برابری کند. تکنیک استفاده گیاه از مکانیزم پیچاندن فنی شکل الیاف برای مقاومت در مقابل پاره شدن روشی است که هنوز انسان بطور کامل بدان پایه نرسیده. سلول گیاهی با تطویل و قلاب شدن به یکدیگر تبدیل به الیاف می‌شود و تشکیل ساقه مقاوم را می‌دهد. همراه با رشد درخت، ساقه آن سبتر و قوی می‌شود تا بتواند وزن و فشار آتی را بهتر تحمل کند.

گیاه نسبت به جهت و زمان آینده حساس است. کاشفان و شکارچیان در مراتع دره می‌سی‌سی‌پی نوعی گیاه آفتابگردان یافتند که برگ‌های آن دقیقاً جهت عقربه قطب‌نما را نشان می‌داد. گیاه شیرین بیان نسبت به هر نوع الکتریکی و میدان

(۵۹)

مغناطیسی آن‌چنان حساس است که به عنوان گیاه هواشناسی از آن استفاده می‌شود. گیاه‌شناسانی که اولین بار این شیرین بیان را در باغ گیاه‌شناسی کیوی لندن آزمایش کردند کشف کردند که این گیاه دارای خواصی است که به کمک آن می‌توان تندباد، طوفان، گردباد، زلزله و حتی وقوع آتشفشان را به طور نسبی پیش‌بینی کرد.

گیاهان ارتفاعات آلپ قادر به تشخیص دقیق فصول هستند و آمدن بهار را تشخیص می‌دهند و با حرکت جوانه‌های بهاری به داخل پوشش برف دیرپا به نوبه ایجاد حرارت کرده و ذوب شدن سریع‌تر برف را باعث می‌شوند.

انسان زمینی به گیاه به عنوان موجود بدون شعور نظر می‌کرده ولی کشف شده که گیاهان قادر به تشخیص صداهایی هستند که گوش انسان قادر به درک آن نیست و قادر به تشخیص رنگ‌ها و موج‌هایی مانند مادون قرمز و ماوراء بنفش هستند که خارج از طیف درک و احساس بشر است. گیاهان به خصوص نسبت به اشعه ایکس و امواج تلویزیونی با فرکانس بالا بسیار حساس هستند.

(۶۰)

رائول فرانس عقیده دارد که دنیای گیاهی نسبت به گردش و حرکت زمین و ماه و حرکت سایر سیارات منظومه شمسی حساس و پاسخگو است و روزی خواهد رسید که رابطه آن با کلیه اجرام کیهانی به اثبات برسد .

فرانس می‌گوید با توجه به اینکه مشخصات یک گیاه علیرغم ضایعاتی که ممکن است به آن وارد شود ثابت می‌ماند پس باید پذیرفت که نوعی جوهر ذاتی و هشیار وجود دارد که فرم گیاه را حفظ می‌کند ، نوعی هشیاری که رهبری گیاه را به عهده دارد. حال این هشیاری ممکن است در داخل گیاه باشد یا اینکه از خارج گیاه آنرا هدایت کند.

گیاه موجودی است بشاش ، پر حرکت ، انعطاف‌پذیر و سازگار با طبیعت و همین خواص باعث شده که با شرایط مختلف خو بگیرد ، دوباره و چندین باره شکل خود را عوض کند و با محیط تطبیق دهد .

(۶۱)

گیاه پس از هر دوره فعالیت و خزان، وجود خود را روی دانه‌های جدید ثبت می‌کند.

دانه گندم مجموعه‌ای است کامل . در یک انتهای این دانه شیاردار مجتمع جوانه قرار دارد و در انتهای دیگر قسمت برآمده‌ای است که مجموعه پیچیده‌ای از نشاسته پیچیده در پروتئین است و پس از کشت تا زمانی که ریشه روییده شود جوانه را تغذیه می‌کند . کل دانه در سه غلاف تو در تو پیچیده شده که شامل ویتامین‌ها ، آنزیم‌ها و کانی‌های حیاتی برای بدن مانند کوبالت و منگنز و مولیبدن و غیره است که حذف هریک باعث انواع نارسایی‌های قلبی و معدوی می‌شود .

آسیاب‌های صنعتی متداول مجتمع جوانه و سه غلاف سبوس را جدا می‌کند و برای خوراک دام می‌فرستد و دو نوع آرد معمولی سفید و عادی که عمدتاً نشاسته است برای انسان باقی می‌گذارد .

سایر حبوبات که از آنها نان تهیه می‌شود مانند جو ، ذرت ، جو سیاه هم ساختمان

(۶۲)

و ترکیبی مشابه گندم دارند. سر گندم یکی از منابع نادر ویتامین ب کمپلکس در طبیعت است و شاید به همین علت گندم ماده اصلی حیات نامیده می‌شود . گندم علاوه بر مواد بالا دارای مقداری باریوم است که کمبود آن در انسان ایجاد امراض معدوی و قلبی می‌کند و جزئی و انادیوم دارد که برای سلامت قلب لازم است. در هرم حیات ، گیاه نقش اساسی دارد . «انسان قادر نیست از مواد طبیعی مستقیماً تغذیه کند ، بنابراین گیاه به عنوان واسطه بین خاک و حیوان و انسان وارد عمل می‌شود و آنها را مستقیم یا غیرمستقیم تغذیه می‌کند» . بدن ما با وساطت گیاه و حیوان از خاک ساخته می‌شود . میکروارگانسیم‌ها مواد شیمیایی خاک را می‌شکنند و آن را برای رشد گیاه آماده می‌کنند .

(۶۳)

انگور

نام قرآنی : عنب (مفرد) - اعناب (جمع)

نام فارسی : انگور ، فَرَشْک

اشارات قرآنی :

۱- ۲۶۶ / بقره ۲- ۱۰۰ / انعام ۳- ۴ / رعد

۴- ۱۱ / نحل ۵- ۶۷ / نحل ۶- ۹۱ / اسراء

۷- ۳۲ / کهف ۸- ۱۹ / مؤمنون ۹- ۳۴ / یس

۱۰- ۳۱- ۳۲ / نبأ

إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازًا. حَدَائِقَ وَأَعْنَابًا

پرهیزکاران را جایی است در امان از هر آسیب . بستان‌ها و تاکستان‌ها .
(۶۴)

۱۱ - ۲۸ / عبس

وَعَبَابًا وَقُضَبًا

و تاک و سبزی‌های خوردنی .

انگور یکی از لذیذترین میوه‌هایی است که خداوند برای انسان آفریده است و از این رو یازده مرتبه در قرآن مجید نام این میوه آمده است .

تاکنون حدود هشت هزار نوع انگور پرورشی در سرتاسر جهان دیده شده است که نوعی انگور بی‌دانه (به نام تامسون) در سطحی وسیع در چندین کشور از جمله ایتالیا ، فرانسه ، روسیه ، اسپانیا ، ترکیه ، ایران ، افغانستان ، ژاپن ، سوریه ، الجزیره ، مراکش و امریکا کاشته می‌شود .

انگور یکی از بهترین منابع طبیعی گلوکز و فروکتوز است و ۲۰٪ انگور را این
(۶۵)

مواد تشکیل می‌دهد . علاوه بر قندها انگور دارای اسید تارتاریک و اسید مالیک فراوان است . مواد معدنی مانند سدیم ، پتاسیم ، کلسیم و آهن به مقدار زیاد در آن وجود دارد . در صورتی که پروتئین و چربی آن بسیار ناچیز است . بوی مخصوص انگور به علت ژرانیول و لینالول موجود در آن است (۱) . اخیراً ترکیب دیگری به نام ویتامین P از آن تهیه می‌شود (۲) . گفته می‌شود این ویتامین در جلوگیری از خونریزی‌های ناشی از بیماری قند بسیار مؤثر است ، تورم و ریدی و تصلب شرائین بدن را به خوبی بهبود می‌بخشد . انگور به علت مواد معدنی موجود در آن خاصیتی محرک ، هاضم ، آرام‌بخش ، اشتهاآور ، میزد و مدر دارد . خون را زیاد و تصفیه

۱- وینکلر ، ا.ج. ، تاک پروری عمومی .

۲- ثروت هند ، مواد خام .

(۶۶)

می‌کند و ناتوانی عمومی را درمان می‌بخشد . آب‌غوره قابض است و گلودرد را درمان می‌کند . شیره تاک برای بیماری‌های پوستی و چشم درد مفید است . انگور همچنین برای برنشیت مزمن ، بیماری‌های قلبی ، التهاب کلیه و نفرس مفید است . برای جلوگیری از تشنج ناشی از یبوست آب انگور به کودک می‌خورانند و برای رفع تب و سرماخوردگی بسیار ثمربخش است . برای مبتلایان به بیماری یرقان نیز غذای مفیدی است .

قبل از ظهور اسلام انواع بسیار خوب انگور در مناطق وسیعی در سوریه ، عراق ، فلسطین ، حجاز ، یمن و حضرموت به عمل می‌آمد و شراب به مقدار زیاد تولید می‌شد . بعد از ظهور اسلام شراب‌سازی و مصرف شراب منفور و حرام شناخته شد . اما کاشت درخت مو را برای استفاده از انگور آن حلال می‌دانستند و این کار را تشویق می‌کردند . این حقیقت را نمی‌توان نادیده گرفت که در جامعه عرب جاهلی

(۶۷)

کارهای ناشایست زیاد وجود داشت و اعتیاد به شراب یکی از علل این فساد اخلاقی بود . دستور حرمت شراب به طور ناگهان اعمال نشد . بلکه این امر به طور تدریجی و بر پایه اصول روان‌شناختی انجام گرفت . در مرحله اول (۲۱۹ / بقره) بیان می‌کند که

گناه شراب از سود آن بیشتر است. پس از این در آیه دیگری (۴۳ / نساء) می‌فرماید «آنگاه که مست هستید گرد نماز مگردید». لذا می‌بینیم این دو آیه قرآن کریم مؤمنان را از شرب خمر بر حذر می‌دارد و سرانجام در سوره مائده آیه‌های ۹۰ و ۹۱ حرمت قطعی آن اعلام می‌شود.

پس از نزول این آیه سوره مائده مردم مدینه هر نوع شرابی را به کوچه‌ها ریختند بعضی از مسلمانان می‌خواستند اندوخته شراب خود را به همشهریان یهودی خود ببخشند اما اجازه چنین کاری را نیافتند. بنابر حدیثی تهیه، شرب و حتی بخشیدن شراب حرام بود (۱). (۶۸)

در قرآن مجید با کلمات مختلفی مانند خمر، شراب، سِک و کأس به شراب اشاره شده است. خمر در اصل به معنی شراب انگور است ولی به طور عام این کلمه را می‌توان برای هر نوع شرابی به کار برد. سکر هر چیزی است که سبب مستی شود. کأس به معنای جام است و شراب معنای هر نوع مایع نوشیدنی از جمله شراب است. کلمه خمر در سوره بقره / ۲۱۹ سوره مائده / ۹۰ و ۹۱، سوره محمد / ۱۵ و کأس در سوره طور / ۲۳، سوره دهر / ۵، سوره واقعه / ۱۸ و سوره صافات / ۴۵ آمده است و کلمه شراب چندین بار در جاهای مختلف ذکر شده است.

۱- عثمانی، محمد ثناء الله، تفسیر مظهری، ندوة المصنّفین، دهلی (اردو).

(۶۹)

انار

نام قرآنی: رُمّان

اشارات قرآنی:

۱ - ۹۹ / انعام ۲ - ۱۴۱ / انعام ۳ - ۶۸ / رحمن

در قرآن مجید سه جا از رُمّان نام برده است. در سوره انعام / ۱۴۱ درباره میوه این درختان توصیه مهمی شده است. در آن ذکر شده: چون ثمر آوردند از آنها بخورید و در روز درو حق آن را پردازید؛ معنی این دستور آن است که خداوند انحصار یا مالکیت فردی محصولات کشاورزی و نباتی را نمی‌پسندد.

زادگاه انار ایران است. انار میوه‌ای بسیار لذیذ و آبدار است و از روزگاران بسیار قدیم به‌عنوان میوه‌ای خوراکی و هم برای مصارف پزشکی اهمیت بسیار داشته‌است.

(۷۰)

ارزش انرژی‌زایی میوه انار ۶۵٪ است. آب انار به سادگی هضم می‌شود و شامل ۱۵٪ مواد قندی است که منبعی سرشار از سدیم است.

انار ماده‌ای غذایی مطبوع و دارای خواص طبی بسیار است. دارویی مقوی قلب است و برای التهاب معده و جلوگیری از درد دل نافع است. آب انار شربتی مبرّد و بسیار عالی است و به هنگام اسهال تشنگی را برطرف می‌کند. در درمان اسهال ساده و اسهال خونی مؤثر است. آب انار برای انواع ناخوشی‌ها از قبیل التهاب قولون، کم خونی، یرقان، فشار خون، بواسیر و درد مفاصل دارویی مفید است. و اگر با عسل خورده شود صفرا را کم می‌کند.

جوشانده پوست ریشه انار که شامل ماده قلیایی پلاترین و جوهر مازو است، دارویی بسیار مؤثر برای دفع کرم‌ها از جمله کرم روده است. نقل شده که این

(۷۱)

جوشانده برای بیماری سل نیز مؤثر است.

پوست ضخیم انار سبب می‌شود که این میوه با کیفیت خوبی نگهداری شود. انار را می‌توان تا شش ماه نگهداری کرد. پوست انار بیش از ۲۰٪ جوهر مازو دارد و گاهی در صنعت چرم‌سازی به کار می‌رود. چرم معروف مراکشی و اسپانیایی در زمان گذشته با پوست انار دباغی می‌شد.

گل انار دارای خاصیت طبی بسیار زیادی است. و در مورد سقط جنین غیر عمدی تجویز می‌شود. گل‌های سرخ روشن انار شامل رنگ دانه‌هایی با کیفیت عالی است.

(۷۲)

انجیر

نام قرآنی: تیــــن

اشاره قرآنی: ۱- ۴ / سوره تین

وَالتِّينِ وَالزَّيْتُونِ. وَطُورِ سِينِينَ. وَهَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ. لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ.

سوگند به انجیر و زیتون. سوگند به طور مبارک. سوگند به این شهر ایمن، که ما آدمی را در نیکوتر اعتدالی بیافریدیم.

در قرآن مجید فقط یک مرتبه کلمه تین (انجیر) آمده است. اما این یگانه یادآوری اهمیتی بسیار دارد. خداوند به تین

و زیتون، طور سینا و بلد

(۷۳)

امین (مکه) سوگند یاد می‌کند و می‌فرماید آدمی در این دنیا به نیکوترین اعتدالی آفریده شده است.

حدیث

پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: «انجیر میوه بهشت است. آن را بخورید که بواسیر را درمان می‌کند ورم مفاصل را بهبود می‌بخشد».

(۷۴)

برگ

نام قرآنی: ورق

نام فارسی: برگ

اشارات قرآنی:

۱- انعام / ۵۹

وَ عِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَ يَعْلَمُ مَا فِي الْبُرِّ وَ الْبَحْرِ وَ مَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقِهِ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَ لَا حِجْبُ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ وَ لَا رَطْبٌ وَ

لَا يَابِسُ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ

کلیدهای غیب نزد اوست. جز او کسی را از غیب آگاهی نیست. هرچه را که در خشکی و دریاست می‌داند هیچ برگ از درختی

نمی‌افتد مگر آن که از آن آگاه است

(۷۵)

و هیچ دانه‌ای در تاریکی‌های زمین و هیچ تری و خشکی نیست جز آن که در کتاب مبین آمده است.

۲- اعراف / ۲۲

فَدَلَيْهِمَا بُعُورٌ فَلَمَّا ذَاقَا الشَّجَرَةَ بَدَتْ لَهُمَا سَوْآتُهُمَا وَ طَفِقَا يَخْصِمَا عَالِيَهُمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ وَ نَادِيَهُمَا رَبُّهُمَا أَلَمْ أَنْهَكُمَا عَنْ تِلْكَمَا

الشَّجَرَةِ وَ أَقَلُّ لَكُمْ إِنَّا الشَّيْطَانُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ

و آن دو را بفریفت و به پستی افکند. چون از آن درخت خوردند شرمگاه‌هایشان آشکار شد. و به پوشیدن خویش از

برگ‌های بهشت پرداختند. پروردگارشان نداداد: آیا شمارا از آن درخت منع نکرده‌بودم و نگفته‌بودم که شیطان به آشکارا دشمن شماست؟

۳- طه / ۱۲۱

فَأَكَلَا مِنْهَا فَبَدَتَ لَهُمَا سَوْآتُهُمَا وَطَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ
(۷۶)

وَ عَصَى آدَمُ رَبَّهُ فَغَوَى

از آن درخت خوردند و شرمگاهشان در نظرشان از دو سو پیدا شد. و همچنان برگ درختان بهشت بر آن‌ها می‌چسبیدند. آدم در پروردگار خویش عاصی شد و راه گم کرد.

در سوره اعراف و طه کلمه ورق به معنای برگ در متن داستان آدم و حوا آمده است، وقتی که نافرمانی از نهی خداوند کردند و از میوه درخت ممنوع خوردند و برای تنبیه برهنگی آنان آشکار شد و به سرعت با برگ (ورق) درختان بهشتی آن را پوشاندند. مفسران قرآن، به طور کلی، منبع این برگ‌ها را مشخص نکرده‌اند. اما بعضی از محققان تورات شناس گفته‌اند. که آن درخت انجیر بوده که آدم و حوا با آن بدن خود را پوشاندند.

(۷۷)

پیاز

نام قرآنی: بصل

نام فارسی: پیاز

اشاره قرآنی: ۶۱ / بقره

سیر و پیاز از نظر گیاه‌شناسی از یک جنس می‌باشند. بیش از ۶۰ گونه گیاه مختلف از جنس سیر در مصر و عربستان می‌روید. مردم مصر باستان علاقه زیادی به سیر و پیاز داشتند. نقل شده که در زمان ساختن هرم بزرگ کنوپس (حدود سال ۳۷۰۰ ق.م.) برای کارگرانی که به خدمت گرفته شده بودند در برنامه غذایی‌شان علاوه بر تربچه، سیر و پیاز نیز وجود داشت که ۱۶۰ سگه در این راه صرف شد.

(۷۸)

ارزش فعلی این مبلغ برابر چهل کرور (۱) رویه هندی است. این مبلغ گزارف نمایانگر اهمیت سیر و پیاز برای مردم آن زمان می‌باشد. آنان پیاز را می‌پرستیدند و به آن سوگند می‌خوردند اما مجاز نبودند بعد از خوردن پیاز وارد معبد شوند. مردم نیز عموماً برین باور بودند که جهان به شکل همان لایه‌های پوست پیاز است.

حداقل سه حدیث در صحیح بخاری (۲) هست که دلالت بر این که حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله از بوی سیر و پیاز نفرت داشت و به اصحابش می‌فرمود: بعد از خوردن

۱- هر کرور هندی برابر با یکصد لاک و هر لاک برابر با ۱۰۰۰۰۰ است.

۲- بخاری، محمد بن اسماعیل، الجامع الصحیح.

(۷۹)

سیر یا پیاز بلافاصله نزد او نیایند. اما در هیچ یک از این احادیث خوردن سیر یا پیاز نهی نشده است. مسلم است که این هر دو گیاه از نظر طبیبی بسیار مفیدند اما بویی زننده و طعمی تند دارند مخصوصاً اگر به صورت خام مصرف شوند.

پیاز از ترکیبات مهم بسیاری از غذاهاست. پیاز خام اگر چه سبب ناهنجاری در تنفس می‌شود، اما پیاز پخته را برای خاصیت

ضد عفونی کننده‌ای که برای تمام دستگاه گوارش دارد همگان مصرف می‌کنند. پیاز محرک، مدر و خلط‌آور است (۱). پیاز مخلوط با نمک طعام برای درمان قولنج و اسکوربوت مفید است و پیاز سرخ کرده به صورت ضماد برای دمل‌هایی که سرباز نکرده‌اند به کار می‌رود.

۱- بلاکو، ن. و.، راهنمای دارویی فوق العاده کشور.

(۸۰)

بویدن آب پیاز برای به هوش آوردن بیمار و برای رفع تشنج کودکان، سردرد، صرع و تشنج مفید است و پادزهری مناسب برای مسمومیت‌های ناشی از دخانیات است. برای رفع گوش درد آب پیاز گرم به گوش می‌چکانند. جوشانده پیاز برای جلوگیری از احساس گرمای شدید بسیار مناسب است. پیاز سرخ کرده دارویی مؤثر برای بواسیر است.

(۸۱)

حب (بذر، غله)

نام قرآنی: حب

نام فارسی: بذر، غله

اشارات قرآنی:

۱- بقره / ۲۶۱-۳- انبیاء / ۱۶

۲- انعام / ۵۹، ۹۵، ۴۹۹- لقمان / ۱۶

۵- یس / ۳۳-۸- نبأ / ۱۵

۶- ق / ۹۹- عبس / ۲۷

۷- رحمن / ۱۲

(۸۲)

به طوری که ملاحظه می‌شود در قرآن اشارات زیادی به کلمه حب به معنای غله (دانه) شده است اما در این آیات اشاره به دانه خاصی نشده است.

چندین نوع گندم، جو و ارزن از روزگاران قدیم در سرزمین عربستان می‌رویده است. نقل شده که گندم، جو ۵۰۰۰ سال قبل از میلاد مسیح در شام و فلسطین کاشته می‌شده است.

(۸۳)

خیار

نام قرآنی: قُثَا

نام فارسی: خیار

اشاره قرآنی: ۶۱ / بقره

در قرآن در آیه فوق از خیار به نام «قُثَا» همراه با عدس، پیاز و سیر نام برده است. این‌ها سبزی‌هایی بودند که بنی‌اسرائیل قبل از خروج از مصر و سرگردانی در صحرای سینا، همراه با پیامبرشان موسی، عادت داشتند آن را بخورند.

انواع خیار به صورت خام و پخته مصرف می‌شود. خیار شامل ۹۰ درصد آب،

(۸۴)

حدود ۳ درصد مواد قندی، کمتر از یک درصد پروتئین و مقداری بسیار ناچیز چربی می‌باشد. خیار سرد و مدر است. و

ماده‌ای بسیار پرارزش برای ساختن سالاد است .

بنابراحدیثی که در صحیح بخاری (۱) و صحیح مسلم (۲) آمده از عبدالله بن جعفر نقل شده که گفت : من خود دیدم که حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله خرمای تازه و خیار را با هم می‌خورد .

۱- بخاری ، محمد بن اسماعیل ، الجامع الصحیح .

۲- مسلم بن حجاج ، صحیح .

(۸۵)

خردل

نام قرآنی : خردل

نام فارسی : اسپندان ، خردل

اشارات قرآنی :

۱ - ۴۷ / انبیاء

وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَإِنْ كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا وَكَفَى بِنَا حَاسِبِينَ

روز قیامت ترازوهای عدل را تعیین کنیم و به هیچ کس ستم نمی‌شود . اگر عملی به سنگینی یک خردل هم باشد به حسابش می‌آوریم ، که ما حساب کردن را بسنده‌ایم .

(۸۶)

۲ - ۱۶ / لقمان

يَا بُنَيَّ إِنَّهَا إِنْ تَكُ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ فَتَكُنْ فِي صَخْرَةٍ أَوْ فِي السَّمَاوَاتِ أَوْ فِي الْأَرْضِ يَأْتِ بِهَا اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ

ای پسرک من ، اگر عمل تو به قدر یک دانه خردل در درون صخره‌ای یا در آسمان‌ها یا در زمین باشد ، خداوند به حسابش می‌آورد ، که او ریزین و آگاه است .

در دو آیه از دو سوره مختلف قرآن مجید نام خردل آمده است و در هر دو مورد اشاره به کمترین مقدار و کوچک‌ترین واقعه است . این بیشتر از آن جهت است که دانه خردل نه در عربستان که دیگر نقاط جهان کوچک‌ترین دانه شناخته شده است .

(۸۷)

علاوه بر ۲۷ درصد روغن غیر فزّار موجود در دانه‌ها ، خردل سیاه شامل گلوکوزید ، سینی گرین ، (پتاسیم مایورونیت) ، آنزیم می‌روزین ، لیسیتین ، لعاب و قلیا (۴٪) می‌باشد . روغن غیرفرار موجود در آن گلیسیرید اسید اولئیک ، اسید سیتریک و اسید اوریک است . آرد خردل قی آور است و برای ضماد نیز به کار می‌رود . از نظر مصرف خارجی این روغن محرک است ، مشمع خردل برای نقرس ، سیاتیک ، کهیر و غیره مؤثر است . تصور می‌شود دانه خردل ضد کرم و اشتها آور باشد و نرم کردن غذا در دهان را آسان می‌کند .

(۸۸)

درخت اراک (درخت مسواک)

نام قرآنی : خَمَط

نام فارسی : درخت مسواک

اشاره قرآنی : ۱۶ / سبأ

این آیه سوره سبأ در بحث مربوط به سدر و گز بیان شد . همان گونه که قبلاً ذکر شد ، خمط را مترجمان انگلیسی قرآن معمولاً به

معنای درختی که میوه‌ای تلخ دارد آورده‌اند. اما بسیاری از مفسران و مترجمان عربی؛ فارسی و اردو آن را اراک (عربی، فارسی) معنی کرده‌اند. اراک که در عربی شجره السواک نامیده می‌شود از درختان مهم عربستان است و اغلب از شاخه و ریشه آن برای مسواک استفاده می‌کنند. اخیراً بهره‌برداری از این درخت برای استفاده از عصاره چوب آن در خمیر دندان توجه (۸۹)

صنایع اروپایی و امریکایی را شدیداً جلب کرده است. گزارش داده‌اند که این عصاره محتوی مقدار زیادی نمک‌ها و رزین‌هایی است که برای تمیز کردن و براق کردن دندان‌ها مؤثر است. در چندین حدیث حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله به یارانش امر فرمود که دندان‌هایشان را هر روز مسواک بزنند. از آن حضرت روایت شده که فرمود «شما باید دهانتان را بشوید و این به معنای ستایش خداوند است». آن حضرت چنان توجهی به بهداشت دهان و دندان داشت که مرتباً به پیروانش توصیه می‌فرمود دندان‌هایشان را به نیکوترین وجهی مسواک بزنند. نقل شده که مسواک چندین خاصیت دارد. از آن جمله است سفید و خوشبو کردن دندان‌ها، محکم کردن و قوت بخشیدن به لثه‌ها و دندان‌ها و (۹۰)

روشنی بخشیدن به ذهن، افزایش حافظه، دفع سودا و بلغم، روشنی چشم، تحریک اشتها و دفع یبوست. (۱) حدیث

از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله نقل شده که فرمود: اگر امری بسیار مشکل نبود مسواک کردن را بر ائمتّم واجب می‌کردم. (۲)
 ۱- لوئیس، م.ا.، گیاهانی که برای تمیز کردن دندان به کار می‌روند.
 ۲- بخاری، محمد بن اسماعیل، الجامع الصحیح.
 (۹۱)

ریحان

نام قرآنی: ریحان

نام فارسی: شاه اسپرم، نازبویه

اشارات قرآنی:

۱- ۱۲ / رحمن

وَالْحَبُّ ذُو الْعَصْفِ وَالرَّيْحَانُ.

و دانه‌هایی که همراه با کاهند و نیز گیاهان خوشبو.

۲- ۸۹ / واقعه

فَرَوْحٌ وَرَيْحَانٌ وَجَنَّةُ نَعِيمٍ.

برای اوست آسایش و روزی و بهشت پر نعمت.

(۹۲)

آرتور آربری (۱)، پیکتال (۲) و یوسف علی (۳) همه ریحان را علفی خوشبو ترجمه کرده‌اند. تمامی قسمت‌های گیاه ریحان بسیار خوشبو است. برگ‌ها شامل یک نوع روغن اصلی است که مرکب از لینالول ال، متیل سنمیک و ترپنین است. تصور می‌شود که این گیاه محرک، قابض خون، مسکن، مدر و ضدنفخ باشد (۴). بویدن عصاره برگ
 ۱- قرآن کریم، ترجمه آرتور، ج.، آربری.

۲- قرآن کریم ، ترجمه محمد مردوک ، پیکتال و فاتح محمد جلندری .

۳- قرآن کریم ، ترجمه علامه عبدالله یوسف علی .

۴- بلاکو ، ن. و. ، راهنمای دارویی فوق العاده کشور .

(۹۳)

آن عطسه‌آور است و دماغ را پاکیزه می‌کند . برای درمان ناراحتی‌های خفیف روانی و هیستریک نیز مؤثر است . برای درمان دل‌درد و بیماری‌های پوستی نیز به کار می‌رود . دانه‌های لعابدار آن بسیار قابض است و برای بهبود اسهال روده‌ای تجویز می‌شود . تخم ریحان برای ناراحتی‌های مجاری ادراری مانند سوزنک و کم ادراری نیز مفید است . ریشه ریحان به عنوان مرهم به کار می‌رود . در اروپا از ریحان برای خوشبو کردن بعضی از غذاها استفاده می‌کنند .

(۹۴)

زراعت

نام قرآنی: زرع

نام فارسی: زراعت

اشارات قرآنی:

۱- انعام / ۱۴۱-۷- دخان / ۲۶

۲- نحل / ۸۱۱-۸- فتح / ۲۹

۳- کهف / ۹۳۲-۹- حجرات / ۲۹

۴- شعراء / ۱۴۸-۵- سجده / ۲۷

۶- زمر / ۲۱

در قرآن کریم در بسیاری از مواردی که به کشت و زرع اشاره شده کلمه زرع آمده

(۹۵)

است . هرچند در جزیره‌العرب رودی به نام نبود، اما فعالیت‌های کشاورزی از خصوصیات زندگی اعراب بود و این بیشتر به علت آبیاری از طریق سدهای بزرگ و وجود واحه‌ها امکان‌پذیر بود . تصوّر می‌شود که سدی عظیم در آن دوران وجود داشت . در قرآن کریم به چنین سدی اشاره شده است و آن سد عِزَم است که شکستن آن ویرانی بزرگی به دنبال داشت .

(۹۶)

زَقُوم

نام قرآنی: زَقُوم

نام فارسی: زَقُوم

اشارات قرآنی :

۱- اسراء / ۶۰

وَ اذْقُلْنَا لَكَ اِنَّ رَبَّكَ اَحَاطَ بِالنَّاسِ وَ مَا جَعَلْنَا الرُّءْيَا الَّتِي اَرَيْنَاكَ اِلَّا فِتْنَةً لِلنَّاسِ وَ الشَّجَرَةَ الْمَلْعُونَةَ فِي الْقُرْآنِ وَ نَحْوْفُهُمْ فَمَا يَزِيدُهُمْ اِلَّا طُغْيَانًا كَبِيرًا

و آن گاه که تو را گفتیم: پروردگارت بر همه مردم احاطه دارد و آنچه در خواب به

(۹۷)

تو نشان دادیم و داستان درخت ملعون(۱) که در قرآن آمده است چیزی جز آزمایش مردم نبود. ما مردم را می‌ترسانیم ولی تنها به کفر و سرکشی افزوده می‌شود.

۲- صافات / ۶۲ - ۶۸

أَذَلَّكَ خَيْرٌ نُزْلاً - أَمْ شَجَرَةُ الزُّقُومِ . إِنَّا جَعَلْنَاهَا فِتْنَةً لِلظَّالِمِينَ . إِنَّهَا شَجَرَةٌ تَخْرُجُ فِي أَصْلِ الْجَحِيمِ . طَلَعَهَا كَأَنَّه رُؤْسُ الشَّيَاطِينِ . فَإِنَّهُمْ لَا كَلُونَ مِنْهَا

۱- آیات عامه و اتفاق خاصه تأیید می‌کند که مراد از رؤیای در این آیه خوابی است که رسول درباره بنی‌امیه و شجره ملعونه این دودمان است. البته جمعی هم از مفسران گفته‌اند مراد از شجره قرآن زقوم است (رک: علامه سیدمحمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیرالقرآن، ترجمه کانون انتشارات محمدی، تهران، ۱۳۶۳، ج ۲۵، ص ۲۳۹).

(۹۸)

فَمَا لَوْ مِنْهَا الْبُطُونَ . ثُمَّ إِنَّ لَهُمْ عَلَيْهَا لَشَوْبًا مِنْ حَمِيمٍ . ثُمَّ إِنَّ مَرْجِعَهُمْ لِأَلَى الْجَحِيمِ .

آیا خورش را این بهتر یا درخت زقوم؟ ما آن درخت را برای ابتلای ستمکاران پدید آوردیم . درختی است که از اعماق جهنم می‌روید، میوه‌اش همانند سر شیاطین است، دوزخیان از آن می‌خورند و شکم انباشته می‌سازند و بر سر آن آمیزه‌ای از آب سوزان می‌نوشند و سپس بازگشتشان به همان جهنم است.

۳- دخان/ ۴۳ - ۴۸

إِنَّ شَجَرَتَ الزُّقُومِ . طَعَامُ الْإِثْمِ . كَأَلْمُهْلِ يَغْلَى فِي الْبُطُونِ . كَعَلْيِ الْحَمِيمِ . خُذُوهُ فَاعْتَلُوهُ إِلَى سَوَاءِ الْجَحِيمِ . ثُمَّ صُبُّوا فَوْقَ رَأْسِهِ مِنْ عَذَابِ الْحَمِيمِ

(۹۹)

هر آینه درخت زقوم، طعام گناه‌کاران است، همانند جوشیدن آب جوشان، بگیریدش و به سختی به میان جهنمش بکشید: و بر سرش آب جوشان بریزید تا شکنجه شود.

۴- واقعه / ۵۲ - ۵۶

لَا كَلُونَ مِنْ شَجَرٍ مِنْ زُقُومٍ فَمَا لَوْ مِنْهَا الْبُطُونَ فَشَارِبُونَ عَلَيْهِ مِنَ الْحَمِيمِ فَشَارِبُونَ شُرْبَ الْهَيْمِ هَذَا نُزْلُهُمْ يَوْمَ الدِّينِ

از درختان زقوم خواهید خورد و شکم‌های خود را پر خواهید کرد و بر سر آن آب جوشان خواهید نوشید. چنان می‌نوشید که شتر تشنه آب می‌نوشد. این است غذایشان در روز جزا.

(۱۰۰)

بنابر نقل المنجد (فرهنگ لغت عربی) زقوم درختی است در جهنم که غذای اهل جهنم از آن درخت است. در بعضی فرهنگ‌ها به معنای گیاهی خاردار و تلخ مزه آمده است. در قرآن مجید سه‌بار از این گیاه به نام زقوم اسم برده است و در یک جا هم به نام «شجره ملعونه»، درخت ملعون، از آن اسم برده است.

ابوالاعلی مودودی در تفهیم القرآن (۱) گفته است که درخت زقوم در تهامه می‌روید. این گیاه طعمی تلخ و بد دارد و شیرهای که از ساقه آن تراوش می‌شود سبب تاول زدن بدن آدمی شود.

قرآن مجید زقوم را آن چنان واضح توصیف کرده که با توجه به اطلاعات گیاهی

۱- مودودی، ابوالاعلاء، تفهیم القرآن، قاضی آباد، ۱۹۸۶ (اردو).

(۱۰۱)

و شیمیایی تعیین زقوم واقعی مشکل نیست. قبل از شناخت این گیاه سه صفتی را که قرآن به آن نسبت داده باید به یاد داشته باشیم.

اول، خوردن زقوم سبب ایجاد سوختگی در معده یا در داخل بدن می‌شود. دوم، تنه (سنبله‌های) آن شبیه سر شیطان است یعنی چیز بزرگ و گرد. سوم غذای گناه کاران که در این چهار آیه قرآن به آن اشاره شده شجره زقوم یا شجره الملعونه است. لذا منظور از غذای گناه کاران تمامی درخت است نه میوه آن به تنهایی .

(۱۰۲)

زیتون

نام قرآنی: زیتون

اشارات قرآنی:

۱- ۹۹ / انعام ۲- ۱۴۱ / انعام ۳- ۱۱ / نحل

۴- ۲۰ / مؤمنون

وَشَجَرَةً تَخْرُجُ مِنْ طُورِ سَيْنَاءَ تَنْبُتُ بِالذَّهْنِ وَ صَبِغٍ لِلْأَكْلِينَ

و درختی است که در طور سینا می‌روید. روغن می‌دهد و آن روغن برای خوردن گان نان خورشی است .

۵- ۳۵ / نور

اللَّهُ نُورُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكُوهُ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ

(۱۰۳)

فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُورٌ عَلَى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ

خدا نور آسمان‌ها و زمین است . مثل نور او چون چراغدانی است که در آن چراغی باشد ، آن چراغ درون آبگینه‌ای و آن آبگینه چون ستاره‌ای درخشانده . از روغن درخت پربرکت زیتون که نه خاوری است و نه باختری افروخته باشد . روغنش روشنی بخشد هرچند آتش بدان نرسیده باشد . نوری افزون بر نور دیگر . خدا هر کس را که بخواهد بدان نور راه می‌نماید و برای مردم مثل‌هایی آورد. زیرا بر هر چیز آگاه است .

۶- ۲۹ / عبس ۷- ۱- ۴ / تین

وَالَّذِينَ وَالزَّيْتُونَ. وَطُورِ سَيْنِينَ. وَهَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ. لَقَدْ خَلَقْنَا

(۱۰۴)

الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ.

سوگند به انجیر و زیتون ، سوگند به طور مبارک ، سوگند به این شهر ایمن ، که ما آدمی را در نیکوتر اعتدالی بیافریدیم . نام زیتون شش مرتبه در قرآن آمده است و یک بار در سوره مؤمنون / ۲۰ اشاره غیرمستقیم به درختی شده که روغن می‌دهد و در کوه سینا می‌روید . نام زیتون به تنهایی فقط دوبار آمده است در حالی که پنج بار همراه با دیگر میوه‌ها یعنی خرما ، انار ، انگور و انجیر از آن یاد شده است .

ایتالیا و اسپانیا عرضه کننده عمده این روغن به بازار جهانی می‌باشند .

زیتون ارزش دارویی زیادی دارد . در صورتی که به صورت خوراکی مصرف شود ماده‌ای مغذی ، آرام‌بخش و مسهلی ملایم است و زخم معده و اثنی عشر بیمار را

(۱۰۵)

بهبود می‌بخشد . و در مورد نارسایی‌های کلیوی به عنوان غذایی بدون ازت تجویز می‌شود . روغن زیتون ماده‌ای ملین است و

مصرف خارجی آن پوست بدن و تاول‌های سودا (اگرما) و داء‌الصدف را نرم می‌کند. این روغن برای ماساژ دادن نیز مناسب است و از ترکیبات مهم بسیاری از مرهم‌ها و ضمادها می‌باشد.

روغن زیتون سوخت مناسبی برای چراغ است. در سوره نور / ۳۵ این کاربرد زیتون به خوبی وصف شده است. کسانی که روغن زیتون را به کار برده یا دیده‌اند به سادگی این آیه را درک می‌کنند. نوع مرغوب روغن زیتون زرد کرمی رنگ، گاهی متمایل به سبز، چنان صاف و شفاف است که اگر در ظرفی شیشه‌ای ریخته شود حالت شیئی درخشان دارد و چون در چراغی بسوزد روشنی چراغ افزون می‌شود. این خاصیت زیتون در عبارت «نور علی نور» توصیف شده است.

(۱۰۶)

کبوتری با شاخه‌ای زیتون در منقار رمز جهانی صلح و وحدت است. این رمز از کشتی نوح سرچشمه می‌گیرد. بنابر روایتی (۱) هنگامی که خشم خداوند، که در طوفان ظاهر شده بود، کاهش یافت کبوتری با شاخه‌ای زیتون در منقارش ظاهر شد که نشانه آرامش و صلح بود.

یک حدیث

در حدیثی (۲۹) رسول خدا حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله به مردم توصیه می‌کند که از روغن زیتون برای خوردن و برای ماساژ دادن استفاده کنند زیرا از «شجره مبارکه» گرفته شده است.

۱- سفر پیدایش: ۸/۱۱.

(۱۰۷)

زنجبیل

نام قرآنی: زنجبیل

نام فارسی: زنجبیل شنکیل

اشاره قرآنی: ۱۷ / انسان (دهر)

وَيُشَقِّقُونَ فِيهَا كَأْسًا كَانَتْ مِزَاجُهَا زَنْجَبِيلًا

در آن جا جامی بنوشانندشان که آمیخته با زنجبیل باشد.

در این آیه خداوند به اهل بهشت وعده فرموده که به پاداش کارهای نیکویشان در دنیا به آنان شرابی می‌نوشاند با طعم زنجبیل. در تفسیر مظهري (۱) آمده که اعراب

۱- عثمانی، محمد ثناء الله، تفسیر مذهبی، ندوة المصنّفین، دهلی (اردو).

(۱۰۸)

علاقه زیادی به زنجبیل داشتند لذا خداوند بنابر ذائقه آنان چیزی وعده فرمود. ابوالاعلی مودودی می‌نویسد اعراب عادت داشتند زنجبیل را با آب نوشیدنی خود بیامیزند (۱).

زنجبیل محرک جهازهاضمه و برای هضم غذا بسیار مفید است. زنجبیل برای درمان سوءهاضمه، نفخ، قولنج، استفراغ، تشنج موضعی، حالت‌های دردناک معده و تنگی نفس بسیار مؤثر است. عصاره زنجبیل همراه با آب لیمو و نمک طعام اگر قبل از غذا خورده شود، برای بی‌اشتهایی سودمند است. همچنین در مورد صفرا و سرسام تجویز می‌شود. در مورد سوزش گلو و گرفتگی سینه و صدا یک تکه

۱- مودودی، ابوالاعلاء، تفهیم قرآن، قاضی آباد، ۱۹۸۶ (اردو).

(۱۰۹)

زنجبیل را می‌جویند تا بزاق خوب ترشح شود. عصاره زنجبیل برای درمان دیابت و رماتیسم مزمن و مراحل ابتدایی سیروز کبدی مفید است. دندان درد و سردردهای عصبی با خمیری از زنجبیل خشک و آب تسکین می‌یابد. ابن سینا خواص تقویتی بسیاری علاوه بر این خواص برشمرده است. جالینوس استفاده از زنجبیل را در مورد فلج و همه بیماری‌های ناشی از سردی تجویز می‌کند.

(۱۱۰)

سدر

نام قرآنی: سدره - سدر

نام فارسی: سدر

اشارات قرآنی:

۱- ۱۵- ۱۶ / سبأ

لَقَدْ كَانَ لِسَبَإٍ فِي مَسْكِنِهِمْ آيَةٌ جَنَّتَانِ عَنْ يَمِينٍ وَشِمَالٍ كُلُوا مِنْ رِزْقِ رَبِّكُمْ وَاشْكُرُوا لَهُ بَلَدَةٌ طَيِّبَةٌ وَرَبِّ غَفُورٌ
فَاعْرَضُوا فَاَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ سَيْلَ الْعَرِمِ وَبَدَّلْنَاهُمْ بِجَنَّتَيْهِمْ جَنَّتَيْنِ ذَوَاتِي أُكُلٍ خَمْطٍ وَأَثَلٍ وَشَيْءٍ مِنْ سِدْرٍ قَلِيلٍ
مردم سبأ را در مساکنشان عبرتی بود: دو بوستان داشتند، یکی از جانب راست و

(۱۱۱)

یکی از جانب چپ. از آنچه پروردگارتان به شما روزی داده است بخورید و شکر او را به جای آورید. شهری خوش و پاکیزه و پروردگاری آمرزنده. اعراض کردند، ما نیز سیل ویرانگر را بر آنها فرستادیم و دو بوستانشان را به دو بوستان بدل کردیم با میوه‌های تلخ و شوره گز و اندکی سدر.

۲- ۷- ۱۸ / نجم

وَهُوَ بِالْأُفُقِ الْأَعْلَى. ثُمَّ دَنَا فَتَدَلَّى. فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى. فَأَوْحَى إِلَى عَبْدِهِ مَا أَوْحَى. مَا كَذَبَ الْفُؤَادُ مَا رَأَى. أَفَتَمَارُونَهُ عَلَى مَا يَرَى. وَلَقَدْ رَأَاهُ نَزَّلَهُ أُخْرَى. عِنْدَ سِدْرَةِ الْمُنْتَهَى. عِنْدَهَا جَنَّةُ الْمَأْوَى. إِذْ يَغْشَى السُّدْرَةَ مَا يَغْشَى. مَا زَاغَ الْبَصَرُ وَمَا طَغَى.
و او به کناره آسمان بلند بود. سپس نزدیک شد و بسیار نزدیک شد. تا به قدر دو

(۱۱۲)

کمان یا نزدیک تر. و خداوند به بنده خود هرچه باید وحی کند وحی کرد. دل آنچه را که دید دروغ نشمرد. آیا در آنچه می‌بینید با او جدال می‌کنید؟ او را بار دیگر هم به دیده نزد سدره‌المنتهی که آرامگاه بهشت نزد آن درخت است. وقتی که سدره را چیزی در خود می‌پوشید چشم خطا نکرد و از حد درنگذشت. هر آینه پاره‌ای از آیات بزرگ پروردگارش را بدید.

۳- ۲۷- ۳۴ / واقعه

وَأَصْحَابُ الْيَمِينِ مَا أَصْحَابُ الْيَمِينِ. فِي سِدْرٍ مَخْضُودٍ. وَطَلْحٍ مَنضُودٍ. وَظِلٍّ مَمْدُودٍ. وَمَاءٍ مَسْكُوبٍ. وَفَاكِهَةٍ كَثِيرَةٍ. لَا مَقْطُوعَةٍ وَلَا مَمْنُوعَةٍ. وَفُرْشٍ مَرْفُوعَةٍ.
اما اصحاب سعادت. اصحاب سعادت چه حال دارند؟ در زیر درخت سدر

(۱۱۳)

بی‌خار و درخت موزی که میوه‌ای بر یکدیگر چیده شده. و سایه‌ای دایم. و آبی همواره جاری. و میوه‌ای بسیار. که نه منقطع می‌گردد و نه کس را از آن بازدارند. و زنانی ارجمند.

در قرآن مجید چهار بار نام کلمه سدره آمده است. دوبار در سوره نجم و دوبار در هر یک از سوره‌های واقعه و سبأ. فقط یک مورد (سوره سبأ) اشاره به این زمین خاکی و سه مورد دیگر وصف بهشت و آسمان‌هاست.

برای دریافت هویت واقعی و ماهیت حقیقی سدره باید به هدف قرآن از اشاره به این درخت توجه کرد. در هیچ یک از چهار آیه مربوط به سدر نشانه‌ای یا وصفی از میوه آن نیامده است. به علاوه در هیچ یک از این آیات خداوند کلمه سدر را همراه با درختان میوه‌دار دیگر مانند نخل، زیتون، انجیر، انگور و انار نام نبرده است. در

(۱۱۴)

چندین آیه قرآن نام این میوه‌ها و درختان میوه با هم آمده است اما در هیچ جا نام سدر همراه با آنها نیامده است. از این رو به روشنی معلوم است که منظور خداوند از ذکر سدره در واقع تنها بیان زیبایی، استحکام و عظمت درخت سدر بوده نه میوه آن. مثلاً در سوره نجم و سوره واقعه با ذکر کلمه سدره وصف بدیع و زیبایی از آسمان‌ها و بهشت آمده است در صورتی که در سوره سبأ سدر یک نوع از سه درخت استواری بود که از سیل بنیان‌کن عرم در امان ماند؛ دو درخت دیگر خردل و گز بود. سدره‌ای که وصف آن در قرآن آمده هیچ‌یک از این گونه‌های گیاهی نیست. زیرا در سوره نجم و واقعه وصف زیبایی درختان سدره آمده و در سوره سبأ از وجود آن در سرزمین سرد و کوهستانی یمن با ارتفاعی بیش از ۱۳۰۰ متر از سطح دریا سخن

(۱۱۵)

گفته است (۱). در چنین ارتفاعی گمان نمی‌رود که درخت کنار حتی به صورت غیر خودرو بروید. کنار را نمی‌توان درخت رعنا و مفید دانست به حدی که توصیف آن شایسته آیه‌هایی در مورد سدره المنتهی و بهشت باشد. و به این نکته باید توجه داشت که در آیه‌ها ذکر از میوه سدره نشده است. در این شرایط به ناچار نظر گروهی از مفسران را که گفته‌اند سدره ممکن است «درخت خوب دیگری» باشد باید بررسی کرد. این انگیزه‌ای می‌شود که امکان سدر لبنان را به عنوان سدر واقعی قرآن بررسی کنیم. نام علمی این درخت باشکوه سدر لبنانی «سدروس لبانی» است

۱- ندوی، سید سلیمان، تعلقات عربی و هندی، احمد آباد، ۱۹۳۰ (اردو)، ص ۶۴-۷۲.

(۱۱۶)

که معمولاً ارزالرب، شجره‌الله یا ارز لبنان نامیده می‌شود. این درخت در قلمرو گیاهان است. سدر لبنانی درختی است بسیار تناور که ارتفاع آن تا حدود ۵۰ متر و تنه آن تا حدود ۳ متر و دور درخت تا حدود ۱۵ متر می‌رسد. شاخ و برگ آن به رنگ سبزه تیره و شاخه‌هایی گسترده دارد. تمامی درخت با جلوه هماهنگ شاخ و برگ‌ها از دور شکوه و عظمت هر می بزرگ به آن می‌بخشد. احادیثی که از حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله نقل شده نشان می‌دهد که سدر قرآن همان درخت تناور سدر است نه بوته‌ای خاردار مانند کنار. برای مثال حدیثی است در سنن ابوداود (۵) که از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله نقل می‌کند: «هرکس درخت سدري را قطع کند سرنگون وارد جهنم خواهد شد». حدیثی شبیه به این در همان کتاب نقل شده: «در مکه از نبی اکرم حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله شنیدم که بَرَنده درخت سدر را لعنت فرمود». پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله این حدیث را در جریان امری فرمود که گروهی از مردم مکه از چوب

(۱۱۷)

سدر برای ساختن در استفاده می‌کردند. او این عمل را کاری ناپسند (بدعت) دانست. این احادیث پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله به روشنی نشان می‌دهد که سدره در واقع همان درخت ارز می‌باشد و انذار پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در مورد نابودی و قطع این درختان از توجه علمی او به ذخایر ثروت گیاهی و حفظ موازنه محیط زیست نشأت می‌گرفت و اگر هنوز جنگل‌های سدر در لبنان و سوریه دیده می‌شود به علت توجه مسلمانان به نگهداری این درختان بوده است. و چنانچه قطع این درختان جنگلی مجاز شمرده می‌شد درخت سدري در این زمان وجود نداشت. احادیث فوق بیشتر مربوط به درخت ارز است نه به درخت کنار. قطع درخت خودرو و بوته مانند کنار نمی‌تواند گناهی کبیره شمرده شود.

(۱۱۸)

در حدیثی در صحیح بخاری (۱) از حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله نقل شده که به اصحابش فرمود سدره المنتهی درختی بود بسیار تنومند که برگ‌هایش (شاخه‌هایش) شبیه گوش فیل بود و میوه‌اش مانند کوزه آب هاجر. اکنون هرکس این درخت را همراه با شاخه‌ها و مخروط‌هایش (یعنی میوه‌اش) از نزدیک ببیند تشبیهی را که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله بیان فرموده تحسین می‌کند.

احادیث زیادی در صحیح بخاری (۲)، ترمذی (۳) آمده که در آن توصیه شده

۱- بخاری، محمدبن اسماعیل، الجامع الصحیح.

۲- بخاری، محمدبن اسماعیل، الجامع الصحیح.

۳- ترمذی، محمدبن عیسی، الجامع الصحیح.

(۱۱۹)

است برای غسل دادن میت، برگ سدر را در آب گرم مخلوط کنند. در این جا فقط برگ سدر لبنانی و ارس خاردار مناسب‌ترین گیاه ضد عفونی کننده می‌باشد. زیرا هر دو گیاه محتوی روغنی بسیار مهم برای از بین بردن بو و ضد عفونی کردن است.

حدیث

عبدالله بن حبشی (ره) از پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله نقل کرده که فرمود: کسی که سدر را قطع کند. خداوند او را از سر وارد آتش می‌کند (۱).

۱- ابوداود، سنن.

(۱۲۰)

سیر

نام قرآنی: فوم

نام فارسی: سیر

اشاره قرآنی: ۶۱ / بقره

در زبان عربی سیر را ثوم می‌نامند اما نام قرآنی آن فوم است. سیر را به علت خواص دارویی آن همه می‌شناسند و به علت فراوانی آن که در دسترس همه قرار دارد آن را به عربی تریاق الفقرا (پادزهری برای فقیران) می‌نامند (۱). سیر برای مداوای امراض مختلف و برای معالجه فشار خون مفید است. گیاهی است گرم، محرک، ضدنفخ، قاعده آور (برای زنان)، ضد درداستخوان، ضد کرم، مقوی و

۱- دائرة المعارف پزشکی اسلام.

(۱۲۱)

برای درمان تنگی نفس بسیار مؤثر است (۱). سیر برای درمان ناراحتی‌های روده‌ای به عنوان ماده‌ای ضد عفونی کننده به کار می‌رود. در مورد سل ریوی عصاره سیر سرفه‌های شدید را کاهش می‌دهد. و به عنوان ماده‌ای خلط‌آور به کار می‌رود و برای سرباز کردن دمل نیز مؤثر است. مصرف آن با نمک طعام برای تسکین سردرد و آرامش اعصاب، نفخ معده و روده، هیستری و غیره مفید است. سیر برای درمان گلودرد، فلج، نقرس، سیاتیک و امراض پوستی مؤثر است. مصرف داخلی عصاره سیر برای درمان ناراحتی گوش و کری مفید است. در صورت دسترسی نداشتن به آنتی‌بیوتیک‌های معمولی، عصاره سیر را برای پیشگیری از عفونت باکتری‌ها و چرکی شدن زخم‌ها به کار می‌برند.

۱- بلاکو، ن.، راهنمای دارویی فوق العاده کشور.

(۱۲۲)

چند حدیث

۱- ابویوب (ره) نقل کرده: «او (پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله) روزی خورشی را که محتوی سیر بود تناول نفرمود» از او پرسیدم «آیا حرام است». فرمود: «خیر ولی من بوی آن را دوست ندارم» (۱).

۲- ابوسعید (ره) نقل کرده که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: «کسانی از شما که آن (سیرخام) را می‌خورید تا بوی آن برطرف نشده به مسجد نیایید» (۲).

۳- علی‌بن‌ابی‌طالب علیه‌السلام از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله نقل کرده که فرمود خود را با سیر معالجه کنید که هفتاد مرض را شفا می‌بخشد (دیلمی).

۱- مسلم بن حجاج، صحیح.

۲- ابن ماجه، سنن.

(۱۲۳)

شجره (درخت)

نام قرآنی: شجره

نام فارسی: درخت

اشارات قرآنی:

۱- بقره / ۱۲۳۵- لقمان / ۲۷

۲- اعراف / ۱۹، ۲۰، ۲۲- یس / ۸۰

۳- ابراهیم / ۲۴، ۲۶- صافات / ۶۲، ۶۴، ۱۴۶

۴- نحل / ۱۰، ۶۸- دخان / ۴۳

۵- اسراء / ۶۰- فتح / ۱۸

۶- طه / ۱۲۰- رحمن / ۶

۷- حج / ۱۸- واقعه / ۷۲

(۱۲۴)

۸- مؤمنون / ۹۲۰- نور / ۳۵

۱۰- نمل / ۱۱۶۰- قصص / ۳۰

در آیات فوق کلمه شجر به معنای درخت به کار رفته است. در بعضی از این آیات اشاراتی خاص به درختانی شده بدون آن که از آن‌ها نامی برده باشد. مثلاً از درخت ممنوع که سبب هبوط آدم شد نامی نیامده است. همچنین از درخت آتشناک که نقل شده حضرت موسی را متوجه خود کرد نیز نامی نیامده است. درباره چند نمونه از این درختان ذیلاً بحث می‌شود.

درخت ممنوع آدم

در سه آیه ضمن داستان نافرمانی آدم که سبب خروج او از بهشت شد (۳۵ / بقره، ۱۹ - ۲۲ / اعراف، ۱۲۰ / طه) نام درخت ممنوع آمده است. اما در هیچ یک از این

(۱۲۵)

آیات اشاره‌ای مستقیم یا غیرمستقیم به ماهیت این درخت نشده است. برای مثال در آیه ۳۵ / بقره می‌فرماید:

وَقُلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ وَكُلَا مِنْهَا رَغَدًا حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ

و گفتیم: ای آدم، خود و زنت در بهشت جای گیرید و هرچه خواهید و هر جا که خواهید، از ثمرات آن به خوشی بخورید و به این درخت نزدیک مشوید، که به زمره ستمکاران در آید.

درخت آشناک موسی

در سوره ۲۹ - ۳۰ / قصص داستان درخت آشناک به این صورت است:

(۱۲۶)

فَلَمَّا قَضَى مُوسَى الْأَجَلَ وَسَارَ بِأَهْلِهِ آنَسَ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ نَارًا قَالَ لِأَهْلِهِ امْكُثُوا إِنِّي آنَسْتُ نَارًا لَعَلِّي آتِيكُمْ مِنْهَا بِخَبَرٍ أَوْ جَذْوَةٍ مِنَ النَّارِ لَعَلَّكُمْ تَصْطَلُونَ فَلَمَّا آتَاهَا نُودِيَ مِنْ شَاطِئِ الْوَادِ الْأَيْمَنِ فِي الْبُقْعَةِ الْمُبَارَكَةِ مِنَ الشَّجَرَةِ أَنْ يَا مُوسَى إِنِّي أَنَا اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ

چون موسی مدت را به سر آورد و با زنش روان شد، از سوی طور آتشی دید. به کسان خود گفت: درنگ کنید. آتشی دیدم. شاید از آن خبری یا پاره آتشی بیاورم تا گرم شوید. چون نزد آتش آمد، از کناره راست وادی در آن سرزمین مبارک، از آن درخت ندا داده شد که: ای موسی، من خدای یکتا، پروردگار جهانیانم.

علاوه بر این آیه، دو آیه دیگر (۱۰ / طه، ۷ / نمل) نیز داستان این درخت آشناک را نقل می‌کند.

(۱۲۷)

در قرآن آمده که حضرت موسی با خانواده در صحرای سینا سفر می‌کرد که از دور درختی دید که گویا در حال سوختن بود. با نزدیک شدن به این درخت آتشی ندید و در عوض ندایی شنید که گفت «من خدای یکتا، پروردگار جهانیانم».

الشجرة (درخت)

رسول خدا حضرت محمد صلی الله علیه و آله همراه اصحابش از مدینه عازم مکه شد اما در حدیبیه توقف کرد و از اصحابش خواست که به او بیوندند و با او بیعت کنند (بیعة الرضوان). اصحابش دعوت او را به خوبی اجابت کردند. این واقعه در آیه ذیل در ۱۸ / فتح آمده است:

لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي

(۱۲۸)

قُلُوبِهِمْ فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ وَأَثَابَهُمْ فَتْحًا قَرِيبًا

خدا از مؤمنان آن هنگام که در زیر درخت با تو بیعت کردند، خشنود گشت و دانست که در دل‌شان چه می‌گذرد. پس آرامش بر آن‌ها نازل کرد و به فتوحی نزدیک پاداششان داد.

درختان آتش زا

برای تهیه آتش در قدیم دو سنگ یا چوب سخت را به هم می‌زدند یا به هم می‌مالیدند. رسم کهن اعراب این بود که دو چوب تراشیده را به هم بمالند که یکی از عفار و دیگری را مَرخ می‌نامیدند.

اشاره به آتش در درخت در این آیات قرآنی آمده است.

(۱۲۹)

الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ مِنَ الشَّجَرِ الْأَخْضَرِ نَارًا فَإِذَا أَنْتُمْ مِنْهُ تُوقَدُونَ
آن خدایی که از درخت سبز برایتان آتش پدید آورد و شما از آن آتش می‌افروزید .

واقعه / ۷۲

ءَأَنْتُمْ أَنْشَأْتُمْ شَجَرَتَهَا أَمْ نَحْنُ الْمُنشِئُونَ
آیا درختش را شما آفرینده‌اید یا ما آفریننده‌ایم ؟

درخت پاک و درخت ناپاک

ابراهیم / ۲۴

أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَ
(۱۳۰)

فَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ

آیا ندیده‌ای که خداوند چگونه مثل زد؟ سخن پاک چون درختی پاک است که ریشه‌اش در زمین استوار و شاخه‌هایش در آسمان است .

ابراهیم / ۲۶

وَمَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ اجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ
و مثل سخن ناپاک چون درختی ناپاک است ، که ریشه در زمین ندارد و برپا نتواند ماند .
(۱۳۱)

ضریع

نام قرآنی: ضریع

نام فارسی: ضریع

اشاره قرآنی : غاشیه / ۶- ۷

لَيْسَ لَهُمْ طَعَامٌ إِلَّا مِنْ ضَرِيعٍ لَا يُسْمِنُ وَلَا يُغْنِي مِنْ جُوعٍ
طعامی جز خار ندارند، که نه فربه می‌کند و نه رفع گرسنگی .
در آیه فوق بیان شده که ضریع، مانند زقوم، خوراک گناه کاران اهل جهنم است.
بعضی از مترجمان قرآن ضریع را کاکتوس معنی کرده‌اند .
(۱۳۲)

طوبی

نام قرآنی: طوبی

نام فارسی: طوبی

اشاره قرآنی : رعد / ۲۹

الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ طُوبَىٰ وَحَسُنَ مَا بَدَّ
زندگی خوش و بازگشتگاه نیکو از آن کسانی است که ایمان آورد کارهای شایسته کرده‌اند.
از ابن عباس رواست شده (۱) که طوبی لغتی است حبشی به معنای فردوس.

۱- نعمانی ، عبدالرشید و سید عبدالدائم جلالی ، لغة القرآن ، ندوة المصنّفین ، دهلی (اردو) .

(۱۳۳)

قُرْطَبِي طوبی نام درختی باشکوه، بلند و سایه‌دار در فردوس می‌باشد .

حدیثی (۱) در این زمینه وجود دارد به این معنا که «درختی در بهشت است به نام طوبی».

با توجه به نظر علما و به احادیث، می‌توان استنباط کرد که طوبی ممکن است نام دیگری برای درخت باشکوه سدر یا سدره باشد.

۱- حنبل ، احمد بن ، مسند بن حنبل .

(۱۳۴)

عدس

نام قرآنی : عدس

نام فارسی : عدس

اشاره قرآنی : ۶۱ / بقره

وَ اذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَى لَنْ نَصْبِرَ عَلَى طَعَامٍ وَاحِدٍ فَادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُخْرِجْ لَنَا مِمَّا تُنْبِتُ الْاَرْضُ مِنْ بَقْلِهَا وَقِثَّائِهَا وَفُومِهَا وَعَدَسِهَا وَبَصِلِهَا قَالَ اَتَّبِعْتُمُ الَّذِي هُوَ اذْنٰى بِالَّذٰى هُوَ خَيْرًا هَبْطُوا مُضِرًّا فَاِنَّ لَكُمْ مَسْئَلْتُمْ وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذِّلَّةُ وَالْمَسْكَنَةُ وَبَاؤُا بِغَضَبٍ مِنَ اللّٰهِ ذٰلِكَ بِاَنَّهُمْ كَانُوْا يَكْفُرُوْنَ بِآيَاتِ اللّٰهِ وَيَقْتُلُوْنَ النَّبِيِّنَ بِغَيْرِ الْحَقِّ ذٰلِكَ بِمَا عَصَوْا

(۱۳۵)

وَ كَانُوْا يَعْصُوْنَ .

و آن زمان را که گفتید : ای موسی ، ما بر یک نوع طعام نتوانیم ساخت از پروردگارت بخواه تا برای ما از آنچه از زمین می‌روید چون سبزی و خیار و سیر و عدس و پیاز برویاند . موسی گفت : آیا می‌خواهید آنچه را که برتر است به آنچه فروتر است بدل کنید ؛ به شهری بازگردید که در آن جا هر چه خواهید به شما دهند . مقرر شد بر آنها خواری و بیچارگی و خشم خدا را بر خود هموار ساختند و این بدان سبب بود که به آیات خدا کافر شدند و پیامبران را به ناحق کشتند و نافرمانی کردند و تجاوز ورزیدند .

این آیه اشاره‌ای است به واقعه فرار حضرت موسی و پیروانش از ظلم حاکمان

(۱۳۶)

(فرعون) مصر و ورود آنان به صحرای سینا ، بنی‌اسرائیل در زمان اقامت در این دشت پس از تمام کردن همه خوراکی‌هایی که با خود آورده بودند احساس گرسنگی کردند . خداوند غذایی یکنواخت که همان منّ و سلوی بود بر ایشان نازل کرد . آنان با میل و لذت این غذا را خوردند اما پس از مدتی که منّ و سلوی می‌خوردند از پیامبرشان خواستند برای آنان غذایی فراهم کند که آنان در زمان زندگی در مصر می‌خوردند یعنی سبزی ، خیار ، سیر ، عدس و پیاز .

در روزگاران قدیم عدس را برای تهیه نان به کار می‌بردند نه به عنوان حبوبات (۱). ثروتمندان نان پخته شده از آرد گندم می‌خوردند و

۱- ویلیس ، ج. س. ، فرهنگ گیاهان گلدار و سرخس ها .

(۱۳۷)

فقیران نان عدس .

عدس شامل حدود ۱۲٪ آب و ۶۰٪ مواد قندی مختلف است که نیمی از این مواد نشاسته می‌باشد و ۲۵٪ آن پروتئینی با کیفیتی

خوب است همراه با مقدار کمی فسفر و پتاسیم .

عدس ماده‌ای است مُدِر و مسهلی ملایم . خمیر عدس برای معالجه آبله مرغان و آبله و جوش‌های پوست مفید است .

(۱۳۸)

کافور

نام قرآنی : کافور

نام فارسی : کافور (حنا)

اشاره قرآنی : ۵ / انسان

إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا

نیکان از جام‌هایی می‌نوشند که آمیخته به کافور است .

در آیه فوق از شرابی با طعم کافور برای نوشیدن اهل بهشت نام برده است و در آیه ۱۷ همین سوره از شرابی نام برده که آمیخته به زنجبیل است.

تقریباً در تمام تفسیرها و ترجمه‌های قرآن مجید کافور را گیاهی از اصل کافور ،

(۱۳۹)

دانسته‌اند ، تفسیر عبدالماجد دریابادی مشخصات و صفات کافور را بیان کرده و گفته است که کافور بهشت اثرات نامطلوبی ندارد و با کافور زمین متفاوت است (۱) . در تفهیم القرآن ابوالاعلی مودودی آمده است که شراب بهشتی به روشنی و سردی کافور است . ولی آمیخته‌ای از آن نیست (۲) .

بیشتر فرهنگ‌های انگلیسی مانند فرهنگ آکسفورد و کمبریج ، چاپ اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم ، سه معنی برای کلمه کافور ذکر کرده‌اند . نخست ماده‌ای با بویی تند که از گیاهی مالزیایی به دست می‌آید . دوم ماده دارویی سفیدرنگی که از

۱- دریابادی ، عبدالماجد ، تفسیر قرآن ، تاج کمپنی ، لاهور (اردو).

۲- مودودی ، ابوالاعلاء ، تفهیم قرآن ، قاضی آباد ، ۱۹۸۶ (اردو) .

(۱۴۰)

گیاهی چینی به دست می‌آید و سوّم به معنای گیاه حنا .

ام عطیه نقل کرده که : «یکی از دختران پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله درگذشت و ایشان بیرون آمدند و فرمودند او را سه یا پنج مرتبه و اگر فکر می‌کنید لازم است پیش از آن با آب و سدر غسل دهید و در آخر آب کافور بر او بپاشید» . صحیح بخاری ، کتاب الجنائز (۱) .

۱- خان ، محمد محسن ، صحیح بخاری (عربی - انگلیسی) ، ج ۱ - ۹ ، دانشگاه اسلامی ، مدینه منوره ، عربستان .

(۱۴۱)

کدو

نام قرآنی : یقطین

نام فارسی : کدو

اشاره قرآنی : ۱۳۹ - ۱۴۶ / صافات

وَإِنَّ يُونُسَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ . إِذْ أَبَقَ إِلَى الْفُلْكِ الْمَشْحُونِ . فَسَاهَمَ فَكَانَ مِنَ الْمُدْحَضِينَ . فَالْتَقَمَهُ الْحُوتُ وَهُوَ مُلِيمٌ . فَلَوْلَا أَنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُسَبِّحِينَ .

لَلْبَيْتِ فِي بَطْنِهِ إِلَى يَوْمِ يُعْتَشُونَ. فَتَبَدَّنَاهُ بِالْعَرَاءِ وَهُوَ سَقِيمٌ
وَأُنْبِتْنَا عَلَيْهِ شَجَرَةً مِنْ يَقْطِينٍ.

و یونس از پیامبران بود ، چون به آن کشتی پر از مردم گریخت ، قرعه زدند و او
(۱۴۲)

مغلوب شد . ماهی بلعیدش و او در خور سرزنش بود . پس اگر نه از تسبیح گویان می‌بود ، تا روز قیامت در شکم ماهی می‌ماند .
پس او را که بیمار بود به خشکی افکندیم و بر فراز سرش بوته کدویی رویانیدیم .

در آیات فوق داستان یونس نبی نقل شده است . خداوند به او سفارش کرد به شهر نینوا مرکز آشور برود و از مردم بخواهد که از
جور و تعدی و ارتکاب گناه بپرهیزند و گرنه ممکن است گرفتار خشم خداوند شوند . لذا یونس به آنجا رفت و مردم را از خشم
خداوند برحذر داشت . مردم توجهی به اعلام او نکردند . او احساس نومیدی کرد و با سوار شدن بر کشتی از آنجا گریخت .
کشتی او با طوفانی سخت در دریا روبرو شد و کشتیان یونس را ، که باری غیر ضروری می‌دانست به دریا ، افکند . ماهی
(۱۴۳)

(نهنگی) بزرگ او را بلعید و سپس به خشکی انداخته شد و به سایه درختی که یقطین نام داشت پناه برد . او قدرت از دست رفته را
بازیافت و دوباره به نینوا رفت و در ابلاغ پیام خود موفق شد .

کدو از سبزی‌های مفید است و شامل پکتین ، ویتامین B ، ویتامین C ، کلسیم ، فسفر ، آهن ، پتاسیم و ید می‌باشد . کدو ماده‌ای
مدرّ و نیز برای درمان نفرس مفید است . روغن تخم کدو دارویی مؤثر برای تسکین سردرد می‌باشد . حضرت محمد رسول
الله صلی‌الله‌علیه‌وآله به کدو مانند هر میوه دیگری علاقمند بودند . چندین حدیث در سنن ترمذی و بخاری (۱) و غیره
در مورد کدو وجود دارد .

۱- بخاری ، محمد بن اسماعیل ، الجامع الصحیح .

(۱۴۴)

گز

نام قرآنی : ائـل

نام فارسی : گز

اشاره قرآنی : ۱۵ - ۱۶ / سبأ

لَقَدْ كَانَ لِسَبَإٍ فِي مَسْكِنِهِمْ آيَةٌ جَنَّتَانِ عَنْ يَمِينٍ وَشِمَالٍ كُلُوا مِنْ رِزْقِ رَبِّكُمْ وَاشْكُرُوا لَهُ بَلَدَهُ طَيِّبَةً وَرَبِّ غَفُورٌ. فَأَعْرَضُوا فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ
سَيْلَ الْعَرِمِ وَبَدَّلْنَاهُمْ بِجَنَّتَيْهِمْ جَنَّتَيْنِ ذَوَاتِنِ أَكُلِ خَمْطٍ وَائْتِلِ وَشَىءٍ مِنْ سِدْرٍ قَلِيلٍ

مردم سبأ را در مساکنشان عبرتی بود : دو بوستان داشتند ، یکی از جانب راست و یکی از جانب چپ . از آنچه پروردگارتان به شما
روزی داده است بخورید و شکر او را به جای آورید . شهری خوش و پاکیزه و پروردگاری آمرزنده . اعراض کردند ، ما
(۱۴۵)

نیز سیل ویرانگر را بر آنها فرستادیم و دو بوستانشان را به دو بوستان بدل کردیم با میوه‌ای تلخ و شوره گز و اندکی سدر .
سبأ ، که اکنون یمن نام دارد ، زمانی سرزمینی بود بسیار زیبا ، پر نعمت و حاصلخیز در جنوب عربستان . مرکز آن ، مآرب ، بر
تپه‌هایی قرار داشت به ارتفاع حدود ۱۳۰۰ متر از سطح دریا ((۱))، ((۲)). چون رودی قابل ذکر در آن منطقه نبود ، سدهایی بزرگ
برای ذخیره آب باران و استفاده از آن برای آبیاری ساخته بودند . ساختن یک چنین سد بزرگی در مآرب در سال‌ها قبل شاهکار
مهارت در مهندسی بود . از این سد برای آبیاری باغ‌ها و مزارع مناطق وسیع سبأ استفاده می‌شد . در سال ۵۴۲ میلادی یعنی

چندسالی قبل از ظهور اسلام این سد بناگاه فرو ریخت و سبب از بین رفتن نخلستان‌ها

۱- جتّی ، فیلیپ ، ک. ، تاریخ اعراب .

۲- ندوی ، سید سلیمان ، تعلقات عربی و هندی ، احمدآباد ، ۹۳۰ (اردو) ، ص ۶۴ - ۷۲ .

(۱۴۶)

و تاکستان‌ها و دیگر باغ‌های میوه شد . آنچه به نام درخت باقی ماند درختان تنومند خمط (اراک) ، اثل (گز) و سدر (سدر لبنانی) بود . آیه فوق سوره سبأ اشاره‌ای به این حادثه است .

اثل به طور اعم نام چند گونه گز است و به طور اخص نام گز معمولی (طرفاء) می‌باشد. گز طرفاء درختی است معمولی در جزیره‌العرب و به نظر می‌رسد درختی بسیار محکم باشد زیرا ریشه‌های آن تا عمق حدود هفت متر در زمین فرو می‌رود . درخت گز را در عربی به جز اثل به نام‌های دیگر مانند طرفاء نیز می‌شناسند .

درخت گز درختی است کاملاً محکم و از این رو هم عرض خمط (اراک) و سدر (سدر لبنانی) می‌باشد. این درختان حتی بعد از سیل ویرانگر مآرب پابرجا باقی ماندند.

(۱۴۷)

مَنْ

نام قرآنی : مَنْ

نام فارسی : ترنجبین ، گزانگبین

اشارات قرآنی :

۱- ۵۷ / بقیره

وَظَلَّلْنَا عَلَيْكُمُ الْغَمَامَ وَأَنْزَلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّاءَ وَالسَّلْوَى كُلُّوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَمَا ظَلَمْنَا وَ لَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ
و ابرر اسایاتان گردانیدیم و برایتان مَنْ و سلوی فرستادیم. بخورید از این چیزهای پاکیزه که شمارا روزی داده‌ایم . و آنان بر ما ستم نکردند ، بلکه بر خود ستم می‌کردند .

۲- ۱۶۰ / اعراف

وَقَطَعْنَا لَهُمْ عَشْرَةَ آسَابِطٍ أُمَمًا وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ إِذِ اسْتَسْقَاهُ قَوْمُهُ أَنْ اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانْبَجَسَتْ مِنْهُ اثْنَا عَشْرَةَ عَيْنًا قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ مَشْرَبَهُمْ وَظَلَّلْنَا عَلَيْهِمُ الْغَمَامَ وَأَنْزَلْنَا عَلَيْهِمُ الْمَنَّاءَ وَالسَّلْوَى كُلُّوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَمَا ظَلَمْنَا وَ لَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ.

(۱۴۸)

بنی اسرائیل را به دوازده سبط تقسیم کردیم . و چون قوم موسی از آب خواستند به او وحی کردیم که عصایت را بر سنگ بزن . از آن سنگ دوازده چشمه روان شد و هر گروه آبشخور خویش را بشناخت . و ابر را سایانشان ساختیم و بر ایشان مَنْ و سلوی نازل کردیم . بخورید از این چیزهای پاکیزه که بر شما روزی داده‌ایم . و آنان به ما ستم نکردند بلکه به خودشان ستم می‌کردند .

۳- ۸۰- ۸۱ / طه

يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ قَدْ أَنْجَيْنَاكُمْ مِنْ عَدُوِّكُمْ وَوَعَدْنَاكُمْ جَانِبَ الطُّورِ الْأَيْمَنِ وَنَزَّلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّاءَ وَالسَّلْوَى.

(۱۴۹)

كُلُّوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَلَا تَطْغَوْا فِيهِ فَيَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبِي وَمَنْ يَحْلِلْ عَلَيْهِ غَضَبِي فَقَدْ هَوَى.

ای بنی اسرائیل، شما را از دشمنان رهانیدیم و با شما در جانب راست کوه طور وعده نهادیم و برایتان منّ و سلوی نازل کردیم. از چیزهای پاکیزه که شما را روزی داده‌ایم بخورید و از حد مگذرانیدش تا مبادا خشم من به شما رسد، که هرکس که خشم من به او برسد: در آتش افتد.

ابوریحان محمدبن احمد بیرونی (۳۶۲ - ۴۴۰ هـ) (۱) اولین فردی بود که ثابت

۱- مولدنگه، ه. ن. و. ا. ل، مولدنگه، گیاهان کتاب مقدس (۱۵۰)

کرد ترنجبینی که از گیاهی به نام «الحاج» به دست می‌آید همان منّ قرآن است. او گفته است حشرات بسیار کوچکی که روی بعضی از این درختان زندگی می‌کنند مولد ترنجبین می‌باشند. کلمه «ترنجبین» معرّب کلمه فارسی «ترانگبین» است. (تر به معنی تازه و انگبین به معنای عسل است). (۱)

در سال ۱۲۳۷ / ۱۸۲۲ ی.ل. بورکهارت (J.L.Burckhard) نویسنده کتاب معروف سفرنامه سوریه و سرزمین مقدس نقل کرد که روی بعضی درختان در سرزمین

۱- مقاله‌ای علمی در این مورد به فارسی نوشته شده است. رک: نفیسی، دکتر ابوتراب، «تحقیق درباره ماهیت منّ و سلوی که در بیابان سینا بر بنی اسرائیل نازل شد»، نشریه دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد، شماره ۲۴، پاییز ۱۳۵۶.

(۱۵۱)

فلسطین و شام حشراتی به سر می‌برند که صمغی شیرین تولید می‌کنند. بورکهارت، که در مصر مشهور به شیخ برکات بود نقل (۱) می‌کند که این حشرات تنه درخت میزبان را نیش می‌زنند و در گرمای شدید روزهای آفتابی این درخت مایعی تراوش می‌کند که در شب‌های سرد به صورت صمغ منعقد می‌شود.

در نیمه قرن نوزدهم به خوبی روشن شد که درختان صحرای سینا ماده‌ای قندی ترشح می‌کنند. بعداً، روایت کردند که مردمان اطراف صحرای سینا منّ را از درختان جمع‌آوری و از آن در خوراکی‌های شیرین استفاده می‌کردند (۲). در حقیقت

۱- ندوی، سید سلیمان، تعلقات عربی و هندی، احمدآباد، ۱۹۳۰ (اردو)، ص ۶۴ - ۷۲.

۲- مولدنگه، ه. ن. و. ا. ل، مولدنگه، گیاهان کتاب مقدس (۱۵۲)

برای بعضی از قبایل این ناحیه این شیره گیاهی تنها منبع شیرینی بود.

براساس تحقیقات علمی که تاکنون انجام شده، می‌توان گفت که منّی که در قرآن آمده از دو گونه مختلف گیاه به دست می‌آمده است. یکی گیاهی به نام «الحاج» یا «عاقول» (خارشر) به نام علمی «الحاجی موروروم» که بوته‌ای خاردار و خوراکی مناسبی برای شتر است و از این رو «شوک الجمل» و یا در فارسی «خارشر» نام دارد. طول این بوته معمولاً کمتر از یک متر است اما ریشه‌های بسیار بلند دارد که گاهی تا عمق بین ۵ تا ۷ متر در زمین فرو می‌رود. علاوه بر صحرای سینا و سوریه و دیگر کشورهای عربی این گیاه در ایران و هند و پاکستان نیز دیده می‌شود و بیشتر در شوره‌زار می‌روید. ایران امروزه منبع اصلی منّ است که محصول آن ترنجبین نامیده می‌شود.

در قرآن در سه مورد نام منّ آمده است و در هر سه آیه با کلمه سلوی (بلدرچین)

(۱۵۳)

همراه است. این آیات به روشنی دلالت دارد بر این که خوراکی شامل ئیدرات‌های کربن شیرین (منّ) و ماده‌ای پروتئینی و چرب (سلوی) برای بنی اسرائیل نازل می‌شد که برنامه غذایی متوازی بود. در غیر این صورت صدها هزار بنی اسرائیلی نمی‌توانستند تنها با

خوردن من شیرین مدت چهل سال (۱۴۹۱ - ۱۴۵۱ ق.م.) به زندگی ادامه دهند. اشاره قرآن به «سایه ابرها» در سوره اعراف و طه بسیار مهم و پرمعنی است. این دلالت دارد که میلیون‌ها درختی که در چنین مقیاس وسیعی برای این همه مردم من فراهم می‌کرد سایه‌دار نبود. و خداوند متعال ابرها را سایبان آنان قرار داد تا از آفتاب سوزان در امان باشند. لازم است متذکر شویم که «الحاج» یا خارشتر بوته‌ای کوچک است و نمی‌تواند بر آدمی سایه افکند. گزانگبین نیز درختی است کوچک با برگهایی ریز و فشرده که مناسب این منظور نیست. از این رو اگر چه تعداد این درختان در نواحی سینا بسیار زیاد بود اما سایبانی مناسب برای بنی اسرائیل (۱۵۴)

در دوران سرگردانی‌شان نبود. اگرچه این درختان به طور اعم و خارشتر به طور اخص، پناهگاه مناسبی بود برای تولید و پرورش پرندگان یعنی سلوی (بلد چین) که بنی اسرائیل به سادگی به آن دسترسی داشتند. من دارای ارزش غذایی بسیار زیادی است.

یک حدیث درباره من

سعید بن زید روایت کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: دنبان گیاهی از من است و آب آن شفای چشم می‌باشد کتاب التفسیر صحیح بخاری (۱)
 ۱- خان، محمد محسن، صحیح بخاری، (عربی - انگلیسی)، ج ۱ - ۹، دانشگاه اسلامی، مدینه منوره، عربستان. (۱۵۵)

موز

نام قرآنی: طلح

نام فارسی: افاقیا

اشاره قرآنی: ۲۷ - ۳۴ / واقعه

وَ أَصْحَابُ الْيَمِينِ مَا أَصْحَابُ الْيَمِينِ. فِي سِدْرٍ مَّخْضُودٍ. وَ طَلْحٍ مَّنْضُودٍ. وَ ظِلِّ مَمْدُودٍ. وَ مَاءٍ مَّسْكُوبٍ. وَ فَاكِهَةٍ كَثِيرَةٍ. لَا مَقْطُوعَةٍ وَ لَا مَمْنُوعَةٍ. وَ فُرْشٍ مَّرْفُوعَةٍ.

اما اصحاب سعادت. اصحاب سعادت چه حال دارند؟ در زیر درخت سدر بی‌خار و درخت موزی که میوه‌ای بر یکدیگر چیده شده. و سایه‌ای داریم. و آبی همواره جاری. و میوه‌ای بسیار. که نه منقطع می‌گردد و نه کس را از آن بازدارند. و زنانی ارجمند.

(۱۵۶)

میوه

نام قرآنی: فاکهه، ثمر

نام فارسی: میوه، ثمر

اشارات قرآنی:

۱ - بقره / ۲۲، ۲۵، ۱۲۶، ۱۵۵، ۲۶۶ - انعام / ۹۹، ۱۴۱

۳ - اعراف / ۵۷، ۱۳۰ - رعد / ۳

۵ - ابراهیم / ۳۲، ۳۷ - نحل / ۱۱، ۶۷، ۶۹

۷ - کهف / ۳۴، ۴۲، ۳۲ - مؤمنون / ۱۹

۹- فاطر / ۲۷ / ۱۰ - یس / ۳۵، ۵۷

(۱۵۷)

۱۱- صافات / ۱۲ / ۴۲ - ص / ۵۱

۱۳- فصلت / ۱۴ / ۴۷ - زخرف / ۷۳

۱۵- دخان / ۱۶ / ۵۵ - محمد صلی الله علیه و آله / ۱۵

۱۷- طور / ۱۸ / ۲۲ - رحمن / ۱۱، ۵۲، ۶۸

۱۹- واقعه / ۲۰ / ۳۲ - مرسلات / ۴۲

۲۱- عبس / ۳۱

کلمات ثمر و فاکهه به معنای میوه در آیات فوق آمده است. در تمامی این آیات خداوند به مردمان آگاهی داده که به خاطر ارزانی داشتن انواع میوه‌ها به آنان سپاسگزار او باشند. برای مثال در سوره بقره / ۲۲ خداوند می‌فرماید:

(۱۵۸)

الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ فِرَاشًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ فَلَا تَجْعَلُوا لِلَّهِ أَنْدَادًا وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ

آن خداوندی که زمین را چون فراشی بگسترد و آسمان را چون بنایی بیفراشت و از آسمان آبی فرستاد و بدان آب برای روزی شما از زمین هر گونه ثمره‌ای برویانید و خود می‌دانید که نباید برای خدا همتایی قرار دهید.

(۱۵۹)

نخل

نام قرآنی : نخل نخیل

نام فارسی : نخل ، خرما .

اشارات قرآنی

۱- ۲۶۶ / بقره

أَيُّودُ أَحَدُكُمْ أَنْ تَكُونَ لَهُ جَنَّةٌ مِنْ نَخِيلٍ وَأَعْنَابٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ لَهُ فِيهَا مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ وَأَصَابَهُ الْكِبَرُ وَلَهُ ذُرِّيَّةٌ ضُعَفَاءُ فَأَصَابَهَا إِعْصَارٌ فِيهِ نَارٌ فَاحْتَرَقَتْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ.

آیا از میان شما کسی هست که دوست داشته باشد که او را بوستانی از خرما و انگور بوده باشد و جوی‌ها در پای درختانش جاری باشد و هر گونه میوه‌ای دهد . و

(۱۶۰)

خود پیر شده و فرزندان ناتوان داشته باشد ، بناگاه گردبادی آتشناک در آن بوستان افتد و بسوزد ؟ خدا آیات خود را برای شما این چنین بیان می‌کند ، باشد که بیندیشید .

۲- ۹۹ / انعام

وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ نَبَاتَ كُلِّ شَيْءٍ فَأَخْرَجْنَا مِنْهُ خَضِرًا نُخْرِجُ مِنْهُ حَبًّا مَاتْرَاكِبًا وَمِنَ النَّخْلِ مِنْ طَلْعِهَا قِنْوَانٌ دَانِيَةٌ وَجَنَّاتٍ مِنْهَا أَعْنَابٌ وَالزَّيْتُونَ وَالرُّمَّانَ مُشْتَبِهًا وَغَيْرَ مُتَشَابِهٍ انظُرُوا إِلَى ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَيَنْعِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ.

اوست خدایی که از آسمان باران فرستاد و بدان باران هر گونه نباتی را رویندیم و از آن نبات ساقه‌ای سبز و از آن دانه‌هایی بر

یکدیگر چیده و نیز از جوانه‌های نخل خوشه‌هایی سر فروهشته پدید آوردیم و نیز بستان‌هایی از تاک‌ها و زیتون و انار،
(۱۶۱)

همانند و ناهمانند. به میوه‌هایش آن‌گاه که پدید می‌آیند و آن‌گاه که می‌رسند بنگرید که در آن‌ها عبرت‌هاست برای
آنان که ایمان می‌آورند.

۳- ۱۴۱ / انعام

و هُوَ الَّذِي أَنْشَأَ جَنَّاتٍ مَعْرُوشَاتٍ وَغَيْرِ مَعْرُوشَاتٍ وَالنَّخْلَ وَالزَّرْعَ مُخْتَلِفًا أُكْلُهُ وَالزَّيْتُونَ وَالزُّمَانَ مُتَشَابِهًا وَغَيْرَ مُتَشَابِهٍ كُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَآتُوا
حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ.

و اوست که باغ‌هایی آفرید نیازمند به داربست و بی‌نیاز از داربست و درخت خرما و کشتزار، با طعم‌های گوناگون و زیتون و انار،
همانند، در عین حال ناهمانند. چون ثمره آوردند از آن‌ها بخورید و در روز درو حق آن را نیز پردازید و اسراف مکنید که
خدا اسرافکاران را دوست ندارد.

(۱۶۲)

۴- ۴ / رعد

و فِي الْأَرْضِ قِطْعٌ مُتَجَاوِرَاتٌ وَجَنَّاتٌ مِنْ أَعْنَابٍ وَزُرْعٌ وَنَخِيلٌ صِهْنُونَ وَغَيْرِ صِهْنُونَ يُسْقَى بِمَاءٍ وَاحِدٍ وَنُفِضَ لُبُّهَا عَلَى بَعْضِ فِي
الْأُكْلِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ.

و بر روی زمین قطعه‌هایی است در کنار یکدیگر و باغ‌های انگور و کشتزارها و نخل‌هایی که دو تنه از یک ریشه رسته است یا یک
تنه از یک ریشه و همه به یک آب سیراب می‌شوند و در ثمره، بعضی را بر بعضی دیگر برتری نهاده‌ایم. هر آینه در این‌ها برای
خردمندان عبرت‌هاست.

۵- ۱۱ / نحل

يُنَبِّئُكُمْ بِهِ الزَّرْعَ وَالزَّيْتُونَ وَالنَّخِيلَ وَالْأَعْنَابَ وَمِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ
(۱۶۳)

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ.

و با آن برایتان کشتزار و زیتون و نخل‌ها و تاکستان‌ها و هر نوع میوه برویاند، در این عبرتی است برای مردمی که می‌اندیشند.

۶- ۶۷ / نحل

و مِنْ ثَمَرَاتِ النَّخِيلِ وَالْأَعْنَابِ تَتَّخِذُونَ مِنْهُ سَكَرًا وَرِزْقًا حَسَنًا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ.

و از میوه‌ها نخل‌ها و تاک‌ها شرابی مستی‌آور و رزقی نیکو به دست می‌آورید و خردمندان را در این عبرتی است.

۷- ۹۱ / اسراء

أَوْ تَكُونَ لَكَ جَنَّةٌ مِنْ نَخِيلٍ وَعِنَبٍ فَتُفَجَّرَ الْأَنْهَارَ خِلَالَهَا تُفَجِّرًا.

(۱۶۴)

یا تو را بستانی باشد از درختان خرما و انگور که در خلالش نهرها جاری گردانی.

۸- ۳۲ / كهف

وَاضْرِبْ لَهُمْ مَثَلًا رَجُلَيْنِ جَعَلْنَا لِاحِدِهِمَا جَنَّتَيْنِ مِنْ أَعْنَابٍ وَحَفَفْنَاهُمَا بِنَخْلٍ وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمَا زَرْعًا

برایشان داستان دومرد را بیان کن که به یکی دو تاکستان داده بودیم و بر گرد آن‌ها نخل‌ها و در میانشان کشتزار کرده بودیم.

۹- ۲۳ / مریم

فَاجَاءَهَا الْمَخَاضُ إِلَى جِدْعِ النَّخْلَةِ قَالَتْ يَا لَيْتَنِي مِتُّ قَبْلَ هَذَا وَكُنْتُ نَسِيًا مَنْسِيًا
درد زائیدن او را به سوی تنه درخت خرما می کشانید . گفت ای کاش پیش
(۱۶۵)

از این مرده بودم و از یادهای فراموش شده بودم .

۱۰ - ۲۵ / مریم

وَهُزِّي إِلَيْكِ بِجِذْعِ النَّخْلِ تُسَاقِطُ عَلَيْكِ رُطَبًا جَنِيًّا

نخل را بجنبان تا خرماى تازه چیده برایت فرو ریزد .

۱۱ - ۷۱ / طه

قَالَ امْنْتُمْ لَهُ قَبْلَ أَنْ أَدْنِ لَكُمْ إِنَّهُ لَكَبِيرُكُمْ الَّذِي عَلَّمَكُمُ السِّحْرَ فَلَا فَطَنَ آيْدِيكُمْ وَارْجُلَكُمْ مِنْ خِلَافٍ وَلَا صِدْقَ لِبَنَاتِكُمْ فِي جُدُوعِ النَّخْلِ وَ
لَتَعْلَمُنَّ آيَاتُنَا أَشَدَّ عَذَابًا وَأَبْقَى

فرعون گفت : آیا پیش از آن که شما را رخصت دهم به او ایمان آوردید ؟ او بزرگ شماست که به شما جادوگری آموخته است .
دست‌ها و پاهایتان را از چپ و

(۱۶۶)

راست می برم و بر تنه درخت خرما به دارتان می آویزم . تا بدانید که عذاب کدام یک از ما سخت تر و پاینده تر است .

۱۲ - ۱۹ / مؤمنون

فَأَنْشَأْنَا لَكُمْ بِهِ جَنَّاتٍ مِنْ نَخِيلٍ وَأَعْنَابٍ لَكُمْ فِيهَا فَوَاكِهُ كَثِيرَةٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ

با آن برایتان بوستان‌هایی از خرما و انگور پدید آوردیم . شمارا در آن باغ‌ها میوه‌های بسیاری است که از آن‌ها می خورید .

۱۳ - ۱۴۸ / شعراء

وَزُرُوعٍ وَنَخْلٍ طَلْعُهَا هَضِيمٌ

و کشتزارها و نخل‌ها با آن شکوفه‌های نرم و لطیف ؟

(۱۶۷)

۱۴ - ۳۴ / یس

وَجَعَلْنَا فِيهَا جَنَّاتٍ مِنْ نَخِيلٍ وَأَعْنَابٍ وَفَجَّرْنَا فِيهَا مِنَ الْعُيُونِ

و در آن باغ‌هایی از نخل‌ها و تاک‌ها پدید آوردیم و چشمه‌ها را روان ساختیم .

۱۵ - ۱۰ / ق

وَالنَّخْلَ بَاسِقَاتٍ لَهَا طَلْعٌ نَضِيدٌ

و نخل‌های بلند با خوشه‌های برهم چیده .

۱۶ - ۲۰ / قمر

تَنْزِعُ النَّاسَ كَأَنَّهُمْ أَعْجَازُ نَخْلٍ مُنْقَعِرٍ .

که مردمان را از زمین ، همانند ریشه‌های از جای کنده نخل ، برمی کند .

۱۷ - ۱۱ / رحمن

(۱۶۸)

فِيهَا فَاكِهَةٌ وَالنَّخْلُ ذَاتُ الْأَكْمَامِ .

در آن میوه‌هاست و نخل‌ها . با خوشه‌هایی که در غلافند .

۱۸ - ۶۸ / رحمن

فِيهِمَا فَاكِهَةٌ وَ نَخْلٌ وَ رُمَّانٌ .

در آن دو ، میوه هست و نخل هست و انار هست .

۱۹ - ۷ / حاقه

سَخَّرَهَا عَلَيْهِمْ سَبْعَ لَيَالٍ وَ ثَمَانِيَةَ أَيَّامٍ حُسُومًا فَتَرَى الْقَوْمَ فِيهَا صَرْعَى كَأَنَّهُمْ أُعْجَازُ نَخْلٍ خَاوِيَةٍ .

آن عذاب را هفت شب و هشت روز پی در پی بر آنان بگماشت . آن قوم را چون تنه‌های پوسیده خرما می‌دیدید که افتاده‌اند و مرده‌اند .

(۱۶۹)

۲۰ - ۲۹ / عبس

وَ زَيْتُونَا وَ نَخْلًا

و زیتون و نخل .

در قرآن مجید نام بسیاری از میوه‌ها و درختان میوه آمده است . ولی نام محل پیش از همه این‌ها تکرار شده است . کلمه نخل (جمع آن نخیل) و نخله در بیست آیه قرآن آمده است که همه این آیات در این مورد نقل شد . شایان ذکر است که در هشت آیه نام نخل به تنهایی ذکر شده در دوازده آیه دیگر در جمع میوه‌هایی دیگر مانند زیتون ، انار و انگور ذکر شده است . به جز کلمه نخل نام نوعی خاص از درخت خرما به نام لینه در سوره حشر / ۵ آمده است . در دو آیه (۵۳ و ۱۲۴) سوره نساء کلمه «نقیر» آمده که به معنای «گودی بر پشت هسته خرما» می‌باشد ؛ یعنی چیزی

(۱۷۰)

بی‌ارزش . «قطمیر» کلمه دیگری است که در قرآن در سوره فاطر / ۱۳ آمده است نیز به معنای چیزی بی‌اهمیت است هر چند در لغت به معنای پوست نازک بین خرما و هسته آن می‌باشد . کلمه «نوی» در سوره انعام / ۹۵ را علامه عبدالله یوسف علی (۱) هسته خرما معنی کرده است هر چند بسیاری از دیگر مفسران آن را هسته هر نوع میوه‌ای می‌دانند . همچنین کلمه «عرجون» به معنی چوب هلالی شکل خوشه خرماست که خشکیده و به شکل داس برآمده است که در سوره یس / ۳۹ هلال ماه به آن تشبیه شده است . کلمات «جبل» و «دُسیر» را که در سوره لهب / ۵ و قمر / ۱۳ به ترتیب آمده است . علامه یوسف علی (یادداشت ۵۱۳۸) لیف خرما معنی کرده است .

۱- قرآن کریم ، ترجمه علامه عبدالله یوسف علی

(۱۷۱)

درخت خرما در زبان عربی «نخل» و میوه آن «تمر» نامیده می‌شود . کلمه فارسی «خرما» برای میوه این درخت کاربردی عام دارد . تصور می‌شود که پرورش و کاشت درخت خرما ۶۰۰۰ تا ۸۰۰۰ سال قبل در بین‌النهرین آغاز شد . احتمالاً هیچ درخت میوه دیگری در آن زمان به جز درخت خرما در جایی کاشته نمی‌شد و شاید به همین علت خرما همیشه با تمدن و فرهنگ بشری همراه بوده است . فونیکس اسم عمومی خرما همچنین نام پرنده‌ای افسانه‌ای (ققنوس) است . نقل شده که این پرنده چندین هزار سال قبل در صحرای کبیر عربستان وجود داشته است . سنّ متوسط این پرنده پانصد تا ششصد سال بود و پس از آن خود را می‌سوزاند و دوباره از خاکستر خودش برای دوره زندگی جدید ظاهر می‌شد . ادبیات یونان و روم قدیم پر از داستان‌هایی است درباره امکان ارتباط

بین

(۱۷۲)

درخت خرما و ققنوس .

بنابر ضرب‌المثل کهنی عربی فواید درخت خرما به اندازه تعداد روزهای سال است . و ظاهراً نیز چنین است ، زیرا خرما واقعا فواید گوناگونی دارد . از چوب آن در بنایی استفاده می‌شود و برگ‌های بزرگ آن (که گاهی شاخه نامیده می‌شود) برای ساختن چندین کار دستی مانند بادبزن ، طناب ، چوبدستی ، حصیر و غیره به کار می‌رود . بنابر سنتی قدیمی عادت اعراب بر این بود که در مراسم شادمانی همگانی برگ‌های درخت خرما را در دست می‌گرفتند و به صورت دسته‌هایی از معابر می‌گذشتند . هسته خرما اگر خیسانده و آرد شود غذای مناسبی برای دام می‌باشد . خرما علاوه بر آن که میوه‌ای شیرین و لذیذ است بهترین ماده غذایی برای انسان است . خرما شامل بیش از ۶۰٪ قند تبدیل شده و دکستروز به اضافه مقداری زیادی

(۱۷۳)

ساکاروز و پروتئین ، پکتین ، تانین ، سلولز ، نشاسته و چربی به نسبت‌های متفاوت است (۱) . مقدار زیادی ویتامین‌های A و B و C نیز در آن وجود دارد . به علاوه ترکیبات معدنی آهن ، سدیم ، کلسیم ، گوگرد ، کلر و فسفر در خرما دیده می‌شود . خرما خوراکی ، مانند عسل ، در ساختن شیرینی ، نوشابه ، شکر و شربت‌های شیرین به کار می‌رود . خرما درختی دوپایه است یعنی درخت نر و ماده آن بر دو ساقه جداگانه می‌روید و گرده افشانی بین گل‌های دو درخت سبب تولد میوه می‌شود . یک درخت خرما نر برای گرده افشانی یکصد درخت ماده کافی است . باغ خرما نخلستان نامیده

۱- ثروت هند ، مواد خام .

(۱۷۴)

می‌شود که به معنی واحه نیز می‌باشد . مشهور است که اگر در نخلستانی درختان خرما نر وجود نداشته باشد هیچ‌یک از درختان آن نخلستان میوه نخواهد داد . پیش از ظهور اسلام مردمان قبایل عربستان درختان خرما مخصوصاً درختان خرما نر قبایلی را که با آنان دشمنی داشتند قطع و نابود می‌کردند . مسلمانان با این عمل قطع درختان مخالفت و آن را منع کردند . این گونه رفتار با درختان را فساد فی الارض می‌دانستند . حتی به هنگام جنگ به امیران لشکری دستور می‌دادند که به مردم بی‌گناه آزار نرسانند و درختان سبز را نبرند . این حساسیت شدید نسبت به حفظ درختان اندیشه‌ای انقلابی بود و راهی عملی برای گسترش جامعه‌ای انسانی . یک بار ، به هنگام مقابله با بنی‌نضیر ، مسلمانان ناچار شدند درختان خرما نر را ببرند تا پیشرفت نیروها را ممکن سازد . این عمل آنان را به شدت اندوهگین کرد . در آن

(۱۷۵)

هنگام بود که آیه ۵ از سوره حشر نازل شد و اندوه مسلمانان را تسکین بخشید و در شرایط دشوار اجازه انجام چنین کاری به آنان داد . خرما از نظر پزشکی بسیار باارزش (۱) . آرام بخش و ملین و محرک قلب است و از فراموشی جلوگیری می‌کند . برای ناراحتی‌های تنفسی به طور کلی و به ویژه برای تنگی نفس (آسم) مفید است . خرما لنت آور ، مدبر و مقوی قوه باه است . (۲) و با توجه به تمام خواص و ترکیباتش می‌توان آن را غذایی کامل و نیروبخش دانست . ضماد آرد هسته خرما برای شفای بیماری‌های چشمی مخصوصاً ورم قرنیه و چشم‌درد مفید است .

۱- دائرة المعارف پزشکی اسلام .

۲- قدرت جنسی .

(۱۷۶)

حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله برای حفظ سلامتی ، مردم را به خوردن منظم خرما توصیه می‌کند . هرچند نقل شده که یک بار

حضرت علی علیه‌السلام را در دوران نقاهت از خوردن خرما نهی فرمود (۱). و این توصیه کاملاً بر پایه‌ای علمی استوار است زیرا خرما دارای الیافی غذایی است و کسانی که دوره نقاهت را می‌گذرانند و معده‌ای ضعیف دارند هضم این الیاف برایشان مشکل است. خرما برای زن حامله بسیار مفید است به همین جهت هنگامی که حضرت مریم درد زاییدن گرفت برایش خرما آماده شد (۲۳- ۲۵ / مریم).

درخت خرما را سلطان واحه می‌نامند. مردم معتقدند خرما را خوب را وقتی

۱- ترمذی، محمد بن، الجامع الصحیح.

(۱۷۷)

می‌توان چید که ریشه درخت در آب غوطه‌ور باشد و ساقه و برگ آن در معرض تابش آفتاب گرم تابستان. طول درخت خرما به ۱۶ تا ۲۰ متر می‌رسد. بر هر خرما بنی معمولاً یک شاخه می‌روید. اما گاهی در طبیعت دیده می‌شود که چند شاخه از یک ریشه می‌روید. سن متوسط درخت خرما حدود دو بیست سال است، اما درختان میوه‌دار خوب معمولاً عمری حدود یکصد سال دارند. درختان خرما از طریق دانه و هم از طریق پاجوش تکثیر می‌شوند و درختی که به روش پاجوش تکثیر شده باشد خرما را بهتری می‌دهد. پاجوش معمولاً در پای درختان جوان می‌روید. درخت خرما درختی بلند است، اما ریشه‌های مستحکم آن گاهی تا عمق بیش از دو متر در زمین فرو نمی‌رود. درخت خرما از نظر ریشه در مقایسه با گیاهانی مانند گز (آئل) و خارشتر (الحاج) درختی ضعیف است. زیرا این هر دو گیاه به عمق تقریباً ده متر در

(۱۷۸)

زمین ریشه دارند. در سوره قمر / ۱۸ - ۲۰ که می‌گوید: «ما بر آنها (قوم عاد) در روزی نحس و طولانی بادی سخت فرستادیم که مردمان را از زمین، همانند ریشه‌های از جای کنده نخل، برمی‌کند» اشاره ضمنی به این خصوصیت درخت خرما دارد بدین مفهوم که کفار ریشه عمیقی ندارند.

ظرافت و زیبایی نخلستان‌ها منظره‌ای بدیع می‌آفریند. بسیاری از شاعران عرب و آفریقایی و حتی اروپایی وصف نخل را در اشعار معروف خود آورده‌اند. هومر در حماسه اودیسه کلمه تمر را برای نمایاندن زیبایی به کار برده است. چاسر و شکسپیر نیز در اشعار خود از نخل نام برده‌اند.

از نظر جغرافیای گیاهی منطقه کاشت نخل، گستره‌ای است از غرب هندوستان تا شرق آفریقا. اما بهترین ناحیه تولید این محصول عراق، عربستان، ایران و مصر می‌باشد.

(۱۷۹)

علامه بر ارزش‌های غذایی و طبّی از نظر تاریخی و فرهنگی درخت خرما را می‌توان «لطفی الهی» نسبت به «آدمی» دانست و شاید به همین علت است که در قرآن مجید به طور مکرر با احترام از آن یاد شده است.

یک حدیث درباره نخل

۱- انس بن مالک (ره) از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله روایت کرده که فرمود: «از خوردن غذای عشاء خودداری نکنید، حتی اگر شامل چند دانه خرما باشد، غفلت از خوردن غذای عشاء عمر را کوتاه می‌کند». (۱)

۱- ابن ماجه، سنن.

(۱۸۰)

نبات

نام قرآنی: نبات

نام فارسی: نبات

اشاره قرآنی:

۱- ۶۱، ۲۶۱ / بقره ۲- ۳۷ / آل عمران

۳- ۹۹ / انعام ۴- ۵۸ / اعراف

۵- ۲۴ / یونس ۶- ۱۹ / حجر

۷- ۱۱، ۶۵ / نحل ۸- ۴۵ / کهف

۹- ۵۳ / طه ۱۰- ۵ / حج

۱۱- ۲۰ / مؤمنون ۱۲- ۷۱ / شعراء

(۱۸۱)

۱۳- ۶۰ / نمل ۱۴- ۱۰ / لقمان

۱۵- ۳۶ / یس ۱۶- ۱۴۶ / صافات

۱۷- ۷، ۹ / ق ۱۸- ۲۰ / حدید

۱۹- ۱۷ / نوح ۲۰- ۱۵ / نبا

۲۱- ۲۷ / عبس

کلمه نبات (نبت)، به معنای گیاه به صورت اسمی و هم فعلی در آیة‌های مختلف قرآن آمده است.

۹۵ / انعام

إِنَّ اللَّهَ فَالِقُ الْحَبِّ وَالنَّوَى .

«خداست که هسته و دانه را می‌شکافد».

(۱۸۲)

۹۹ / انعام

وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ نَبَاتَ كُلِّ شَيْءٍ فَأَخْرَجْنَا مِنْهُ خَضِرًا نُخْرِجُ مِنْهُ حَبًّا مُتَرَاكِبًا وَمِنَ النَّخْلِ مِنَ طَلْعِهَا قِنْوَانٌ دَانِيَةٌ

وَجَنَّاتٍ مِنْ أَعْنَابٍ وَالزَّيْتُونَ وَالرُّمَّانَ مُشْتَبِهًا وَغَيْرَ مُتَشَبِهٍ انظُرُوا إِلَىٰ ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَيَنْعِهِ إِنَّ فِي ذَلِكُمْ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ

«اوست خدایی که از آسمان باران فرستاد و بدان باران هرگونه نباتی را رویانیدیم و از آن نبات ساقه‌ای سبز و از آن دانه‌هایی بر

یکدیگر چیره و نیز از جوانه‌های نخل خوشه‌هایی سرفروشته پدید آوردیم و نیز بستان‌هایی از تاک‌ها و زیتون و انار، همانند و

ناهمانند. به میوه‌هایش آنگاه که پدید می‌آیند و آنگاه که می‌رسند بنگرید که در آنها عبرت‌هاست برای آنان که ایمان

می‌آورند».

(۱۸۳)

۳ / رعد

وَمِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ جَعَلَ فِيهَا زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ

«و از هر میوه‌ای جفت جفت پدید آورد».

۴ / رعد

وَفِي الْأَرْضِ قِطْعٌ مُتَّجِرَاتٌ وَجَنَّاتٌ مِنْ أَعْنَابٍ وَزُرْعٌ وَنَخِيلٌ صِنْوَانٌ وَغَيْرُ صِنْوَانٍ يُسْقَى بِمَاءٍ وَاحِدٍ وَنُفَّضَلُ بَعْضُهَا عَلَىٰ بَعْضٍ فِي

الْأَكْلِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ

«و بر روی زمین قطعه‌هایی است در کنار یکدیگر و باغ‌های انگور و کشتزارها و نخل‌هایی که دو تنه از یک ریشه رسته است یا یک تنه از یک ریشه و همه به یک آب سیراب می‌شوند و در ثمره، بعضی را بر بعضی دیگر برتری نهاده‌ایم. هر آینه در (۱۸۴)

این‌ها برای خردمندان عبرت‌هاست».

۱۹ / حجر

وَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَّوْزُونٍ

«و از هرچیز به شیوه‌ای سنجیده در آن (زمین) رویانیدیم».

۱۰ و ۱۱ / نحل

هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لَكُمْ مِنْهُ شَرَابٌ وَمِنْهُ شَجَرٌ فِيهِ تُسِيمُونَ

يُنْبِتُ لَكُمْ بِهِ الزَّرْعَ وَالزَّيْتُونَ وَالنَّخِيلَ وَالْأَعْنَابَ وَمِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَةً لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ

«اوست که از آسمان برایتان باران نازل کرد. از آن می‌نوشید و بدان گیاه می‌روید و چارپایان می‌چرانید. و با آن برایتان کشتزار و زیتون و نخل‌ها و تاکستان‌ها و هر نوع میوه برویانید».

(۱۸۵)

۵۳ / طه

وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْ نَبَاتٍ شَتَّى.

«و از آسمان باران فرستاد، تا بدان انواعی گوناگون از نباتات برویانیم».

۵ / حج

وَتَرَى الْأَرْضَ هَامِدَةً فَإِذَا أَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَرَبَتْ وَأَنْبَتَتْ مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ

«و تو زمین را افسرده می‌بینی. چون باران بر آن بفرستیم، در اهتزاز آید و نمودار کند و از آن هر گونه گیاه بهجت‌انگیز برویاند».

(۱۸۶)

۱۰ / لقمان

فَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ

«و در زمین هر گونه گیاه نیکویی رویانیدیم».

۳۶ / یس

سُبْحَانَ الَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ وَمِنْ أَنْفُسِهِمْ وَمِمَّا لَا يَعْلَمُونَ

«منزه است آن‌خدایی که همه جفت‌ها را بیافرید، چه از آنچه زمین می‌رویاند و چه از نفس‌هایشان و چه آن چیزهایی که نمی‌شناسید».

۹ - ۱۱ / ق

وَنَزَّلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً مُبَارَكًا فَأَنْبَتْنَا بِهِ جَنَّاتٍ وَحَبَّ الْحَصِيدِ

(۱۸۷)

وَالنَّخْلَ بَاسِقَاتٍ لَهَا طَلْعٌ نَضِيدٌ

رِزْقًا لِلْعِبَادِ وَأَخْيَيْنَا بِهِ بَلْدَةً مِثْلًا كَذَلِكَ الْخُرُوجُ

و از آسمان، آبی پربرکت فرستادیم و بدان باغ‌ها و دانه‌های دروشتنی رویانیدیم و نخل‌های بلند با خوشه‌های برهم چیده تا رزق

بندگان باشد و بدان آب، سرزمین مرده را زنده کردیم برآمدن از گور نیز چنین است». به نظر بوکیل این آیاتی که به آنها اشاره شد حقایق اصولی درباره تولیدمثل در قلمرو گیاهان را به روشنی بیان می‌کند. عقاید عمومی آن زمان در آیات نادیده گرفته شده است. اشاراتی به «زوج گیاهان» در سوره‌های مختلف تولیدمثل گیاهان را با جفت شدن اندام‌های جنسی نر و ماده که بر روی یک پایه یا دو پایه قرار دارند به صراحت بیان می‌کند. بوکیل با توضیح بیشتری درباره کلمه «زوج» می‌گوید:

(۱۸۸)

«می‌دانیم که میوه آخرین نتیجه مرحله تولیدمثل گیاهان عالی و تکامل یافته‌ای است که ساختمان پیچیده دارند. مرحله قبل از میوه گل است که دارای اندام‌های نر و ماده (پرچم و مادگی) می‌باشد. هنگام گرده‌افشانی، گرده بر روی مادگی قرار می‌گیرد، میوه می‌دهد که به تدریج می‌رسد و دانه را آزاد می‌کند. در نتیجه تمام میوه‌ها مستلزم وجود اندام‌های نر و ماده می‌باشند و این همان معنای آیات قرآنی مربوط است». و در مورد «چیزهایی که نمی‌شناسید» بوکیل به درستی می‌گوید که امروزه ما می‌توانیم عمل جفت‌گیری در گیاهان و همچنین ساختمان موجودات غیرزنده را از هم تشخیص دهیم. امروزه در زمان حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله این افکار قابل درک نبود. امروزه این‌ها با دانش جدید هماهنگی کامل دارند.

(۱۸۹)

شگفتی‌های آفرینش

امروز بوسیله میکروسکوپ قسمت‌های بسیار ریز و دقیق ریشه و ساقه و برگ و گل و دانه را به دقت مورد مطالعه قرار داده به طرز ساختمان جالب هر یک از این اندام‌ها پی برده‌اند. امروز به وسیله تجزیه‌های گوناگون موفق شده‌اند عناصر اصلی سازنده گیاهان را بشناسند و بالاخره امروز بهتر از گذشته، درس‌هایی از توحید و خداشناسی را براساس کشف اسرار سلسله گیاهان می‌توان خواند.

۱- برگرفته از کتاب شگفتی‌های آفرینش، تألیف: استاد حسین نوری، انتشارات برهان.

(۱۹۰)

تنوع گیاهان

شماره انواع گیاه که تاکنون شناخته شده از صدهزار متجاوز است و هریک دارای آثار مخصوصی است و چون شناختن فرد فرد گیاهان غیرمقدور است لذا علمای علم گیاه‌شناسی آن‌ها را طبقه‌بندی نموده‌اند و این طبقه‌بندی بر اساس اندام‌های گیاه مثل ریشه و ساقه و برگ و گل قرار گرفته است و طبق همین نظر در ابتدا آن‌ها را به دو قسمت اصلی و سپس هر قسمت را به چند قسم، تقسیم نموده‌اند و ما برای نمونه فقط دو قسمت اصلی را نام می‌بریم:

۱- گیاهان گلدار: که دارای ریشه و ساقه و برگ و گل بوده و عالی‌ترین گیاهان می‌باشند. این همه گل‌های رنگارنگ که سطح خاک را زینت بخشیده و در صحن بیابان و صفحه باغستان مناظر زیبا و جالبی بوجود آورده‌اند و انواع میوه‌ها و سبزیجات که قسمت مهمی از احتیاجات زندگی انسان را تأمین نموده و غلات و

(۱۹۱)

حبوباتی که نیازمندی‌های غذایی را رفع می‌کنند و بالاخره قسمت مهمی از گیاهانی که مصرف طبی دارند، همه و همه جزء این دسته محسوب می‌گردند.

۲- گیاهان بی گل: این دسته از گیاهان فاقد گل هستند بنابراین تولید مثل در آنها برخلاف گیاهان گلدار به طریق خاصی انجام می‌گیرد.

گیاهان بی گل نیز دارای اقسام مختلفی هستند، به طوری که بعضی از آنها ریشه و ساقه و برگ داشته فقط گل ندارند و برخی از آنها ساقه و برگ داشته ولی بدون ریشه و گل می‌باشند این قسمت اغلب روی تنه درختان و نقاطی که آب و هوای معتدل دارند، زیست می‌نمایند، همین‌ها هستند که سراسر قسمت‌های شمالی ایران را چون فرشی از مخمل زمردین پوشیده و منظره جالبی به وجود آورده‌اند و بالاخره قسمتی فاقد برگ و گل و ریشه و ساقه بوده و در پائین آنها رشته‌های تارمانندی (۱۹۲)

وسیله جذب آب و سایر مواد غذایی بوده و باعث اتصال آنها به زمین می‌گردد و ما نوعی از آنها را که «جلبک» نامیده می‌شود، در جویبارها و آب‌های راکد و حوض‌ها به مقدار زیاد می‌بینیم.

گیاهان به ما درس توحید می‌دهند

دانه‌ای را در محیطی که از لحاظ حرارت و رطوبت مساعد باشد بکارید و آن را مورد دقت قرار دهید؛ خواهید دید که پس از مدت کمی متورم می‌گردد و بعد از چند روز پوسته آن پاره شده جوانه بسیار ظریفی که به طرف زمین مایل است از آن خارج می‌شود این جوانه نازک «ریشه» یا نخستین اندام گیاه است، پس از پیدایش ریشه، جوانه دیگری که به عکس ریشه، به طرف بالا متوجه است از دانه می‌روید این میله (۱۹۳)

ظریف «ساقه» یا دومین اندام گیاه است، دیری نمی‌گذرد که صفحات سبز و لطیف و زیبائی بر روی ساقه نمایان می‌شوند که هریک از آنها «برگ» یا سومین اندام گیاه است، بر روی این گیاه پس از این که مدتی از زمین و هوا تغذیه و تنفس می‌کند و در پرتو نور آفتاب پرورش می‌یابد، یکی از زیباترین مظاهر طبیعت جلوه گر می‌شود و آن «گل» یا چهارمین بخش گیاه است که می‌تواند بعداً به میوه و دانه تبدیل گردد. کلیه گیاهان کامل این مراحل را می‌پیمایند و این چهار اندام یعنی ریشه، ساقه، برگ و گل را دارا می‌باشند.

اهمیت گیاهان

می‌دانیم انواع حیواناتی که در عرصه پهناور گیتی پراکنده شده و سطح زمین را (۱۹۴)

میدان زندگی خود قرارداده‌اند، شدیداً به غذا نیازمندند و برای ادامه حیات باید از عناصری که در روی زمین موجود است استفاده کنند و از طرف دیگر عناصری که در آب و خاک و هوا موجود است. به همین صورت قابل استفاده و تغذیه حیوانات نیست، این جا است که گیاهان برای تأمین احتیاجات غذایی حیوانات نقش مهمی را ایفا می‌کنند زیرا آنها عناصر آب و خاک را به وسیله دستگاه‌های مخصوصی که در ساختمان آنها قرار دارد به صورت ساقه و برگ و میوه درمی‌آورند و بالتیجه مواد غذایی حیوانات را در اختیار آنها می‌گذارند.

سلسله گیاه علاوه بر تأمین نیازمندی‌های غذایی فواید دیگری نیز دارد که شرح داده خواهد شد. (۱۹۵)

هر گیاهی که از زمین روید

سلسله گیاهان دارای اسرار و عجائب بسیاری است که با مختصر دقتی در آن‌ها روشن می‌شود که دست قدرتی که منبع علم و حکمت است آن‌ها را به وجود آورده و برای هر یک از آن‌ها نظام تکاملی معینی قرار داده است به طوری که:

هر گیاهی که از زمین روید وحده لا شریک له گوید

و ما در ضمن بیان اسرار و دقائق عالم گیاهان نکات توحیدی جالبی را به استحضار خوانندگان محترم این کتاب خواهیم رسانید. این جا است که به اهمیت یکی از اعمال گیاهان پی می‌بریم و آن عمل «کربن‌گیری» است. گیاهان در حرارت آفتاب «گاز کربونیک» را که از دو عنصر کربن و اکسیژن تشکیل شده است تجزیه می‌کنند و اکسیژن را در هوا می‌سازند و کربن را در تنه خود نگه می‌دارند و قسمت مهم وجود گیاهان از همین کربن تشکیل

(۱۹۶)

یافته است و این عمل یعنی عمل کربن‌گیری که به وسیله برگ‌های گیاهان انجام می‌گیرد، درست به عکس تنفس جانوران است. این تناسب عجیب و تعادل دقیقی که میان «اکسیژن» و «گاز کربونیک» برقرار گردیده تا نیازمندی حیات جانوران و گیاهان برای همیشه تأمین شود یکی از آیات بزرگ خداشناسی است زیرا از همین ارتباط شگفتی که میان حیات حیوانی و نباتی برقرار شده است به خوبی روشن می‌شود که آفریننده گیاه و حیوان یکی است و پیدایش آن‌ها با این نظام دقیق و نقش حکیمانه، مولود تصادف نیست.

کوچک‌ترین واحد زنده

کوچک‌ترین واحدی که در پیکر موجودات زنده، اعم از حیوان و گیاه بکار رفته و این ساختمان منظم را تشکیل داده است «سلول» است و از کشف این حقیقت تقریباً دو قرن بیشتر نمی‌گذرد.

(۱۹۷)

بعضی از گیاهان دارای سازمان بسیار ساده‌ای هستند یعنی بدنشان از یک سلول ساخته شده و همه آثار حیاتی در داخل همین یک سلول انجام می‌گیرد و به گیاهان تک سلولی معروفند و بعضی دیگر از عده زیادی از سلول تشکیل یافته و به گیاهان پرسلولی موسوم‌اند و در ضمن باید متوجه باشیم که سلول‌های گیاهی مانند سلول‌های حیوانی دارای انواع مختلفی هستند که هر نوعی در یک قسمتی از ساختمان گیاه مثل برگ و ریشه گل و ساقه به کار رفته است.

آفرینش این موجود ریز و ظریف که اساس ساختمان موجودات زنده است با این نقشه و هندسه و حساب؛ در نظر هوشمندان دلیل روشنی بر وجود آفریدگار خلقت است.

(۱۹۸)

شکافنده دانه و هسته

همه گل‌های رنگارنگ و شکوفه‌های رنگین و میوه‌های گوناگون و دانه‌های غذایی و بالاخره این همه مناظر زیبا و بهجت‌زا که سطح زمین را زینت مخصوصی بخشیده‌اند همه و همه سر از این خاک برمی‌آورند، از همین خاک تیره‌ای که در زیر پای ما قرار گرفته است، می‌رویند.

مگر خاک چه قدرت خلاقه‌ای دارد که بتواند هر سال این همه مظاهر زیبا و حیات بخش را تولید کند؟ مگر در نهاد خاک چه

لابراتوار مجهزی است که منشأ این همه آثار خیره‌کننده است؟

قرآن مجید این سؤالات را پاسخ می‌دهد و طبق منطق فطرت و عقل این مواهب سرشار را به قدرت و حکمت خداوند استناد می‌دهد: «إِنَّ اللَّهَ فَالِقُ الْحَبِّ وَالنَّوَى

(۱۹۹)

يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَمُخْرِجُ الْمَيِّتِ مِنَ الْحَيِّ ذَلِكُمْ اللَّهُ فَانِي تُؤْفِكُونَ». یعنی شکافنده دانه و هسته خداست، زنده را از ماده مرده پدید می‌آورد و مرده را از زنده به وجود می‌آورد، این است پروردگار شما، کجا روگردان می‌شوید؟ (۹۵ / انعام).

انواع دانه‌های غذایی، اقسام هسته‌های میوه‌ها، هنگامی که در دل خاک قرار گرفتند و این محیط مناسب، از لحاظ حرارت و رطوبت برای روئیدن آن‌ها مساعد گردید، شکافته می‌شوند و از طرف بالا جوانه‌ای به نام ساقه و از طرف پائین جوانه دیگری به نام ریشه می‌روید و دو عضو اصلی گیاه به وجود می‌آید و در نتیجه عناصر مرده و بی‌جان زمین به صورت موجودات زنده‌ای یعنی: گیاهانی که دارای گل‌ها و شکوفه‌های رنگین و میوه‌های گوناگون و دانه‌های متنوع است در می‌آید.

آن پروردگاری که نطفه را می‌شکافد و با قلم قدرت در محیط تاریک رحم اعضاء و اندام جنین را ترسیم می‌کند و نقش زیبای انسان را در پشت پرده‌های متراکم

(۲۰۰)

بر صفحه وجود وی می‌نگارد، همان آفریدگار، در دل خاک تیره، دانه و هسته را می‌شکافد و اساس پیدایش این همه مناظر زیبا و مواهب حیات را تحقق می‌بخشد... «ذَلِكُمْ اللَّهُ فَانِي تُؤْفِكُونَ: این است پروردگار شما؟» (۹۵ / انعام).

سلول‌ها و بافت‌های هر گیاه معین است

در سازمان هر بوته گیاه و پیکر درخت نیز همان‌طور که روشن گردید مقدار معینی از سلول‌ها و بافت‌های متنوع با طرز مخصوصی که حکایت از علم و قدرت می‌کند به کار رفته است و همین دلیل روشنی است که بر سراسر جهان گیاهان مانند موجودات دیگر این جهان، دست قدرت و حکمت خداوند، حکومت می‌کند و این نظام حکیمانه ابدان نمی‌تواند مولود تصادف باشد.

(۲۰۱)

نخستین اندام گیاه

ریشه، اولین اندام گیاه است. این اندام علاوه بر این که مواد غذایی مورد نیاز گیاه را از دل آب و خاک می‌مکد؛ موجب ثبات و استقرار گیاه نیز در زمین می‌گردد.

در آغاز روئیدن دانه و هسته، میله ظریفی ظاهر گشته به‌طور عمودی در زمین فرومی‌رود و به تدریج نمود می‌کند، این میله نازک، ریشه اصلی خوانده می‌شود و پس از مدتی بر روی آن انشعابات کوچکی به نام ریشه‌های فرعی در ردیف‌های متعدد ظاهر می‌گردد این‌ها از ریشه اصلی ظریف‌ترند و اغلب به‌طور مایل در خاک جلو می‌روند؛ تعداد ردیف‌های ریشه فرعی، در هر گیاه مشخص است مثلاً در نخود سه، در چغندر چهار و در هویج پنج ردیف، ریشه فرعی مشاهده می‌گردد.

در انتهای ریشه تارهای نازک و ظریفی که تارهای کشنده نامیده می‌شود موجود

(۲۰۲)

است و این‌ها مواد غذایی را از زمین به درون خود می‌کشند و در هر نوع گیاه مواد مخصوصی را جذب می‌کنند.

به علاوه، در انتهای هر شعبه‌ای از ریشه، برجستگی کوچکی چوب پنبه‌ای که «کلاهک» نامیده می‌شود قرار دارد و فایده

آن این است که در موقع برخورد ریشه به قسمت‌های سخت زمین آن را از صدمه حفظ می‌کند. از شگفتی‌های ریشه این است که در امتداد قوه جاذبه زمین پائین می‌رود به طوری که اگر گیاه را معکوس قرار دهند، ریشه این راه طبیعی خود را بالاخره از دست نمی‌دهد یعنی به جانب زمین تمایل می‌شود و پس از طی منحنی کوچکی خود را به زمین می‌رساند!

و دیگر از عجایب آن این است که دارای نیروی فوق‌العاده‌ای است و با موانعی

(۲۰۳)

که بر سر راه خود مواجه می‌شود مبارزه می‌کند و شدت عمل به خرج می‌دهد به طوری که از زیر دیوارهای سنگین عبور می‌کند و سنگ‌های بزرگ را از جا می‌کند!

تعداد عناصری که تاکنون در گیاهان تشخیص داده شده است به بیست و دو عدد بالغ می‌گردد و چون ده عنصر از آن‌ها در تمام گیاهان موجود است لذا «عناصر اندام‌ساز» نامیده می‌شوند و آن‌ها عبارتند از: «کربن، هیدروژن، ازت، گوگرد، فسفر، پتاسیم، منیزیوم، کلسیم، آهن».

هر نوع گیاهی وزن و حساب خاصی دارد

از دقت و تدبیر در این همه گیاهان گوناگون که هر یک دارای خاصیت و اثر مخصوصی است و در اصل به عناصر معدودی بازمی‌گردند، روشن می‌شود که:

(۲۰۴)

دست قدرتی هست که این عناصر ساده‌را با نسبت معین و اندازه دقیقی ترکیب کرده و آن‌ها را به صورت گیاهان متنوع در آورده است

این حقیقت را که در این عصر دانشمندان گیاه‌شناس پس از تجربه‌های علمی به دست آورده‌اند قرآن مجید در طی عبارت کوتاهی بیان کرده است:

«وَالْأَرْضَ مَدَدْنَاهَا وَالْقَيْنَا فِيهَا رِوَاسِيَ وَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَّوْزُونٍ» (۱) یعنی بر ما بساط زمین را گسترديم و در آن کوه‌های عظیم بر نهادیم و در آن هر نوع گیاهی را طبق وزن و حساب رویانديم.

از این آیه به خوبی روشن می‌شود که در هر نوع گیاه وزن و حساب به کاررفته تا

۱- ۱۹ / حجر .

(۲۰۵)

به صورت معینی در آمده است، قرآن کریم حساب و اندازه را فقط در دایره گیاهان محدود نکرده است بلکه تمام مخلوقات را که از کارگاه خلقت پدید آمده‌اند مشمول این قانون می‌داند و می‌فرماید: «إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ» (۱) یعنی ما هر چیز را با اندازه آفریده‌ایم. آری آثار نظم و حساب از قیافه هر موجودی هویدا است.

ساقه یا دومین اندام گیاه

ساقه دارای اقسام متعددی است بعضی از آن‌ها که «ساقه راست» نامیده می‌شود به سمت بالا می‌روید چنان‌که در اغلب گیاهان مشاهده می‌کنیم و بعضی چون

۱- ۴۹ / قمر .

(۲۰۶)

استحکام ندارند روی زمین کشیده شده می‌خزند و به همین مناسبت «ساقه خزنده» نامیده می‌شوند و قسمی دیگر برای این که بتواند به خوبی در هوا استوار بماند دور گیاهان دیگر یا اجسام مجاور پیچیده بالا می‌رود و به همین جهت به آن‌ها «ساقه پیچیده» گفته می‌شود.

جهت پیچش ساقه همیشه در یک نوع گیاه ثابت و مشخص است مثلاً لوبیا از راست به چپ و نیلوفر از چپ به راست دور می‌زند و بالاخره قسمی از آن‌ها نه آنقدر استحکام دارد که در هوا استوار بماند و نه روی زمین می‌خزد و نه به اجسام مجاور می‌پیچد بلکه رشته‌هایی پیچ مانند و نازک از آن خارج گشته به دور اجسام پیرامون خود می‌پیچند و باعث بالا بردن ساقه در هوا می‌گردند، به این قسم از ساقه‌ها «ساقه‌بالارونده» می‌گویند.

(۲۰۷)

یکی از شگفتی‌های ساقه آن است که علی‌رغم امتداد جاذبه زمین؛ رو به بالا نمو می‌کند حتی اگر گیاه را معکوس کنند، ساقه منحنی کوچکی سیر نموده به سوی بالا متوجه می‌شود.

در روزگاران گذشته یعنی تقریباً هفتصد سال پیش، علم گیاه‌شناسی آنقدر پیشرفت نکرده و گیاهان به‌طور منظم طبقه‌بندی نشده بود و دانشمندان به اسرار ساختمان گیاه‌ها و رویش و تولید مثل و اعمال اعضا و اندام گیاه پی‌نبرده بودند ولی در عین حال از همین گیاه کتاب خلقت طبق میزان ادراک و استعداد خود می‌فهمیدند، که جهان را صناعی است توانا که از چوب، میوه رنگین پدید می‌آورد و از خار گل صد برگ می‌رویاند و هر ورقی از برگ سبز دفتری از معرفت ذات مقدس وی می‌باشد.

(۲۰۸)

و روئیدن گیاه‌ها از زمین شگفت است و تنوع آن‌ها که براساس حکمت استوار است شگفت‌تر و مطالعه ریزه‌کاری‌هایی که در یک برگ به کاررفته است کافی است که دل انسان را از معرفت، نشاط ببخشد و در برابر صنع دقیق الهی خاضع سازد.

ساختمان گل

گل معمولاً بر سر شاخه‌ای موسوم به «دم گل» قرار گرفته و انتهای متورم آن «طبق گل» نامیده می‌شود، از خارج به داخل به ترتیب از قسمت‌های زیر تشکیل شده است: کاسه گل، جام گل، نافه گل، پرچم، مادگی کلاله، خامه، تخمدان.

شکفتن گل‌ها

چون در این جهان منظم هیچ موجودی از قلمرو نظم بیرون نیست، لذا باز شدن

(۲۰۹)

گل‌ها نیز منظم است و هر نوع گل در هر محل در ساعت معینی باز می‌شود، مثلاً گل ساعتی در تهران همیشه یک ساعت به ظهر باز می‌شود و قبل از ساعت مزبور غنچه گل، بسته است.

زوجیت گیاهان از دیدگاه قرآن کریم

در طول قرون متمادی موضوع جفت بودن (نر و ماده بودن) را بشر تنها در دانه حیوانات محدود می‌دانست و در عالم گیاهان فقط در درخت خرما، نر و ماده را تشخیص داده و اصلاً از موضوع جفت بودن در غیر درخت خرما اطلاعی نداشت و به گل‌ها تنها از

نظر جمال و زیبایی نگاه می‌کرد، تا این که اخیراً پیشرفت علم به این راز بزرگ آفرینش پی‌برد که گل اندام تولید مثل است و محتوی اعضاء نر و ماده است و

(۲۱۰)

دارای کیسه مخصوصی برای پرورش سلول نر و محفظه معینی برای تولید سلول ماده است و با مقدمات شگفت‌انگیزی، از ترکیب این دو سلول، گیاه بارور می‌شود، این حقیقت جالب را چنان که گفتیم بشر در قرون اخیر درک کرد ولی قرآن مجید کتاب آسمانی دین مقدس اسلام در طی آیات متعدد، موضوع جفت بودن گیاهان را خاطر نشان ساخت و برای نمونه به آیه هفتم از سوره «شعراء» توجه کنید: «أَوَلَمْ يَرَوْا إِلَى الْأَرْضِ كَمْ أَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ: آیا در زمین به دیده عبرت نگاه نمی‌کنند که ما هر نوع گیاه پر سود را، جفت رویانیدیم؟» (۱)

۱- هر چند مفسران سابق زوج را به معنای نوع می‌گرفتند، ولی مفسران اخیر زوج را به معنای جفت بودن یعنی نر و ماده بودن گرفته‌اند برای نمونه به تفسیر طنطاوی و «فی ظلال القرآن» مراجعه کنید .

(۲۱۱)

قرآن کریم موضوع جفت بودن را در دائره حیوان و گیاه نیز محصور نمی‌سازد بلکه کلیه موجوداتی را که از کارگاه آفرینش خارج گردیده‌اند جفت معرفی می‌کند و می‌فرماید: «وَمِنْ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ: از هر چیزی جفت آفریدیم». (۱)

شاید این تعبیر اشاره به آن حقیقتی باشد که علم امروز به آن رسیده است که همه موجودات از اتم تشکیل یافته و اتم هم از دو نیروی الکتریکی مثبت و منفی به وجود آمده است.

در این جهان دو قانون اهمیت بسزایی دارد؛ و بر همه موجودات حکومت می‌کند: یکی قانون «ترکیب» و دیگر قانون «توالد»، به این معنا که دو موجود یا بیشتر

۱- ۴۹ / ذاریات .

(۲۱۲)

در شرایط مخصوصی با هم ترکیب می‌شوند و از ترکیب آن‌ها موجود سومی پدید می‌آید و در نتیجه همین ترکیب و توالد است که موجودات این عالم به صورت‌های گوناگون پا به عرصه هستی می‌گذارند، تا این جهان منظم در گردش باشد.

مواد مختلفی که در آب و خاک و هوا موجود است تحت‌تأثیر عواملی از قبیل حرارت و نور با هم ترکیب می‌گردند و از ترکیب آن‌ها انواع گیاهان به دست می‌آید .

در شکوفه گیاهان، اندام نر و ماده وجود دارد و همین‌ها عوامل «ترکیب و توالد» می‌باشند و برای این که ترکیب و آمیزش که مقدمه لقاح و توالد است تحقق یابد، باید «گرده» که به منزله نطفه حیوانات نر است روی «کلاله» که از اندام آمیزشی ماده است قرار بگیرد.

زنبور عسل از شهد و عطر گل‌ها، عسل شیرین و خوشبو می‌سازد و دانه‌های گرده

(۲۱۳)

را نیز برای ساختن موم لانه خود به کار می‌برد و هیچ‌گاه این حشره خوش‌سلیقه روی گل بدبو نمی‌نشیند و در عین این که برای به دست آوردن مواد غذایی و تهیه مصالح ساختمانی خود تکاپو و فعالیت می‌کند، وسیله آمیزش و لقاح گیاهان را نیز فراهم می‌نماید.

قانون وراثت در گیاهان

«قانون وراثت» در عالم گیاهان نیز جاری است و در هسته سلول جنسی گیاهان نیز عاملی است که حفاظت صفات هر نوع گیاه را

در مسیر قرون متمادی و محیط‌های مختلف عهده‌دار است، مثلاً اگر یک جو معمولی را سال اول در منطقه گرم و در سال دوم در منطقه سرد و سال سوم در منطقه معتدل بکارند استعداد نهانی و توارثی با کشت در قسمت‌های مختلف فرقی نخواهد کرد. (۲۱۴)

اسرار سلسله گیاهان مخصوصاً گل‌ها که دستگاه اسرارآمیز تولید مثل است به اندازه‌ای است که دل هر صاحب‌دلی را در مقابل خداوند خاضع می‌نماید و فکر هر متفکری را به اعتراف و اداری می‌سازد.

گیاهان کارگاه‌هایی هستند که در درون خود مواد اولیه را تغییرات بسیار مهمی می‌دهند و به وضع قابل استفاده‌ای در می‌آورند. مثلاً هرگاه شاخه‌ای از درخت گلابی را که میوه‌ای شیرین دارد به درخت گلابی وحشی پیوند زنیم، شیره خام از زمین به داخل گیاه جذب شده، مورد استفاده کلیه اندام‌های گیاه قرار می‌گیرد، ولی شاخه پیوند آن شیره خام را آنقدر تغییر می‌دهد که از آن میوه شیرین به وجود می‌آورد، در صورتی که شاخه‌های اصلی همان میوه تلخ را بار می‌آورند. (۲۱۵)

به‌طور خلاصه نتیجه‌ای که از پیوند زدن درختان به دست آمده است، دلیل روشنی بر تجزیه و ترکیب شیمیایی است، که در اندام‌های مختلف گیاه به وقوع می‌پیوندد، زیرا می‌دانیم به وسیله پیوند کردن، شاخه‌ای از درخت معینی را روی شاخه یا ریشه درخت دیگر به نحوی قرار می‌دهند که این دو گیاه مختلف با هم جوش می‌خورند و از فعالیت حیاتی یکدیگر بهره‌مند می‌شوند و یک نوع همزیستی مصنوعی میان این دو گیاه به وجود می‌آید مثلاً سیب و گلابی را و همچنین هلو و زردآلو و شفتالو را با هم پیوند می‌زنند ولی شاخه درخت سیب، سیب می‌دهد و شاخه درخت گلابی، گلابی بار می‌آورد و با این که از یک نوع آب و هوا و غذا استفاده می‌کنند، شاخه‌های هلو و زردآلو و شفتالو که از یک ریشه غذا می‌گیرند هر یک همان میوه را می‌دهد که قبل از پیوند می‌داده است، این موضوع روشن می‌کند که هر یک از شاخه‌های درخت لابراتوار شگفتی است که مواد جذب شده را به صورت مخصوصی در می‌آورد.

(۲۱۶)

ذخیره و پس‌انداز گیاهی

گیاهان قسمتی از مواد غذایی خود را ذخیره و پس‌انداز می‌نمایند، انواع سبزی‌ها و میوه‌ها و دانه‌ها که مورد استفاده ما واقع می‌گردند همه و همه اندوخته‌های گیاهی هستند یعنی مواد ساده‌ای را که در آب و خاک و هوا موجود است پس از یک سلسله تغییرات و تحولات شگرفی به صورت سبزی‌های مختلف و میوه‌های گوناگون و دانه‌های غذایی در آورده در دسترس ما قرار می‌دهند تا به این وسیله قسمت مهمی از نیازمندی‌های زندگی ما تأمین شود.

(۲۱۷)

کارگاه تهیه این مواد، برگ‌ها است، شیره خام را به صورت شیره پرورده گیاهی در می‌آورند و به وسیله لوله‌های دیگری که آوندهای آبکش نامیده می‌شود به اندام‌های مختلف گیاه می‌رسانند پس از آن که گیاه سهمیه مواد غذایی خود را گرفت، قسمتی را در اندام‌های مخصوصی پس‌انداز می‌کند.

جایگاه ذخایر و اندوخته‌ها در گیاهان مختلف متفاوت است. چنان که گیاهانی مانند هویج، چغندر، شلغم مواد ذخیره‌ای را در ریشه خود پس‌انداز می‌کنند و گیاهان دیگری مانند نیشکر، زنبق، سیب‌زمینی مواد اندوخته را در ساقه، قسمتی از گیاهان مانند کاهو، اسفناج، تره در برگ، عده دیگری مانند هلو، گیلاس، انگور، سیب، خربزه مواد ذخیره‌ای را در میوه، گندم، جو، برنج، اندوخته‌ها را در دانه خود جمع نموده و بالاخره توت و انجیر این مواد را در گل‌های خود ذخیره می‌نمایند.

(۲۱۸)

از این جا این موضوع روشن می‌شود که گیاهان کارخانه مولد مواد خوراکی برای ما هستند که مواد ساده آب و خاک را در پرتو نور خورشید به صورت انواع سبزی‌ها و میوه‌های گوناگون یعنی شیرین، ترش، معطر و چرب درمی‌آورند. نور خورشید در تربیت گیاهان و تهیه این مواد حیات‌بخش، نقش بسیار مهمی دارد، به طوری که تاکنون نتوانسته‌اند با نورهای مصنوعی درخت را وادار به کار مطلوب نمایند، از این تجربه معلوم می‌شود که در خورشید اشعه دیگری وجود دارد که ما با وسایل امروز نمی‌توانیم آن‌ها را درک نمائیم.

محتویات سبزی‌ها و میوه‌ها و حبوبات

۱- آب: آب از موادی است که بیش از هر چیز مورد نیاز انسان می‌باشد و بیشتر وزن

(۲۱۹)

بدن انسان را آب تشکیل می‌دهد، انسان در ۲۴ ساعت به‌طور متوسط دو لیتر و نیم آب از راه‌های کلیه و عروق و شش‌ها از دست می‌دهد، لذا همین مقدار آب باید به بدن برسد. میوه‌ها و سبزی‌ها در این مورد نقش مهمی بعهده دارند زیرا آن‌ها قبل از هر چیز دارای آب فراوانی می‌باشند و یکی از فوائد آن‌ها این است که آب را که یکی از ضروری‌ترین شرط حیات است به بدن می‌رسانند. باید توجه داشت که آب میوه‌ها و سبزی‌ها دارای نیروی شفا بخشی است که می‌توان آن را با آب چشمه‌های معدنی مقایسه کرد، به‌طور کلی ثابت شده که آب میوه ترشح معده، امعاء کلیه، صفرا و پوست را زیاد کرده و سبب دفع سموم می‌شود.

(۲۲۰)

۲- املاح: املاح (۱) یکی از عوامل نمو بدن می‌باشند و برای ساختمان بافت‌های مختلف بدن مخصوصاً بافت استخوانی و ترمیم آن‌ها ضروری هستند تاکنون در اثر تجزیه‌های دقیق به وجود عناصر متعددی از فلزات، در بدن پی برده‌اند، البته این فلزات به‌طور مستقیم خورده نمی‌شوند و برای جذب باید به صورت املاح درآیند و بهترین منابع این املاح سبزی‌ها و میوه‌ها هستند زیرا این عناصر در خاک موجود بوده به وسیله ریشه جذب می‌شوند و پس از یک سلسله فعل و انفعالات به صورت مواد غذایی ما درمی‌آیند.

املاح در صورتی مفیدند که به وسیله سبزی‌ها و میوه‌ها وارد بدن گردند مثلاً آهن

۱- در ساختمان املاح به‌طور کلی فلز و شبه فلز دخالت دارد.

(۲۲۱)

یکی از فلزات لازم و ضروری بدن انسان است و برای نشان دادن درجه اهمیت این فلز کافی است که بگوئیم رنگ قرمز خون و گوشت بدن به وجود این فلز بستگی دارد زیبایی چهره هر چه بیشتر مربوط به این فلز است، کمبود آن در بدن موجب کم‌خونی، رنگ پریدگی، ضعف مفرط می‌گردد. توت‌فرنگی، اسفناج سیب، گلابی، انگور شاهانی و انگور سیاه و یاقوتی، گندم، برگ چغندر، لوبیا، عدس، هویج، انجیر و انار مقدار کافی آهن دارند.

۳- کلسیم نیز یکی از فلزات لازم و ضروری بدن انسان است، این فلز در ساختمان استخوان‌ها، مخصوصاً دندان‌ها، ناخن‌ها و مو مقام مهمی دارد، وقتی کلسیم بدن کم شود دندان‌ها را کرم می‌خورد، ناخن‌ها می‌شکنند، موی سر مبتلا به مو خوره می‌گردد، استخوان‌ها نرم می‌شود و در نتیجه کمردرد و پادرد پدید می‌آید و این

(۲۲۲)

ماده نیز در سبزی‌ها و میوه‌ها فراوان است، کمبود کلسیم سبب تشنج ماهیچه‌ها و احشاء و امعاء می‌شود، کلسیم مسکن اعصاب است و خواب را تأمین می‌کند؛ بالاخره بنا به گفته دکتر غیاث‌الدین جزائری نویسنده کتاب: «تاکنون در اثر تجزیه‌های دقیق به وجود ۹۱ عنصر در بدن که همگی از فلزات می‌باشند پی برده‌اند و این فلزات بایست به صورت املاح از راه تغذیه سبزی‌ها و میوه‌ها و دانه‌های غذایی تأمین شود».

۴- قند و نشاسته: قند و نشاسته از بهترین غذای مولد انرژی در بدن است مواد قندی در میوه‌جات شیرین و چغندر و نیشکر فراوان است و نشاسته بیشتر به وسیله غلات و حبوبات به بدن می‌رسد نان در حدود ۵۳ تا ۶۰ درصد نشاسته دارد. در این جا به این نکته باید توجه کرد که قندی که در میوه است با قند صنعتی که از شیر چغندر قند یا نیشکر درست می‌کنند اصلاً قابل مقایسه نیست زیرا شیر چغندر و یا نیشکر را باید در دویست درجه حرارت بپزند و در چنین حرارتی بسیاری از ویتامین‌های آن از بین می‌رود. (۲۲۳)

۵- پروتیدها: (مواد از ته) موادی هستند که قسمت عمده بدن موجود زنده را تشکیل می‌دهند، علاوه، این مواد در بدن سوخته تولید انرژی می‌کنند. گرچه مقدار این ماده در سبزی‌ها و میوه‌ها کم و در گوشت و شیر و تخم مرغ بسیار است ولی در حبوبات به مقدار نسبتاً کافی موجود است به طوری که نان و برنج ۷ درصد از این ماده را دارا می‌باشند.

۶- چربی‌ها: چربی‌ها اهمیت زیادی برای جانوران و انسان دارد مثلاً چربی‌های زیر پوست، بدن ما را از سرما حفظ می‌کند از طرف دیگر سوختن آن‌ها در بدن مقدار (۲۲۴)

زیادی حرارت به وجود می‌آورد و روی همین جهت چربی‌ها را «غذای گرمازا» می‌نامند، در میوه‌ها و دانه‌های چرب مانند: زیتون، کنجد، بادام، گردو، فندق مقدار قابل ملاحظه‌ای از این ماده موجود است.

کارخانه ساخت ویتامین

تمام ویتامین‌ها از گیاهان به دست می‌آید سبزی‌ها و میوه‌ها و حبوبات، منابع ویتامین‌ها هستند اگر در گوشت و یا در بعضی از اعضاء حیوانات، مثل جگر و مغز ویتامین‌ها را کشف کرده‌اند اصل آن‌ها از تغذیه مواد گیاهی بوجود آمده است، که این حیوانات آن گیاه را خورده و هضم کرده و در اعضاء خود ویتامین‌های آن را ذخیره نموده‌اند و همچنین اگر ویتامین‌ها در شیر گاو و گوسفند و یا در تخم مرغ به دست می‌آید از گیاهانی است که آن‌ها می‌خورند و به این وسیله این ویتامین‌ها را در بدن خود ذخیره می‌کنند.

(۲۲۵)

اهمیت سبزی‌ها از نگاه معصومین علیهم‌السلام

از پیشوایان معصوم دینی علیه‌السلام تقریباً سیزده قرن پیش در زمینه خواص و اهمیت میوه‌ها و سبزی‌ها صادر گردیده است. ۱- در کتاب کافی از مردی به نام حنّان نقل می‌کند که: «در محضر حضرت صادق علیه‌السلام بودم و سفره غذا گسترده شده بود آن حضرت از سبزی که در سفره بود میل می‌فرمودند ولی من از خوردن آن خودداری می‌کردم، امام صادق علیه‌السلام به من توجه کردند و فرمودند: ای حنّان آیا نمی‌دانی که برای امیرمؤمنان علیه‌السلام هیچ غذایی حاضر نمی‌نمودند مگر این که سبزی در آن موجود بود؟»

(۲۲۶)

۲- در همان کتاب، موقف مدائنی از جدش نقل می‌کند که: «حضرت موسی بن جعفر علیه‌السلام روزی برای غذا خوردن به دنبال من فرستاد چون حضور یافتم و سفره غذا گسترده شد، سبزی در سفره نبود حضرتش از تناول غذا دست نگهداشت سپس به غلامش فرمود آیا نمی‌دانی که من از سفره‌ای که سبزی در آن نباشد غذا نمی‌خورم؟ غلام رفت و سبزی آورد. از آن پس، آن حضرت غذا میل فرمودند».

درسی از مکتب امام صادق علیه‌السلام در فوائد گیاهان

اکنون این حقیقت روشن را از زبان امام صادق علیه‌السلام بشنویم فرمودند: «در گیاهان فکر کنید و انواع فوائد آن‌ها را دریابید: (۲۲۷)

۱- خداوند میوه‌ها را برای خوراک بشر و قسمتی از گیاهان را برای خوراک حیوانات خلق فرموده، هیزمی که از درختان به دست می‌آید برای سوزاندن و چوب را برای انواع نجاری‌های مورد احتیاج بشر قراردادده است. ۲- خداوند چه برکتی در زراعت قراردادده که از یک دانه، صددانه و بیشتر به عمل می‌آید که هم تخم سال بعد تهیه شود و هم خوراک آدمیان تأمین گردد. درخت‌ها از اطراف خود شاخه‌های بسیار برمی‌آورند تا اگر مردم بخواهند از آن درخت در جای دیگر بکارند یا در احتیاجات دیگر از آن استفاده کنند اصل درخت باقی باشد و اگر آفتی به اصل درخت برسد، بدل آن باقی بماند.

۳- لذت و نشاطی را که برای انسان از دیدن مناظر جالب گیاهان و شکوفه‌های زیبای آن‌ها حاصل می‌شود باهیچ لذتی نمی‌توان برابر کرد. (۲۲۸)

۴- خداوند میوه‌ها و محصولات را به وسائلی از خطر محفوظ داشته، همان‌طور که جنین را تا هنگامی که ضعیف و ناتوان است در محفظه مخصوصی به نام «مشیمه» در رحم حفظ فرموده است. جوباتی مانند عدس، باقلا- و ماش را در ظرف‌هایی مثل کیسه نگاهداری نموده خوشه گندم و جو و برنج را در میان پوست محکمی حفاظت کرده و بر سر هر دانه چیزی مانند نیزه قراردادده تا پرندگان به آسانی نتوانند آن‌ها را برابند.

۵- گیاه هم مانند حیوان محتاج به خوراک است و از طرفی معمولاً نمی‌تواند مانند حیوان حرکت کند و مواد غذایی خود را تهیه کند لذا خداوند حکیم برای آن ریشه‌ای قراردادده تا به این وسیله مواد غذایی موردنیاز را از خاک برگیرد و به شاخ و برگ میوه برساند، ریشه‌ها علاوه بر این که خوراک شاخ و برگ را تأمین می‌کنند، (۲۲۹)

وسيله برجاماندن درخت و گیاه نیز می‌باشند؛ چنان که طناب‌های خیمه در اطراف کشیده شده و وسیله ثابت ماندن خیمه است، ریشه نیز عامل تثبیت گیاه و درخت هستند، درختان عظیم مانند چنار و نخل و صنوبر که این‌طور در برابر بادهای سخت مقاومت می‌نمایند به علت استوار بودن ریشه آن‌ها در زمین می‌باشد.

۶- فوائد طبی گیاهان بسیار قابل توجه است، هریک از آن‌ها در معالجه مرض مخصوصی به کار می‌رود مسلماً پدیدآورنده گیاهان از این فوائد آگاه است و یکی از هدف‌های آفرینش آن‌ها همین بوده است.

۷- در هسته میوه‌ها دقت کنید، خداوند در میوه‌ها هسته خلق فرموده که آن را بکارند تا درخت دیگری بروید و نیز چون هسته محکم است میوه را نگه می‌دارد تا از هم نپاشد و اگر هسته نبود میوه لطیف از هم پاشیده می‌شد و دیگر از فوائد هسته آن (۲۳۰)

است که بعضی از آن‌ها را می‌خورند و از بعضی از آن‌ها روغن می‌گیرند و از آن استفاده‌های بسیار می‌برند. (۱)

ساختمان اسرار آمیز میوه‌ها

کمتر میوه‌ای است که مانند انگور از لحاظ رنگ و شکل و خاصیت دارای انواع مختلفی باشد، خوشه زرین انگور که از چیده شدن مرتب دانه‌ها بر روی یکدیگر تشکیل یافته است توجه هر بیننده را جلب می‌کند، هر دانه‌ای از این خوشه طلائی بر مجموع مواد غذایی مورد احتیاج بشر؛ مشتمل است و لذا دانشمندانی که در زمینه میوه‌ها به شرح و بحث پرداخته‌اند درباره انگور چنین می‌گویند:

۱- توحید مُفَضَّل .

(۲۳۱)

بعد از سیب که شاه میوه‌ها نام دارد، انگور مفیدترین میوه‌ها است.

انگور حرارت لازم بدن را تأمین می‌نماید و از این حیث هریک کیلو انگور معادل دو کیلو گوشت ارزش دارد.

انگور دفع‌کننده سموم بدن است و از این لحاظ هر کیلوی آن معادل یک لیتر شیر است.

انگور به علت داشتن «پتاسیم» تقویت‌کننده قلب است و به جهت داشتن «آهک» از نرمی استخوان جلوگیری می‌کند.

انگور برای خون مفید است و به علت داشتن «آهن» و «منگنز» و «منیزیم» داروی کم‌خونی است.

انگور ملین است و تخمیرات روده را کم می‌کند و صفرا را رقیق می‌سازد .

(۲۳۲)

انگور به قدری عوامل مؤثر دارد که می‌توان آن را یک داروخانه طبیعی نامید.

انگور یک عامل اصلی برای بازگشت نیروی عضلات است و برای سلسله اعصاب یک غذای کامل محسوب می‌شود.

انگور غیر از فلزات دارای مقداری «قند» و دارای «ویتامین‌ها» مخصوصاً «ویتامین ب ۲» می‌باشد. آب انگور از نظر ساختمان به شیر

مادر بسیار نزدیک است.

به عقیده بعضی از پزشکان، انگور از عوارضی مانند سوء هاضمه، ترش کردن، خونریزی، پیدا شدن سنگ در کبد و مثانه،

مسمومیت مزمن، بعضی از امراض جلدی، بعضی انواع سل ریوی و باد مفاصل جلوگیری می‌کند.

انگور اثر درمانی دارد و اثر آن روی روماتیسم، امراض شریانی، وریدی، نقرس، فشارخون و زیاد شدن اوره خون؛ مسلم است.

(۲۳۳)

این‌ها مطالبی است که دانشمندان غذاشناس و اطباء پس از آزمایش‌های مکرر، درباره انگور گفته‌اند و نکته‌ای که در این مورد

قابل توجه است این است که: آیا فراهم آمدن مواد نامبرده در داخل این میوه، به‌طور تصادف بوده و بدون نقشه قبلی است؟ آیا این

دانه‌های منظم که روی هم چیده شده تا خوشه زرین انگور را به وجود آورده است می‌تواند مولود و معلول تصادف باشد؟ آیا

قرار گرفتن هسته در داخل هر دانه به منظور این نیست که این هسته باید در زمین کشته شود تا برای همیشه این میوه ممتاز و

پرمفعت در روی زمین باشد و این سفره احسان همواره برای مهمانان مهیا باشد، اگر این‌ها دلیل علم و حکمت و قدرت نیست، آیا

دلیل علم و حکمت و قدرت چیست؟

(۲۳۴)

فهم حیران شود از حقه یاقوت انار

«انار» هرچند به اندازه انگور دارای فوائد غذایی نیست ولی برای تصفیه خون مخصوصاً مفید است و ساختمان آن از نظر توحید که

هدف بحث ما است بسیار شایان اهمیت است:

پوست رنگین انار از دو طبقه مختلف ساخته شده یکی طبقه سخت و شفاف خارجی که مانند حصار محکمی مواد لطیف داخلی انار را گرفته و محفوظ داشته است.

دوم طبقه نرم درونی که مانند بستری دانه‌های لطیف انار را در آغوش خود نگهداری می‌کند، روی سطح این طبقه برجستگی‌های منظمی قرار دارد که دانه‌های انار به آن‌ها متصل است و مواد غذایی لازم را به وسیله آن‌ها دریافت می‌کند علاوه برده‌های متعدد سفید و لطیفی در داخل انار موجود است که طبقات دانه‌ها را از هم جدا می‌کند تا از هرگونه تماس و تصادم طبقات دانه‌ها با یکدیگر جلوگیری شود، این پرده‌های سفید مانند پوشال‌هایی که در صندوق میان ظروف شکستی می‌ریزند، دانه‌ها را نگهداری می‌کند.

(۲۳۵)

هریک از دانه‌ها مانند لعلی که در قالب مخصوصی ریخته شده و در کارخانه خاصی ساخته شده است یا مانند این که استاد دقیق و ماهری آن‌ها را دانه دانه تراشیده باشد شکل معینی دارد و این دانه‌ها به طوری منظم پهلوی هم چیده شده‌اند که گوئی با دست دانه دانه آن‌ها را پهلوی هم در ردیف معینی قرار داده‌اند.

این ساختمان دقیق و منظم از طرفی طرز تغذیه کلیه دانه‌های انار را آسان و مرتب می‌سازد و از طرفی برای حفظ و نگهداری دانه‌ها بسیار حائز اهمیت است، اگر در محوطه داخل انار دانه‌های انار به این ترتیب قرار داده نمی‌شد، مواد لطیف داخلی انار به کوچک‌ترین فشار از هم پاشیده می‌شد، علاوه در مدت کوتاهی فاسد می‌گردید.

آیا این نقشه ماهرانه و این ساختمان دقیق؛ نشانه علم و حکمت و نموداری از قدرت آفریننده این جهان نیست؟

(۲۳۶)

اگر ما از همه موجودات این جهان صرف‌نظر کنیم و فقط در ساختمان یک انار دقت کنیم، کافی است که ما را به صانع حکیم و خداوند علیم رهبری کند.

مدبّر لعل‌ساز، لعل تراشیده باز لعل تراشیده را پهلوی هم چیده باز

پهلوی هم چیده را، به نقره پیچیده باز به نقره پیچیده را به حقه پوشیده باز

به حقه پوشیده را به نام نامیده نار

پیشوای مکتب توحید حضرت صادق علیه‌السلام برای انار از نظر خداشناسی فصل مخصوصی باز می‌کند و می‌فرماید: (۱)

(۲۳۷)

در انار دقت کنید و ببینید چگونه داخل آن خانه خانه است و داخل هر یک از خانه‌های منظم، دانه‌های انار در ردیف منظم و مرتبی چیده شده‌اند، هر قسمتی از طبقات در کمال زیبایی از پوسته‌های لطیفی پوشیده شده و همه قسمت‌ها در میان پوست محکمی، قرار گرفته. فکر کنید که چگونه خداوند دانه‌های لطیف انار را به پیه آن نصب کرده، تا به آن وسیله آب به دانه‌ها برسد، اگر دانه‌ها به هم چسبیده بودند و پیه در وسط نبود که غذا را به آن‌ها برساند چگونه همه دانه‌ها می‌توانستند غذای لازم خود را بگیرند و شاداب بمانند؟

۱- توحید مفضل.

(۲۳۸)

میوه‌ها دارای انواع مختلفی هستند. در بعضی از آن‌ها مغز در داخل و پوست در خارج قرار دارد مانند گردو و بادام و فندق و بعضی به‌عکس یعنی قسمتی که استفاده غذایی است در خارج و هسته‌ای که قابل استفاده غذایی نیست در داخل است مانند زردآلو و شفتالو و در داخل هسته بعضی از آن‌ها مغزی است قابل استفاده مانند هسته زردآلو و شفتالو و در برخی از آن‌ها هسته اصلاً مغز ندارد مانند خرما. در برخی دیگر پوسته و هسته همگی قابل استفاده غذایی است و خورده می‌شود مانند انجیر.

خلاصه در میوه‌ها آیات حکمت و قدرت پروردگار بسیار است :

در این که عناصر ساده‌ای که در آب و خاک موجود است چگونه به صورت‌های گوناگون درمی‌آیند و در اثر چه عوامل و اسبابی رشد و نمو می‌کنند و با چه تدابیر

(۲۳۹)

حکیمانه‌ای نگهداری می‌شوند و در این که از لحاظ شکل و طعم و خاصیت هر نوعی دارای کیفیت مخصوصی است، همه این‌ها مطالبی است که عقل و هوش ما را به آفریننده دانا و توانای این جهان رهبری می‌کند.

استفاده معنوی و مادی از گیاهان

قرآن کریم می‌خواهد نظر عمیقی به انواع غذاهای خود بیفکنیم و از آن‌ها استفاده معنوی نیز ببریم یعنی توجه داشته باشیم که چه عوامل و اسبابی در جریان است تا لقمه غذایی و جرعه آبی در دسترس ما واقع شود و لذا مراحلی را که میوه‌ها و حبوبات و سبزی‌ها قدم به قدم پیموده‌اند و عواملی که در آن‌ها تأثیر کرده است را خاطر نشان می‌کند تا از این راه، آن خدایی را که این سفره احسان را به الوان نعمت آراسته است بشناسیم :

(۲۴۰)

«فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ» یعنی انسان در غذای خود با دیده دقت بنگرد «أَنَا صَبَبْنَا الْمَاءَ صَبَابًا» ما آب را از آسمان فروریختیم. ما بارش باران را مکرر دیده‌ایم ولی اگر فکر کنیم چه تدابیر حکیمانه‌ای، در این موضوع به کار رفته است اولاً- آب در اقیانوس‌ها ذخیره شده و به تابش منظم خورشید تبخیر گشته به صورت ابرهای متراکم درمی‌آید و سپس به وسیله باد به نقاط مختلفی رانده می‌شود و از آن پس به قطراتی تبدیل می‌گردد و بر سطح زمین فرومی‌ریزد و همیشه این نظام در جریان است تا به این وسیله این مایه حیات توزیع شود و در دسترس همه جانداران واقع گردد.

«ثُمَّ شَقَقْنَا الْأَرْضَ شَقًّا» سپس زمین را شکافتیم. جوانه ظریف و لطیفی زمین

(۲۴۱)

سخت را می‌شکافد و علی‌رغم، نیروی جاذبه زمین به طرف بالا به عشق نور و هوا سر از خاک بیرون می‌آورد اگر در این موضوع دقت کنیم که بدون اراده و تدبیر ما آب از آسمان چگونه فرومی‌ریزد و زمین شکافته شده جوانه‌هایی از اعماق تیره خاک طلوع می‌کند ناچار باید اعتراف کنیم که قدرت و تدبیر و اراده‌ای بر این مقدرات حکومت می‌کند و آن قدرت و تدبیر خداوند است لذا خداوند همه این‌ها را آثار قدرت خود قلمداد می‌کند و می‌فرماید: «فَأَنْبَتْنَا فِيهَا حَبًّا وَعِنَبًا وَقَضْبًا وَزَيْتُونًا وَنَخْلًا وَحَدَائِقَ غُلْبًا وَفَاكِهَةً وَأَبًّا» (۱) یعنی حبوباتی در زمین رویاندیم و انگور، سبزی‌ها، زیتون، خرما، باغ و جنگل پردرخت، انواع میوه‌های دیگر و علف‌ها و مرتع‌ها پدید آوردیم. این‌ها تذکراتی است که قرآن به «انسان» می‌دهد تا او به مقتضای انسانیت خود در این‌ها دقت کند و از این راه معرفت توحیدی خود را تکمیل نماید.

۱- ۲۷ تا ۳۱ / عبس

(۲۴۲)

ابر و باد و مه خورشید و فلک در کارند تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری
 همه از بهر تو سرگشته و فرمانبردار شرط انصاف نباشد که تو فرمان نبری (۱)
 ۱- برگرفته از کتاب شگفتی‌های آفرینش، تألیف: استاد حسین نوری، انتشارات برهان.
 (۲۴۳)

آیا گیاه هم می‌تواند بیان احساس کند؟ (۱)

در سال ۱۹۶۶ میلادی فردی به نام کلیوباکستر که از افراد امنیتی و پلیس‌های جوان شهر نیویورک بود بعد از فراغت از کار خویش به دستگاه دروغ‌سنجی که در دفترش بود خیره شد. این دستگاه دروغ‌سنج یک وسیله الکترونیکی است که با ثبت تغییر مقاومت یا رطوبت پوست بدن انسان تغییر حالات او را نشان می‌دهد و دو الکتروود دستگاه به پوست دست بدن انسان وصل و مقاومت آن را تعیین می‌کند. وقتی شخص مورد آزمایش به دلیل اظهار دروغ یا موضوع خلاف واقع تغییر حالت
 ۱- برگرفته از کتاب گیاه، کودک، دانشمند تألیف: تامپ کینز و کریستوفر برد، ترجمه گلپرور، انتشارات دفتر فرهنگ اسلامی، چاپ اول ۱۳۷۱.
 (۲۴۴)

بدهد دستگاه فوراً تغییر مقاومت پوست را نشان می‌دهد. باکستر در دفتر کارش به جز این دستگاه یک گیاه تزئینی آپارتمانی از نوع سوسنی‌ها وجود داشت و باکستر به این فکر فرو رفت که آیا دستگاه دروغ‌سنج را می‌تواند روی برگ سوسنی آزمایش کند؟ مگر نه اینکه تغییر رطوبت باعث تغییر مقاومت الکتریکی می‌شود پس باید نتیجه آب دادن به گیاه و رسیدن رطوبت به برگ گیاه را دستگاه نشان دهد. این کار در ابتدا برای باکستر یک سرگرمی به شمار می‌آمد و بعدها منجی کشف مهمی شد. او پس از وصل کردن دستگاه به برگ سوسنی و تعادل جریان الکتریکی را به کمک دستگاه برقرار کرد و کاغذ قلم رسام پلی گراف نیز آماده ترسیم تغییرات بود. هنگامی که آب از ریشه به ساقه و برگ رسید دستگاه منحنی را نشان داد که شبیه منحنی عکس‌العمل انسان بود در یک لحظه باکستر دچار هیجان شده بود زیرا گیاه با دریافت
 (۲۴۵)

رطوبت حیات‌بخش آب دچار هیجان شده بود و آن را بروز داد در مرحله بعد باکستر به این فکر افتاد که گیاه را دچار تغییر حالت شدید کند و با این ایجاد ترس ناگهانی یا به خطر انداختن سلامت گیاه منحنی‌ها را با منحنی‌هایی که از ایجاد ترس در انسان به وجود آمده بود مقایسه کند. ابتدا باکستر در حضور یک گلدان گیاه گلدان دیگر را از ریشه بیرون آورد و با خشم و خشونت فراوان شاخه‌ها و برگ‌های آن را شکسته و له کرد و از اتاق بیرون رفت. سپس دوست او گلدانی را که در کنار این گیاه بود به دستگاه دروغ‌سنج وصل کرد. و شش نفر از دوستان باکستر تک تک وارد اتاق شده و از مقابل گیاه گذشتند و لیکن دستگاه هیچ منحنی را رسم نکرد. وقتی که باکستر از کنار گلدان رد شد دستگاه منحنی بزرگی را نشان داد که احساس گیاه و شهادت او نسبت به باکستر که در اصل قاتل گیاه بوده نشان داد. در صورتی که با عبور دوستان او
 (۲۴۶)

چنین منحنی اصلاً صورت نگرفت.

آیا گیاه درد را احساس می‌کند

همچنین در یک روز باکستر غفلتاً انگشت خود را برید و سپس با تتور ید مداوا کرد. گیاهی که وصل به دستگاه بود

همزمان نسبت به این حادثه واکنش نشان داد. برای تعیین این که حساسیت گیاه نسبت به کدامیک بوده:

۱- ناراحتی باکستر از مجروح شدن انگشت و درد ناشی از احساس تئورید یا ۲- کشته شدن چند سلول از گوشت انسان او آزمایشات دیگری ترتیب داد و متوجه شد که گیاه حتی در سطح آزار یک سلول حساس است. زیرا با ریختن آب جوش در سیفون دستشویی و کشتن باکتری‌ها گیاه واکنش نشان داد. و حتی زمانی که باکستر (۲۴۷)

موقع خوردن ماست مقداری مربا به آن اضافه کرد همین حالت اتفاق افتاد ولی بعداً متوجه شد جزئی از مواد شیمیایی که برای حفظ کیفیت مربا به آن اضافه شده موجب کشته شدن باسیل زنده ماست و در نتیجه باعث درک و واکنش گیاه شده است. روزی باکستر سه گیاه مختلف را در سه اتاق قرار داد و هریک را به دستگاه دروغ‌سنج وصل کرد. در ۲ اتاق بطور جداگانه چراغ و ظرف آب جوشی بر روی آن قرار داد و سپس چند میگوی زنده را انتخاب کرد و در اتاق سوم فقط یک ظرف آب سرد گذاشت. وقتی که میگوهای زنده را به طور ناگهانی داخل آب جوش می‌انداخت دستگاه فوراً یک منحنی را نشان می‌داد که گیاه از کشته شدن میگوها در آب جوش آگاه شد و آن منحنی‌ها رسم شده بود در صورتی که در اتاقی که ظرف آب سرد قرار داده بود هنگامی که میگو را یک دفعه و با سرعت داخل آب سرد انداخت گیاه هیچ (۲۴۸)

عکس‌عملی را نشان نداده و هیچ منحنی رسم نشده بود و با چندبار آزمایش و تکرار آن باکستر دریافت که نشانه‌هایی از وجود آگاهی در گیاه وجود دارد. و چندین مقاله در آن زمان در این رابطه نیز به چاپ رسیده و همه از این امر بسیار شگفت زده بودند. سال‌ها بعد شخصی به نام مارسل فوگل (Marcel Vogol) که یک محقق شیمی و کشیش تحصیل کرده اهل آمریکا بود به دنبال تحقیقات باکستر سعی در اثبات این گفته داشت که آیا گیاهان دارای ادراک هستند؟ و دست به اقداماتی زد. وی یک دستگاه روان‌سنج که بتواند عکس‌عمل گیاه را بگیرد و نشان دهد خرید که مبلغ آن (۰۰۰/۲۵) دلار بود. فوگل نیز بعد از وصل گیاه به دستگاه روان‌سنج توانست ثابت کند که اگر شخصی گیاهی را بشکند یا خرد کند گیاه مجاور این عکس‌عمل را بر روی دستگاه نشان می‌دهد و حتی اگر فردی قصد شکستن یک گل را داشته باشد و (۲۴۹)

آن گیاه هم به دستگاه وصل باشد. قبل از انجام هر کار گیاه فکر شخص را می‌خواند و قبل از وقوع حادثه این فکر شخص را با عکس‌عمل خود ثبت می‌کند. و این کشف نیز برای فوگل بسیار جالب بود همچنین فوگل بعد از آزمایشی دریافت که گیاه نسبت به داستان‌های روحی و وحشتناک عکس‌عمل نشان می‌دهد وی در یک اتاق تاریک که او و گلدانی بود و گلدان به دستگاه روان‌سنج وصل بود و اتاق نیز با یک چراغ قرمز رنگ ضعیف روشن شده بود شروع به خواندن یک داستان روحی شده و هنگامی که به جمله (در کلبه جنگلی به خودی خود شروع به باز شدن کرد...) یا ناگهان یک مرد چاقو به دست ظاهر شد... یا چارلز خم شد و پوشش تابوت را کنار زد... گیاه نوعی هوشیاری شدیدی از خود نشان می‌داد که اثر آن توسط پلی‌گراف ترسیم می‌شد. و فوگل با تکرار دریافت که گیاه دارای ادراک است و نسبت به (۲۵۰)

داستان‌های روحی عکس‌عمل نشان می‌دهد و این مطلب توجه تمام اهالی کالیفرنیا را به خود جلب کرده بود و برای همه جالب بود. شخص دیگری به نام پاول ساوین (Pierre Paul Sauvin) به دنبال تحقیقات باکستر و فوگل به جستجوی اسرار ارتباط با گیاهان پرداخت. وی متخصص الکترونیک از ایالت نیوجرسی آمریکا بود. وی سوابق شغلی زیادی با مؤسسات فضایی و تلگراف و تلفن و... داشت. ساوین به فکر اختراع دستگاهی افتاد که به توسط آن بتواند با گیاه ارتباط برقرار کند و سرانجام وی موفق شد

و دستگاهی را اختراع کرد. این دستگاه می‌توانست صدای ناشی از عکس‌العمل گیاه را پخش کند و او برای ارتباط دائمی با گیاهانش حتی از محل کارش به منزل تلفن می‌زد و صدای عکس‌العمل گیاه را که از بلندگو پخش می‌شد می‌شنید. ساوین دریافت ارتباط با گیاهی که قبلاً با شخص خو گرفته است

(۲۵۱)

آسان‌تر و قوی‌تر است و برای این کار ساوین ابتدا برگ‌های گل را نوازش کرده و می‌شست و با لحنی خوش آن‌ها را ناز و نوازش می‌کرد.

ساوین نیز از طریق این دستگاه توانست گفته‌های باکستر را که گیاه نسبت به مرگ سلول زنده عکس‌العمل نشان می‌دهد نیز ثابت کند. و همچنین روزی ساوین در روی صندلی خود نشست بود و با چرخشی که به صندلی می‌داد الکتریسیته ساکن ایجاد شده را با زدن انگشت به میز فلزی کارش تخلیه می‌کرد و این تخلیه الکتریکی را نیز گیاهی که به دستگاه وصل بود نشان می‌داد با وجود اینکه از ساوین فاصله چندمتری داشت و او دریافت که گیاهان نیز با محیط در رابطه هستند و عوامل محیطی را حس می‌کنند. خانم هاشی موتو نیز در انجام آزمایشات به کمک ساوین آمد و وی دوستدار گیاهان بود. خانم هاشی موتو با یک کاکتوس ارتباط برقرار می‌کرد و صدایی شبیه وزوز از

(۲۵۲)

دستگاه خارجی می‌شد که گیاه کاکتوس با خانم هاشی موتو صحبت می‌کرد و خانم هاشی موتو اظهار می‌دارد که با گیاهان می‌توان صحبت کرد و به آنها آموزش داد و آنها قدرت فراگیری مطالب را نیز دارند. زن و شوهر ژاپنی آن قدر با کاکتوس صحبت کردند و خودمانی شدند و در اثر تکرار بسیار وقتی گیاه به دستگاه وصل بود گیاه تا عدد بیست را می‌شمرد و چهار عمل اصلی را انجام می‌داد و در مقابل این سؤال که مثلاً دو به علاوه دو چند می‌شود گیاه از خود صدایی ایجاد می‌کرد که روی نوار هم چهارموج پیوسته به هم رسم می‌شد که به معنی چهار بود. کتاب‌های آقای هاشی ماتو و خانم او از پرفروش‌ترین کتاب‌های ژاپن به شمار می‌آمدند. کتاب‌های آن‌ها با عنوان آشنایی با درک فراسوئی **Introduction to E.S.P** شش بار و کتاب اسرار دنیای چهاربعدی

(۲۵۳)

Mystry of the Fourth Dimentional World هشت بار به چاپ رسیده بود.

این تحقیقات فقط در آمریکا و ژاپن نبود بلکه در شوروی سابق نیز صورت گرفته بود. آقای چرتگوف در مقاله خود می‌نویسد.

گیاه گریه می‌کند

درست در مقابل چشمان من وقتی ریشه یک دانه جوی جوانه زده را در آب فرو کردند او (گیاه) شروع به گریه کرد. صدای گریه او و سیل اشک او از طریق یک دستگاه بسیار حساس الکترونیکی با جنبش یک قلم ثبات روی نوار سفید کاغذ ثبت شد. اگرچه به نظر بیننده هیچ تغییری در ظاهر جوانه مشاهده نمی‌شد اما حرکت دیوانه‌وار قلم بر روی کاغذ نشان رنج و اندوه گیاه از مرگی دردآور بود. به ظاهر ساقه و جوانه هنوز شاداب و سالم به نظر می‌رسند ولی ساختار گیاه در حال مرگ بود نوعی سلول مغزی در داخل گیاه وقوع مرگ گیاه را به ما اعلام می‌کرد.

(۲۵۴)

آقای پانیشن کین (**Panesh Kine**) نیز با تحقیقات نشان داد که گیاه در مقابل نور طبیعی علاقه از خود نشان می‌دهد. وی با آزمایشاتی ثابت کرد که گیاه زیر نور چراغ آفتابی که نور آن شبیه نور خورشید و طولانی‌تر از طول روز روشن باشد از خود

خستگی نشان می‌دهد بنابراین احتیاج به استراحت شبانه دارد او اظهار کرد که گیاه دارای ادراک است . این محقق همچنین ثابت کرد که گیاه نیز مرکز عصبی دارد و ممکن است این مرکز در ریشه گیاه باشد و مانند قلب انسان عمل کند و این گفته در اثر این موضوع که گیاه علائم و پیام‌ها را می‌گیرد و پس از انتقال به دستگاه عکس‌العمل نشان (۲۵۵)

می‌دهد ثابت شد . پروفیسور دانشگاه مسکو در رابطه با گیاهان می‌گوید :
سلول گیاه نسبت به آنچه در سیستم عصبی انسان اتفاق می‌افتد و ما آن را تحریک احساسات می‌نامیم واکنش نشان می‌دهد . احتمالاً بین این دو سیستم رابطه مخصوصی برقرار است . زبان سلول گیاه ممکن است شبیه زبان سلول عصبی انسان باشد در هر حال این دو موجود به ظاهر کاملاً متفاوت قادرند که یکدیگر را درک کنند .
به نظر وی در سلول گیاهی چیزی شبیه فعالیت مغزی شکل می‌گیرد و فعالیت‌های روحی انسان که هنوز ماهیت آنها شناخته نشده است مانند درک و تفکر حافظه و ... عیناً در سطح سلول گیاه وجود دارد .
سولوخیش نویسنده کتاب گیاه در سال ۱۹۷۲ در مقالات خود می‌نویسد که : از قول یک عضو برجسته آکادمی علوم شوروی که : مدت‌هاست روی این موضوع

(۲۵۶)

تحقیق می‌کنیم و به این نتیجه رسیده‌ایم گیاه دارای حافظه است می‌تواند افکار و حالات را درک کند و آن را برای مدت‌ها طولانی نگهدارد . ما به وسیله یک فرد گیاه شمع‌دانی را اذیت کردیم او گیاه را نیشکان گرفت برگش را برید و له کرد و اسید روی آن ریخت ، آن را با کبریت سوزاند ، ریشه‌اش را کند و این کار را چند روز ادامه داد . در مقابل شخص دیگری به همان گیاه توجه کرد خاکش را مرتب کرد ، به آن آب داد ، زیرشاخه‌هایش قیم زد ، بر زخم‌هایش مرهم گذاشت و روزها این کار را ادامه داد . وقتی این گیاه به دستگاه وصل شد با نزدیک شدن شخص اول شروع به جیغ زدن کرد حرکات وحشیانه و تند الکتروود انسان بود که نه فقط حکایت از ناراحتی گیاه بلکه ترس و وحشت از حضور آن شخص را نشان می‌داد . به شدتی که گویی می‌خواهد از ترس خود را از پنجره به خارج پرتاب کند و یا به مرد شکنجه‌گر حمله

(۲۵۷)

کند و در صورتی که در حضور مرد مهربان گیاه آرامش داشت و دستگاه رسام یک منحنی راحت و آرام را روی کاغذ ثبت می‌کرد . دانشمندان شوروی علاوه بر تشخیص دوست و دشمن به وسیله گیاه نوعی حسن تعاون گیاهی را تجربه کرده‌اند . به عنوان نمونه یک گیاه سیراب به گیاه همسایه و تشنه خود رطوبت می‌رساند . این احساس هم دردی در گیاه نیز بسیار جالب بود .

آیا گیاهان دارای سیستم اعصاب هستند ؟

چاندرایک محقق انگلیسی بود که به دنبال یک سلسله از آزمایشات درباره گیاهان بود و به نتایج جالبی برخورد کرد . وی گیاه ابریشم را در نظر گرفت در این برگ تعدادی برگچه به طور قرینه روی ساقه برگ قرار دارد و چندین برگ تقریباً در (۲۵۸)

یک نقطه از شاخه می‌روید . هر سیستم به وسیله ساق برگ به شاخه اصلی وصل است چاندرایک به وسیله شوک برقی با یک سیم داغ ساقه را مورد تحریک قرار داد نزدیک‌ترین ساق برگ روی ساقه خم شد و پشت سر آن برگچه‌ها از انتهای ساقه خود خم شدند . او یک گالوانومتر را به ساقه برگ وصل کرد و نوسانات الکتریکی را در فاصله ساق برگ و برگچه مورد دقت قرار داد هر بار که نوک برگچه‌ها را می‌سوزاند یا تحریک می‌کرد نخست برگچه‌ها و سپس ساقه روی پایه خم می‌شد و او چنین عکس‌العمل مکانیکی گیاه

را مانند ماهیچه حیوانی که در مقابل تحریک از خود عکس‌العمل نشان می‌دهد تشبیه کرد و نتیجه گرفت که گیاهان نیز دارای سیستم اعصاب هستند. همان‌طور که بعداً ثابت کرد که گیاه با این سیستم اعصاب در برابر سرما، مخدرات و جریان‌های ضعیف الکتریکی از خود واکنش نشان می‌دهد.

(۲۵۹)

بعضی از گیاهان در دمای خاصی می‌میرند

چاندرا ثابت کرد که بیشتر گیاهان در حرارت ۶۰ درجه سانتیگراد دچار مرگ می‌شوند و او ثابت کرد که گیاه در لحظه مرگ انرژی الکتریکی زیادی از خود خارج می‌کند. مثلاً پانصد دانه نخود سبز می‌تواند پانصد ولت برق آزاد کند.

آیا می‌دانید گرده گیاهان قابل اشتعالند؟

گرده بیشتر گیاهان قابل اشتعال است و چنانچه روی یک قطعه آهن سرخ پاشیده شود مثل باروت منفجر می‌شود و در گذشته برای روشن کردن صنه تئاتر گرده و دانه گیاه کبریت (*Lycopodium*) از این گیاه حدود ۲۰۰ گونه وجود دارد و از دانه‌های روغنی آن در آتش بازی استفاده می‌شود. را روی صفحه داغ می‌ریختند و آنها منفجر می‌شدند و باعث شادی تماشاگران می‌شد.

(۲۶۰)

اثر جریان برق بر بیشتر شدن محصولات گیاهان

Celuom سلیم که یک فلاندی بود ثابت کرد که گیاهانی که در یک گلدان فلزی کاشته شوند و به یک مولد جریان مستقیم وصل گردند ظرف مدت هشت هفته این گیاهان از گیاهان مشابه که در شرایط همسان ولی طبیعی قرار داشتند ۵۰٪ بیشتر رشد کردند و این کار را با بوته‌های توت فرنگی و ذرت و غیره انجام داد و دید که توت فرنگی‌ها ۲ برابر بار آوردند و قندشان بیشتر شد و محصول ذرت دو برابر و خوشمزه شد و این کار را نیز با سبزیجات و میوه‌جات انجام داد و نتیجه گرفت جریان برق در ازدیاد محصول بسیار مؤثر است. (۱)

۱- برگرفته از کتاب گیاه، کودک، دانشمند تألیف: تامپ کینز و کریستوفر برد، ترجمه گلپور، انتشارات دفتر فرهنگ اسلامی، چاپ اول ۱۳۷۱.

(۲۶۱)

هدف عالی قرآن از بیان اسرار گیاهان (۱)

می‌دانیم که در آیات بسیاری از قرآن اسرار سلسله گیاهان نام برده شده و به فوائد و اهمیت حبوبات و میوه‌ها توجه داده شده است ولی عنایت و اصراری که این کتاب مقدس در این زمینه دارد این است که فکر و تعقل را در این نقطه متمرکز کند که این همه میوه‌های گوناگون و حبوبات متنوع در اثر چه عاملی پدید می‌آید؟ و کدام عاملی است که از آب و خاک ساده انواع سبزی‌ها و دانه‌های غذایی و میوه‌ها را به وجود می‌آورد؟

راستی تفکر در این موضوع ما را هرچه بیشتر به قدرت و حکمت خداوندی که از

۱- برگرفته از کتاب شگفتی‌های آفرینش، تألیف: استاد حسین نوری، انتشارات برهان.

(۲۶۲)

پشت پرده عوامل محسوس آفرینش، این جهان را اداره می‌کند متوجه و معتقد می‌سازد اکنون برای نمونه به آیه «۹۹» از

سوره انعام توجه کنید:

«وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ نَبَاتَ كُلِّ شَيْءٍ فَأَخْرَجْنَا مِنْهُ خَضِرًا نُخْرِجُ مِنْهُ حَبًّا مُتَرَاكِبًا وَمِنَ النَّخْلِ مِنَ طَلْعِهَا قِنْوَانٌ دَانِيَةٌ وَجَنَّاتٍ مِنْ أَعْنَابٍ وَالزَّيْتُونَ وَالزُّمَانُ مُمَشَّبَاتٍ وَغَيْرَ مُمَشَّبَاتٍ أَنْظُرُوا إِلَى ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَيَنْعِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَُمْ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ». یعنی: اوست خدایی که با قدرت و حکمت خود از آسمان باران فرو ریخت تا هر گونه گیاه به آن وسیله از زمین برویاند و گیاهی که (در این آیه) مورد نظر است دو نوع است: یک نوع که مزارع را تشکیل می‌دهد بر انواع دانه‌های غذایی از قبیل گندم و برنج و جو مشتمل است و نوع دیگر باغستان‌هایی که دارای درخت‌های خرما و (۲۶۳)

انگور و زیتون و انار و امثال آن‌ها می‌باشد با توجه به این که عوامل تربیت از قبیل آب و خاک و نور و هوا در وجود آن‌ها یکسان اثر می‌کند با این وصف بعضی از این میوه‌ها در رنگ و شکل شبیه یکدیگر هستند ولی در طعم و لذت متفاوت می‌باشند و بعضی دیگر در رنگ و شکل متفاوت و در طعم و لذت متشابه هستند بلکه در یک نوع میوه بعضی از افراد آن با هم مشابه و بعضی نامشابه است «أَنْظُرُوا إِلَى ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَيَنْعِهِ» شما تنها به خوردن این میوه‌ها اکتفا نکنید بلکه به باغستان‌ها قدم بگذارید و با چشم تعقل در آن‌ها نگاه کنید، مخصوصاً دو حالت را در نظر بگیرید: یکی آن حالتی که این میوه‌ها هنوز نارس بود، هنوز به صورت شکوفه و گل خودنمایی می‌کرد؛ دیگر آن حالتی که کاملاً رسیده و پخته شده است، پس از آن که قابل استفاده نبود قابل استفاده شده است، پس از آن که ترش بود، شیرین و (۲۶۴)

خوش طعم و گوارا گردیده است، بعد از آن که سبز و نارس بود، رنگ ارغوانی و طراوت مخصوصی به خود گرفته است؛ پس از آن که کوچک و ناقص بود، بزرگ و کامل گشته است، این دو حالت را با هم مقایسه کنید تا بر شما حتم و مسلم شود که دست قدرتی هست که این دانه‌های نیروبخش و میوه‌های نشاط‌انگیز و اسرارآمیز را از خاک می‌رویاند و از نقص به کمال می‌رساند. «إِنَّ فِي ذَلِكَُمْ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ». در این موضوع آیات قدرت و نشانه‌های حکمت خداوند برای اهل ایمان هویدا و آشکار است. درختان بارور مانند خدمتگزاران صمیمی با فعالیت خستگی‌ناپذیر و پشتکار عجیب کمر خدمت بسته در پرتو اشعه حیات‌بخش خورشید از دل زمین مواد نیروبخش غذایی را می‌مکند و به صورت انواع میوه‌های لطیف و لذیذ به ما تقدیم (۲۶۵)

می‌دارند، شاخه‌های گل طبق‌های ریاحین و نسرين و یاسمن را به کف گرفته، در برابر ما صف کشیده‌اند و اشاره می‌کنند که هر یک را می‌خواهی بگیر. این خدمتگزاران فعال برای تهیه عوامل نشاط و وسایل حیات ما از هیچ‌گونه فداکاری دریغ ندارند.

نکته مهم این است که گیاهانی که مواد خاک را به صورت میوه‌های لطیف و گوناگون درمی‌آورند و عناصر ساده را به گل‌های رنگارنگ و معطر تبدیل می‌نمایند، درس‌هایی از توحید می‌گویند و ما را به قدرت و حکمت خداوند متوجه می‌سازند. راستی، هر گل بویایی اسرار گویائی از توحید و هر گیاهی راز و آوازی از خداشناسی دربردارد. نکته‌ای که مهم است این است که بدن انسان نمی‌تواند ویتامین‌ها (۲۶۶)

را بسازد بلکه باید این مواد حیاتی را از سبزی‌ها و میوه‌ها بگیرد و از همین جهت یکی از فوائد مهم میوه و سبزی برای بدن انسان روشن می‌شود.

امروز در بازرگانی و دارو فروشی دواها و قرص‌های ویتامین دار بسیاری برای تغذیه انسان و حیوانات عرضه می‌شود و بسیاری از

اشخاص فکرمی کنند برای این که تندرست باشند کافی است که از همین دواها و قرص‌ها استفاده کنند و حال این که این فکربه طوری که دانشمندان غذاشناس می گویند اشتباه است و هیچ گاه این مواد گرانبها که به نام قرص‌های ویتامین ساخته شده‌اند نمی توانند جای میوه و سبزی را بگیرند. (۱)

۱- برگرفته از کتاب شگفتی‌های آفرینش، تألیف: استاد حسین نوری، انتشارات برهان. (۲۶۷)

«کتابنامه»

- ۱- بیستونی، محمد، تفسیر جوان (۵ جلدی)، اول، قم، انتشارات بیان جوان.
- ۲- بیستونی، محمد، فهرستواره موضوعی تفسیر جوان، اول، قم، انتشارات بیان جوان.
- ۳- بیستونی، محمد، تفسیر بیان (۳۰ جلدی)، اول، تهران، انتشارات فراهانی.
- ۴- بیستونی، محمد، فهرستواره موضوعی تفسیر بیان، اول، تهران، انتشارات فراهانی.
- ۱- استاد نوری، حسین، شگفتی‌های آفرینش، انتشارات برهان.
- ۲- دکتر حسین فاروقی، محمد اقدار، ترجمه احمد نمائی، گیاهان در قرآن، انتشارات مؤسسه چاپ آستان قدس رضوی، چاپ دوم ۱۳۷۹.
- ۳- کینز، تامپ، برد، کریستوفر، ترجمه گلپرور، انتشارات دفتر فرهنگ اسلامی، چاپ اول ۱۳۷۱.
- ۴- خرمشاهی، بهاء‌الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات دوستان و ناهید، چاپ اول، ۱۳۷۷.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار- ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتبع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و

رایانه‌ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزارهای علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیت‌های گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزارهای تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲-۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲-۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران ۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده ولی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱

۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار

شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می‌دارد و با حجت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

